

کمیانی خارج شود از قبیل چنک و غرق و تعلیل حمل و نقل در ممالک خارجه در مقابل قبض حاکم رشت مشهور اینک بقدر کفایت ساختن راه آهن از رشت الی طهران میلیهای آهن وارداترلی شده است این مبلغ چهل هزار لیره به کمیانی رد خواهد شد .

فقره نهم - کمیانی تمهید میکنند که در تمام مدت این امتیاز از منافع خالص عمل راه آهن صد بیست بدولت ایران بدهد .

فقره دهم - بر سر انقضای مدت این امتیاز که عبارت از هفتاد سال است باید اصحاب این امتیاز قبل از وقت در باب اینکه تصرف و تمتع این راههای آهن در دست ایشان باقی بماند و امتداد بیابد با دولت گفتگو بکنند و قرار بگذارند در صورتیکه در این باب فیما بین دولت و اصحاب امتیاز قرار نماند میسر نشود جمیع خطوط راه آهن که بحکم این امتیاز و قرارنامه ساخته شده باشد با مصالح ثابت و دوازه خود مال دولت علیه ایران خواهد بود . در باب اینیه و توابع خطراه آهن رجوع خواهد شد به آن قواعدی که عموماً سایر دول رعایت کرده اند و شروط آن در این باب برای دولت مساعدتر از همه باشد اصحاب این امتیاز در عوض راه آهنی که بدولت واگذارند حق مطالبه هیچ تنخواه و هیچ تلافی نخواهند داشت .

فقره یازدهم - دولت علیه ایران بحکم امتیازنامه و قرارنامه حاضره با صاحب این امتیاز حق مخصوص امتیاز انحصاری و قطعی میدهد که در مدت طول این امتیاز در تمام ممالک ایران معادن ذغال سنگ و آهن و مس و سرب و پترول و غیره را هر چه دیگر که ایشان مناسب بدانند کار بکنند و از آنها تمتع بردارند بغیر از آن معادنی که مالک مردم است و صاحبان آنها در آنها کار میکنند - در خصوص این نوع معادن هر گاه کمیانی بخواهد آنها را بخرد باید با صاحبان آنها برضای طرفین معامله نماید بطور وضوح مقررات است که هیچیک از کار گزاران و مامورین دولتی و مذهبی و هیچیک از رعایا و تبعه و اشخاص نمی توانند در خصوص یک معدن ادعای حق تصرف نمایند مگر در صورتیکه مدت پنج سال قبل علناً و با معرفت و تصدیق عامه در آن معدن کار کرده باشد خارج از این شرط است .

هر معدنی که کمیانی پیدا بکند مثل زمین ساده و عادی محسوب خواهد شد و از جانب کمیانی بقیمت متداوله آن ولایت خریده خواهد شد و اگر لازم شود دولت صاحب یا اصحاب آن زمین را مجبور خواهد کرد که آنرا بقیمت متداوله آن ملک بکمیانی بفروشد دولت معادن طلا و نقره و جواهر را برای خود نگاه میدارد .

از برای کار کردن این نوع معادن دولت میتواند با کمیانی قرار دادهای مخصوص بگذارد .

فقره دوازدهم - از محصولات خالص هر معدنی که کمیانی بکار بیندازد دولت ایران از منافع خالص آن سالی صدویاتزده مرسوم و مقرر خواهد داشت :

فقره سیزدهم - از برای کار کردن معادن و اتصال آنها براههای آهن و تراموای و طرق دیگر هر قدر زمین که لازم میشود از املاک خالصه مجاناً بکمیانی داده خواهد شد .
بجهت این معادن کمیانی بهره یاب خواهد شد از همان امتیازاتی که در فقره ششم برقرار است و همچنین محکوم همان تمهیدی خواهد بود که در فقره دهم معین است .

فقره چهاردهم - دولت علیه ایران بحکم این قرارنامه با صاحب این امتیاز حق مخصوص امتیاز انحصاری قطعی میدهد که در مدت طول این امتیاز در جنگلهای تمام ایران کار بکنند و این جنگلها را بکار بیندازد و از آنها تمتع بردارند این کار کردن و تحصیل تمتع کمیانی در جنگلهای ایران بهتر از قبلی که باشد در هر زمینی که تا امتیاز این قرارنامه زراعت نشده باشد جائز و معمول خواهد بود .

در هر جائیکه کمیانی درختهای آنها را بریده باشد هر اراضی که دولت بخواهد بفروشد کمیانی قبل از همه کس حق خواهد داشت که آن اراضی را از دولت بقیمت متداوله بخرد دولت ایران از منافع خالص این جنگلها سالی صدیاتزده قسمت خواهد برد .

فقره پانزدهم - دولت علیه ایران با صاحب این امتیاز حق مخصوص امتیاز انحصاری میدهد که در مدت این امتیاز در تمام مملکت ایران بجهت بر گردانیدن رودخانهها و مجاری آنها و ساختن بندها و سد ها و استخرها و کندن چاههای سیاله و مجاری مصنوعی و بجهت آوردن آبهای که دولت بر آنها حتی بکسی نداده باشد و جاری کردن آن آبها بنقاط مختلفه که خود اصحاب این امتیاز مصلحت بدانند و هر عمل و کاری و اقدامی که لازم باشد بکنند مجری دارند .

و هیچ صاحب ملکی با عبور این آبها هیچ نوع مخالفتی نکند یا عبور آنها موانع و عوائقی نگذارند و از آن طرف هم بهر صاحب ملکی که عبور این آبها خسارنی وارد بیاید کمیانی تلافی خواهد کرد .

دولت ایران بجهت کارها و بندهای آب کشی و هر نوع احداثاتی که تعلق بآب داشته باشد هر قدر زمین که لازم شود بکمیانی مجاناً خواهد داد و علاوه بر این دولت ایران از هر طرف جوهانی که ساخته باشد مقدار بیست متر زمین بطول آن جویها مجاناً بکمیانی خواهد داد و هر زمین با بری که کمیانی بواسطه آبهاییکه آورده شده دایر بکند صرف اختیاری در زراعت آن زمین حق کمیانی خواهد بود کمیانی قیمت آبهای که بخواهد بفروشد با توافق دولت با رضای طرفین معین خواهد کرد .

دولت ایران از منافع خالص این آبها سالی صد یاتزده قسمت خواهد برد .

فقره شانزدهم - بجهت ساختن راه آهن که امتیاز آن بحکم این قرارنامه به اصحاب این امتیازنامه واگذار شده است و بجهت اجرای اعمالی که مقتضی کارها و اقدامات دیگری است که در فوق ذکر شده است دولت علیه ایران بیارون درویش و شرکاء یا بکلان او اجازه و اختیار تام میدهد که بحکم این قرار نامه ابتدا یک سرمایه اولیه که عبارت از صد و پنجاه میلیون فرانک یا شش میلیون لیره انگلیسی باشد برسم حصه های شرکت یا سندهای قرض صادر نمایند منفعت و قیمت و شروط و طرز صدور این مبلغ را خود اصحاب این امتیاز بعد مشخص خواهند کرد .

فقره هفدهم - دولت ایران بحکم این قرارنامه بجهت سرمایه که صادر شده باشد یا بعد صادر شود سالی صد پنج منفعت و علاوه بر آن صد و هم بجهت ادای سرمایه بکمیانی ضمانت میکند .

فقره هجدهم - این ضمانت صد هفت بر عهده مداخل معادن و آبها و جنگلها و کمرک های دولت علیه ایران است .

این ضمانت حکمی نخواهد داشت مگر پس از اتمام خط راه آهن از بحر خزر الی اصفهان مطابق همان طرز و ترکیب که در دفتر حمل معین باشد تا آنوقت کمیانی منفعت سالیانه را از روی آن سرمایه اولیه که صادر شده است یا از روی آن سرمایه جدید که اجازه و اختیار دارد که موافق مصلحت خود صادر نماید بخصه داران ادا خواهد کرد .

فقره نوزدهم - دولت علیه ایران بحکم این قرارنامه تمهید میکند که اجازه کمرک های ایران را از تاریخ ماه مارس سنه ۱۸۷۴ تا مدت بیست و پنج سال با صاحب این امتیاز بدهد بجهت اجازه این کمرکها اصحاب این امتیاز مبلغ اجازه حالیه را بدولت خواهند داد و علاوه بر آن سالی هم مبلغ پانصد هزار فرانک یا بیست هزار لیره انگلیسی باسم اضافه خواهند داد این شرایط از برای پنجسال اولی مقرر است - از ابتدای سال ششم در عوض این پانصد هزار فرانک مبلغ اضافه از روی کل منفعت خالص سالی صد شصت بدولت داده خواهد شد بغیر از قیمت اجازه فقره بیستم - در صورتیکه دولت علیه ایران بعد از این مصمم بشود که امتیاز بانک را با امتیاز یک دستگاه اعتباری را از هر قبیل که باشد بدهد آن امتیاز از امروز بحکم این قرار نامه محفوظ و معهود و مخصوص است از برای این کمیانی که بر جمیع اشخاص و کمیانیهای دیگر حق رجحان خواهد داشت .

فقره بیست و یکم - از برای هر نوع کارها و نلغرافها و آسیابها و کارخانهجات آهن آلات و سایر کارخانهها و غیره که بعد از این امتیازی بخواهند اصحاب این امتیاز حاضره در جمع این مواد و امتیازها حق رجحان بر جمیع اشخاص و کمیانیهای دیگر خواهند داشت .

فقره بیست و دوم - اصحاب این امتیاز در هر وقت مختار خواهند بود که کل این حقوقی که بواسطه این امتیازنامه داده شده است یا یک جزو این حقوق را بهر طور که بخواهند بکمیانی دیگر یا بیشتر یا دیگر بدهند یا

بفروشد با تمهیداتی که کرده اند .
فقره بیست و سوم - اصحاب این امتیاز نامه تعهد میکنند که این اعمال را یعنی اعمال معادن و آبها و جنگلها را با اعمال راه آهن با هم شروع بکنند و با اهرامی که ممکن باشد اجرای آنها را پیش ببرند .
دوات علیه ایران نیز از طرف خود علاوه بر آن عملجات خارجه که کمیابی مختار است بمیل خود اجیر نماید هر قدر عماله که کمیابی بجهت اجرای این اعمال مختلفه لازم داشته باشد بقیمت متداوله مملکت از برای کمیابی پیدا خواهد کرد .

دولت علیه ایران از برای حفظ امنیت هر زمین و هر محل که بجهت هر يك از این اعمال بکمیابی داده است و همچنین از برای اكمال امنیت هر يك از وکلاء و کارگذاران و مامورین و عملجات کمیابی هر قواعدی که لازم باشد اعلام خواهد کرد و هر تدابیری که واجب باشد حکم باجرا آنها خواهد نمود
فقره بیست و چهارم - این امتیازنامه بزبان فارسی ترجمه خواهد شد اما در صورت ظهور مشکلات فیما بین طرفین متعهد تین مضمون فرانسه تنها سند خواهد بود .
در طهران بیست و پنج ژولیه سنه ۱۸۷۲ عیسوی مطابق هیجده شهر جمادی الاولی سنه ۱۲۸۹ هجری در دو نسخه نوشته شده .

جناب اشرف امجد صدر اعظم دولت علیه ایران بمحکم اختیار نامه نامه که بایشان از جناب علیحضرت اقدس همایون شاهنشاه ایران داده شده است با اتفاق جمیع وزرای دولت این قرار نامه را امضاء و تصدیق داشتند و علیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی نیز این قرارنامه را به امضای همایون خود معضی و تصدیق فرمودند .
محل مهر «الملك لله السلطان ابن السلطان ناصرالدين شاه قاجار»
محل امضاء ناصرالدين شاه «السلطان ناصر الدين شاه قاجار»

محل امهار بترتیب ۱ پاشا خان امین الملك وزیر عدلیه اعظم - حسنعلی خان وزیر فریاد عامه - عماد الدوله محمدبن امامقلی میرزای وزیر - میرزا سعید خان وزیر امور خارجه دولت علیه ایران - اعتضادالسلطه دوستعلی خان نظام الدوله وزیر مالیه - حاجی محسن خان وزیر مختار مامور دربار دولت انگلیس - ناصرالملك این يك شرحی است که بجهت توضیح فقره هجدهم باید در دفتر حمل ثبت شود .

بطور سریع مقرر است که حتی در آن وقت اتمام خط راه آهن از رشت الی اصفهان دولت علیه ایران بجهت ادای منافع صد هفت سؤال نخواهد بود اما بر کمیابی لازم خواهد بود که تا آنوقت معادن و آبها و جنگلها و کمرکها را به حالتی رساننده باشد که اضافه دخل آنها به منفعت آن سرمایه که ضمانت شده مساوی باشد .
در صورتی که اصحاب این امتیاز در آنوقت چنان نتیجه بدست نیاورده باشند از دولت هیچ مطالبه نخواهند کرد و در ادای تنخواهی که بجهت اجاره کمرکها و مبلغ اضافه که در فقره نوزدهم مقرر است هیچ تغییر و تاخیری جایز نخواهند داشت .
و بر آنها لازم خواهد بود که منافع مزبور را از روی سرمایه اولی بدهند یا اینکه بمیل و اختیار خود سرمایه دیگری صادر نمایند یا همانطور ضمانت ها که در این امتیازنامه مقرر شده است بطور سریع مقرر است که بارون جولیس رونر بمحض قبول این امتیاز نامه حاضر بدون هیچ استثناء امضاء و تصدیق میکند جمیع آن تمهیداتی که مسیوکوت در خصوص این امتیازنامه در طهران برعهده گرفته است بتاريخ ۲۴ ماه اغوت سنه ۱۸۷۲ (ردیل متن فرانسه امتیازنامه مسیوکوت نماینده رویت این عبارت را باخط خود نوشته و سپس آنرا امضاء کرده است چون ساوالان سخن ادعا میکند که از جانب دولت ایران باو بعضی حقوق داده شده است بارون رایتس بی آنکه ادعای او را اعتراف نماید تعهد میکند)

(در اینجا دوباره همان اشخاصی که قبلا مهر کرده اند مهر نموده اند.)

محل امضاء و مهر ژولیس رونر

در ردیل متن فرانسه میرزا حسین خان سپهسالار باخط خود نوشته

هو این نسخه قرار نامه راه آهن باخط فرانسه مطابق است با نسخه خط فارسی که بدستخط مبارک همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه مشرف و بهر مبارک ملوکانه مزین شده است و اختلافی ندارد مورخه ۲۷ جمادی الاولی ۱۲۸۹ محل مهر صدر اعظم

مجددا اشخاصی مزبور مهر کرده اند

Handwritten document in Persian and French. The top part contains French text: "Il est convenu...". Below this is a large, intricate diagram or map with various circular and rectangular stamps and handwritten notes in Persian. The diagram appears to be a technical drawing or a map related to the railway project mentioned in the text. The bottom part of the page contains more handwritten Persian text and several circular stamps, likely official seals or signatures.

صفحه آخر امتیاز نامه رویت در صفحه قبل گراور شده است - بعد از آنکه امتیاز بانك شاهنشاهی اعطاء میشود بموجب فصل ملحقه نمره يك که بعد از آن درجی خود نقل خواهد شد چرخ رویت فرزند بارون جولوس رویت متعهد میگردد که اصل امتیاز نامه را در ظرف ده روز پس از ورود خودش بلندن بوزیر امور خارجه انگلیس بدهد که توسط نماینده دولت انگلستان در تهران بدولت ایران تسلیم شود و بالاخره پس از تسلیم آن بدولت ایران ناصرالدین شاه روی صفحات آن خط کشیده و باخط خود در پایین آن چنین نوشته است .

« این قرار نامه که از اول الی آخر خط کشیده شده روی صفحه ها و روی مهرها از درجه اعتبار ساقط و باطل شد ۳۰۷ »

بعد از تصدیق و امضاء امتیاز نامه از طرف ناصرالدین شاه این نامه را به پهنسالار معجدا بعنوان « شاه » مینویسد و در آن مخالفت روسها را گوشزد میسازد .

بعد از امضاء
امتیاز نامه

« قربان خاکبای جواهر آرای اقدس همایون مبارک کردم .
قرارنامه راه آهن که با امضاء و تصدیق همایون شاهنشاهی روحانفاد مسیده و باین واسطه احیای دولت و ملک فرموده اید زیارت نمود شکر خدا را هزار مرتبه بجا آوردم و دوام عمر و دولت و شوکت و هدایوی را فدوی خاننژاد و جمیع افراد ملت هر کس که مشهور و فہم داشته از صمیم قلب بجای آوردم در بوفصل از قرارنامه که تصرف همایونی شده بود بجا و موقع بود و محل ایراد طرف مقابل نمیتواند بشود اما در فقره منافع حالیه که مرک آنچه بدستخط مبارک در اصل قرارنامه مرقوم شده بود بعینها بلکه قوی و شدیدتر در فصل هجدهم که جداگانه امضاء میشود و همین حکم و قدرت قرارنامه را دارد مندرج و منظور بود تلگرافنامه بارون رویت که سہوا در نزد ناظم الملک مانده بود و در جوف پاکت متمدن الملک فرستاده شده بود الان تقدیم حضور من ظهور ملوکانه گردید و امر قرارنامه از طرف بارون رویت و مسیو کوت امضاء و تصدیق گرفته شد که دیگر بهیچوجه محل حرف نیست و چیزی باقی نمانده است در متفرقات امر از جانب بنده ذلیل ببقدر همایونی قدری ایرادات هست که در يك مجلس صورت انجام خواهد گرفت و انشاء الله الرحمن قبل از یکسال شروع بکار خواهند نمود و در ظرف دو سال از رشت الی دارالخلافه تمام خواهد شد آنوقت ملاحظه خواهید فرمود که يك مملکت و دولتی که بهیچوجه شایسته به آنچه حلاست نداده و خداوند از تازگی بسر کار اقدس همایونی روحنا فداء عنایت فرموده است .

سقاوت روسیه بهیچوجه راضی باین عمل نیست با وجودی که هنوز از فصول و شرایط قرارنامه اطلاع کامل ندارد معایب خطرات معدود میدارد و حق هم دارد اگر فدوی هم ایلیچی روس بود همین شیوه را پیشنهاد خود میساختم و بقدر مقدور سعی میکردم دولت و ملت ایران از این قدرت و نفع مجتهد محروم بمانند لکن فضل خداوندی و بصیرت کلمه همایونی انشاء الله دولت و ملت مستحق ایران را محروم نخواهد گذاشت .

خداوند جان ناقابل خاننژاد را بقربان خاکبای مبارک نماید . الامر الاقدس الاعلی عطا عطا معطاع »

ناصرالدین شاه در حاشیه این نامه نوشته است .

« جناب سدا عظم تلگراف رویت ملاحظه شد انشاء الله تعالی بهیچوجه نصی بابتکار وارد نخواهد شد و صورت خواهد گرفت رشبیا بخصوصه باید بجبرجهد تمام که زیاده از آن ممکن نیست باید بی ابتکارها بروید و انشاء الله بانجام برسانید .

منفعت این کار را درست فهمیده ام بقارت روس هر قدر میخواهد دلخور باشد بشود چه چیزی دارد البته قدرت این کمپانی از کنار بحر خزر و رشت الی دریای قارس بهیچوجه خوبی برای روس ندارد اما برای ایران انشاء الله خوب است و خوب باشد »

این امتیاز نامه را ابتدا مستر کوت از طرف رویت قبول و امضاء نموده و سپس آن را توسط میرزا ملکم خان و زبرمختار جدید ایران در انگلستان بلندن فرستاده اند و خود بارون جولوس رویت نیز آنرا تأیید کرده است .

در موقع امضاء امتیاز نامه مستر کوت متعهد میشود که رویت اعتباری بمبلغ دو بیست هزار لیره برای ناصرالدین شاه تهیه نماید . این پول برای پرداخت قسمتی از هزینه های شاه و همراهان باروپا بود که وجه آنرا رویت باید در شهرهای مسکو - بطرزبورغ - برلن - لندن - پاریس - وین - استانبول ورم بپردازد .

و بموجب همین تمهید هنگام توقف ناصرالدین شاه در لندن قرار دادی درشش فصل بتاريخ ۶ آوریل ۱۸۷۳ بین میرزا ملکم خان بوکالت از طرف ناصرالدین شاه و ژولیوس رویت منعقد میگردد که در شهرهای مزبور پول لازم را در اختیار شاه ایران بگذارد . راجع باین وام در قسمت مربوط با استقرار با صحبت خواهیم کرد .

روز بعد از امضاء امتیاز نامه متن آن از طرف مستر کوت برای رویت بلندن مغایره میگردد .

رویت آماه
اجراء امتیاز نامه

وقتی رویت از شرایط این امتیاز نامه مطلع میشود « از خوشحالی در پوست خود نمی گنجید » و عین تلگراف مستر کوت نماینده خود را بوزارت خارجه انگلیس میبرد و از اینکه توانسته باین آسانی سند اسارت ایران را بدست آورد دولت انگلستان را مطلع میکند .

گراهام استوری در کتاب « رویت در يك قرن » مینویسد .

« این امتیاز جاه طلبانه و تهور آمیز به موسسه خبرگزاری رویت داده نشده بود بلکه دولت ایران این امتیاز را بخصی وی اعطا کرده بود . مشارالیه بطور واضحی بدقت و مقدمات مهمی اتکاء داشت و با مساعدت مؤثر یکی از شرکاء شرکت (جاردین متی سان و کمپانی) (۱) که يك شرکت بزرگی در خاور دور بود بکار پرداخت .

بقدری رویت بموقعیت خود اطمینان داشت که حتی بفکرایجاد شرکت خاصی هم نبود .

چون مطابق ماده هشتم امتیاز نامه میبایست در موقع امضاء مبلغ چهل هزار لیره بحساب مشترک دولت ایران و صاحب امتیاز بعنوان وجه الضمان اجراء امتیاز نامه در بانك انگلستان سپرده شود فوراً رویت حساب مشترک بنام خود و حاج محسن خان وزیر مختار ایران در بانك انگلستان (۲) باز میکند و چهل هزار لیره به آن حساب در بانك مزبور میگذارد .

و نیز چون بموجب همان ماده هشت بایستی ۱۵ ماه پس از تاریخ امتیاز نامه بکار شروع کند - رویت از همان موقع بدون آنکه فرصت را از دست بدهد مشغول تهیه مقدمات و وسائل اجراء مواد امتیاز نامه میشود .

بدین منظور به همکار صمیمی و قدیمی خود هنری کولینز که قبلاً ذکر کردیم از او بمان آمد دستور میدهد که برای استخدام مهندسین و کارشناسان لازم اقدام نموده و خود را آماده عزیمت بایران بنماید . با وجود آن برای اقدام بکارهای اساسی میبایست رویت منتظر شود تا میرزا ملکم خان که بجای میرزا محسن خان بسمت وزیر مختاری ایران

در انگلستان تعیین شده بود امتیاز نامه را بلندن ببرد و بعد از تسلیم آن به رویتر قرار حمل اسباب و لوازم مورد احتیاج را با او بدهد - گراهام استوری می نویسد .

«مع الوصف شروع کار واقعی راه آهن بدون موافقت بین دولت ایران و بارون رویتر درباره دفاتر حساب و تجویز خرید مواد مورد نیاز امکان ناپذیر بود .

شماره این موقع عقیده داشت که قبض و اقباض این سند باید وضع مناسبی داشته باشد و اصرار میکرد که وزیر مختار جدیدی در انگلستان ملکم خان دفاتر را با خود بیاورد و شخصاً به رویتر تسلیم نماید .

با ضرب الاجل رسمی شروع کار راه آهن که شش ماه آن منقضی شده بود در این هنگام وقت ، امر حیاتی بود نظری یانگه وزیر مختار جدید در بهار سال ۱۸۷۳ بسمت مغرب حرکت میکرد رویتر به نمایندگان او و وزیر مختار بارونین و بران و بروکسل و پاریس و بلاخره لندن ملاقات و احاطه کردند .

هنگامی که عاقبت رویتر موافقت وزیر مختار را در مورد دفاتر جلب کرد معلوم شد که وضع نامناسبی میان آمده است .

چنین بنظر میرسد که ملکم خان یک ربع امتیاز اصلی را در حق خود محفوظ داشته بود که البته می توانست روسها یا دیگران را گذار نماید .

این امر برای بارون رویتر به بیست هزار لیره و تمهدی دایر بر پرداخت سهمیه ای در کلیه منافع آتی به نفع شدت توانست مالکیت امتیاز نامه خود را بدست آورد .

برای اجراء امتیاز نامه کار عمده که البته رویتر هم از ابتدا هیچوقت از آن غافل نمی شد جلب موافقت و پشتیبانی کامل دولت انگلستان بود زیرا رویتر میدانست که اجراء این امتیاز نامه با مخالفت شدید روسیه روبرو خواهد شد و تا دولت انگلیس از او کاملاً حمایت و پشتیبانی نکند با اجراء آن موفق نخواهد گردید .

گراهام استوری راجع باین موضوع می نویسد .

«در عین حالی که رویتر مقدمات و مسائل اجراء امتیاز نامه را فراهم میکرد افکار وی متوجه مسئله دیگری بود . گذشته از آنکه در نتیجه آشنائی مردم ایران بتمدن غرب و ترقی سطح زندگی مردم آن بازار فروشی برای اتمه معنی انگلیسی در آن کشور پیدا میشود این موضوع منافع سوق الجیشی فوق العاده ای برای دولت بریتانیا خواهد داشت . او فکر میکرد که ارتباط ایران با هندوستان بوسیله ایجاد راه آهن سراسری ایران مسئله ایست که عموماً با آن نظر موافقت داشته اند بلامر و با این ترتیب همانطور که در نامه خود در ماه سپتامبر ۱۸۷۲ به بارون نویل وزیر خارجه کابینه کلاستون نوشته بواسطه این راه آهن و پیشروی بطرف دریای خزر از پیشرفتهای روسیه جلوگیری بعمل خواهد آمد .

با نوشتن این نامه رویتر امیدوار بود که لاقلاً دولت بریتانیا معناً از او حمایت خواهد کرد .

در نامه مزبور رویتر می نویسد « من مایلم که باین کشور خوانده خودم (انگلستان) خدمت کنم و خدمات من صرفاً تحت توجهات دولت بریتانیا صورت خواهد گرفت و اقداماتی که در این مورد مینمایم از نقطه نظر علاقه ایست که شخصاً در این مورد دارم و از دولت علیا حضرت ملکه کمک مالی نمیخواهم ولی در عین حال بایستی مطمئن باشم که چنانچه اشکالاتی بین من و دولت ایران پیدا شود دولت علیا حضرت ملکه با پذیرش طرح و نقشه کارهای من حقوق مرا بعنوان یک تبعه بریتانیا تا آنجا که در قدرت دولت باشد محفوظ بدارد .

اما نظریات رویتر و قضایات او درباره امور سیاسی مسلم نبود و دولت کلاستون بیم داشت از اینکه خود را در اجراء نقشه رویتر متهم بدینساند و برای انجام آن از خزانه دولت وجوهی مصرف کند . از طرف دیگر وزارت هندوستان در عین آنکه پروژه نقشه رویتر را نمی پسندید جدا آنرا مورد انتقاد هم قرار داده بود زیرا بموجب اظهارات متخصصین و کادرتسلستان ، ایران « بی قابلیت و حتی در اقتباس و پذیرفتن عادت اروپائی مبنی بر طرز تفکر زنده با حسن اخلاق از ترکیه نیز ناتوان تر است »

بسیارت دیگر ایرانیها بنحو تغییر ناپذیری محکوم بنفنا میشدند و حتی اشاره ای که در پروژه رویتر راجع

بجاوگیری از پیشرفت روسها شده بود مسوع واقع نشد

جواب وزارت امور خارجه ماه بعد رسید وزارت امور خارجه نوشتند بود که البته دولت علیا حضرت ملکه اقدامات دولت شما را جهت ازدیاد منابع ایران از طریق افزایش راه آهن و طرق شوسه بارضایت تلقی می نماید ، اما دولت علیا حضرت ملکه نمیتواند رسماً خود را ملزم به حفظ منافع شما که ناشی از اجراء تمهیداتی است که در قبال آن دولت دارید بداند .

این موضوع صحیح بود و در عین حال پاس آور

ناصرالدین شاه ناصرالدین شاه تقریباً ده ماه بعد از تاریخ امتیاز نامه یعنی در ۲۱ صفر ۱۲۹۰ هجری قمری برای اولین بار اعزام اروپا میشود قبل امتیاز نامه منتشر میشود از حرکت « شاه » میرزا ملکم خان ناظم الدوله را گویا به پاس خدمات مهمی که در تهیه و تنظیم امتیاز نامه رویتر انجام داده بود با سمت وزیر مختاری بلندن میفرستند تا ضمن تسلیم امتیاز نامه برویتر و قرار اجراء آن مقدمات پذیرائی شاه را هم در انگلستان فراهم کند .

مسافرت ناصرالدین قریب پنجاه بطول انجامید و در این مدت کشورهای روسیه و آلمان و بلژیک و فرانسه و انگلستان را دیدن کرد و در تاریخ ۱۴ رجب ۱۲۹۰ بایران بازگشت . میرزا حسین خان سپهسالار صدر اعظم وعده دیگری از رجال دولت ایران در این سفر همراه « شاه » بودند .

ناصرالدین شاه میل داشت انیس الدوله سوگلی حرم خود و چند نفر از زنان دیگر هم در همه جا همراه او باشند و تا روسیه هم آنها را با خود برد ولی ظاهراً در آنجا مناسب می بیند که ادامه سفر انیس الدوله و زنان « حرم سرا » صلاح نیست و آنها را بایران باز میگرداند . انیس الدوله که در ناصرالدین شاه نفوذ فوق العاده ای داشت این نظر و تصمیم را از ناحیه سپهسالار می داند و از همان موقع کینه او را در دل می گیرد .

در غیاب ناصرالدین شاه فرهاد میرزا معتمد الدوله با عنوان نیابت سلطنت عهده دار انجام امور کشور میشود و بر تق و فتق کارها می پردازد .

در موقعی که ناصرالدین شاه در انگلستان بود رویتر کوشش می کرد که خود را با او نزدیک سازد مخصوصاً که احساس می کرد ناصرالدین شاه آن شوق و ذوقی را که در اول مرحله داشت دیگر ندارد و همچنین میدانست که دولت روسیه جدا با اجراء این امتیاز نامه مخالف است و دولت انگلستان هم مایل نیست بواسطه حمایت از وی با روسیه بمبارزه برخیزد گراهام استوری می نویسد .

« در ضمن این مدت رویتر مساعی بسیار بعمل می آورد که روابط خود و شما را بر اساس شخصی و مفید تری بر قرار سازد برای جلوگیری از اشکالات ارزی و رستن از دشواری حمل و نقل مسکوکات سنگین وزن ایرانی وی مبلغ بیست هزار لیره جهت ساختن ترن سلطنتی که بایست در پایتخت های اروپائی فراهم می آمد بشاه وام داد . هنگامی که در ازاء قرضه دیگری رویتر سعی کرد تضمینات معین دیگری در مورد امتیاز خود تحصیل نماید شاه مودبانه عرضه او را رد کرد . »

ناصرالدین شاه حتی در مجلس ضیافتی که ژولیوس رویتر با افتخار او در لندن تهیه دیده بود نرفت و با آنکه ولیعهد انگلیس را هم واسطه قرار داد باصرار و ابرام او ترتیب اثر نداد . با آنکه روسها از همان موقعی که صحبت اعطای این امتیاز برویتر بود از جریان آن

کاملاً اطلاع داشتند معاهده دولت ایران و نماینده رویت رسمی زیادی در مکتوم داشتن آن بکار بردند . هنگامیکه ناصرالدین شاه در انگلستان بسر میبرد رویتش موقع را مناسب دانسته و متن امتیاز نامه را در روزنامه ها منتشر می کند *

گراهام استوری مینویسد *

«موقعی که سفری روزمندان شاه مشاوره را بانگلستان کشیده بود و مسائل پذیرائی شاهانه وی نقل محفل لندن بود خرا امتیاز بازون رویتش منتشر گردید . وقت خوبی انتخاب شده بود .

مرحوم انگلیس باشوق و شرف از آن استقبال کردند و خرسند بودند که رشته های ارتباط نازمای بین این شاه مستد شرقی و ایشان ایجاد میگردد *

میان جراید قطع مزاج مقفای روزنامه «پانچ» اثری از شك و تردید داشت (۱)

هریوتر رایا - دلمان میخواست بجای رویتش بی عرضه رویتش را بخان بشود *

و مینگ اویتوزین آب خلیج برداشته که از ابتدای حکومت قاجار آن بآن وسیع تر شده است *

و اکنون میان طبیعت خشک شده و مردم کردن جریان طلا - (بخاطر نادرشاهی که رفت) دو باره جداعلای خود رسیده است *

مع الوصف پارلمان نگران بود .

در مجلس عوام ناطقین شرافت رهوش و اصول کاملاً انگلیسی ، بارون رویتش را نائید میکردند لیکن در مورد اختیاراتی که طبق این امتیاز بوی اعطاشده بود کلمات فوق العاده و خطرناک را بکار میبردند .

رویت لاو (۲) وزیر دارائی به ترتیب اداری معمول باشان جواب میداد که «مادر این امر هیچ نفعی ندارد»

در مجلس این هنگامی که از لرد کرانویل (۳) وزیر خارجه سؤال کردند آیا امتیاز بفتح ایران و مطابق سیاست انگلستان هست یا نه ؟ مشاوره همین اکتفا کرد که اعلام کند چنین امتیازنامه موجود است . در این مجلس نیز

تسلیمتگان این خبر را با کلمه خطرناک استقبال کردند *

وقتی خبر امتیازنامه رویتش در روزنامه های ممالک اروپا منتشر گشت بقول لرد کرزن «بیت و حیرت خارق العاده ای ب مردم اروپا دست داد .

هیچ کس فکر نمیکرد که یک چنین امتیازی با این شرایط بیک بیگانه داده شود

امتیازنامه ای که ایران را در بست بانگلیس ها واگذار مینمود و آنها میتوانستند تامدت هفتاد سال کلیه منابع حیاتی کشور را تحت اختیار و سلطه خود گرفته آنرا بصورت یک مستمره

انگلیسی در آورند ، مستمره ای که بدون جنک و خون ریزی و بدون رنج و زحمت و قسط

بیادادن چند لیره رشوه به هیئت حا که ایران بدست آمده بود .

شاید هم بقول ساده لوحان کسانی که این امتیاز را بانگلیس ها داده اند هدف و منظورشان آبادانی ایران و استخراج معادن و ایجاد راههای مختلف در این کشور بوده

است و فکر میکرده اند انگلیس ها بخاطر آنها با واسطه زرنگی و سیاست آنان بانجام

چنین نقشه ای مبادرت میورزیده اند در این صورت آیا نباید بیرسیم بر ملت بدبخت ایران

چه مردان نادان و بی اطلاعی حکومت میکرده اند و آیا تاریخ این اشخاص را میتواند بیگناه بخواند ؟

۱- روزنامه «پانچ» Punch از روزنامه های معروف انگلستان است که از اوضاع سیاسی و مسائل روز

در لقاچه کتابه و اشاره انتقاد میکند - بفارسی در آوردن عباراتی را که راجع برویتش نوشته خالی از اشکال نمی باشد و نمیتواند منظور نویسنده آنرا برساند

2—Robert Lowe

3— Lord Granville

سپهتیزی راویلیتیمون انگلیسی مینویسد .

«وقتیکه این امتیاز بطبع رسید و در دیامنتشر گشت و دیده شد که دارای این مزایای بیشمار است و تمام محتاج نیروی صنعتی و فلاتخی سران ایران بدست انگلیسها افتاده است هیچکس قادر نبود این موضوع را پیش بینی کند که روزی یک چنین امتیاز همی بدست یکی از اتباع دولت انگلیس بیفتد - علاوه بر تمام خطوط راه آهن ایران و ترموای که انصار آن تا هفتاد سال بیارون رویتش را گذارنده بود تمام معادن ایران نیز جز معادن طلا و نقره و سنگهای قیمتی در اختیار صاحب امتیاز قرار میگرفت به علاوه کمربات و آبیاری اراضی و احداث قنات و کفالت بحایرویتش واگذار گردیده بود *

انگلیسی دیگر یعنی لرد کرزن مینویسد .

«نک چنین امتیاز عظیمی سابقه یک بخش نامه بود از طرف کشور ایران و باید اعتراف کرد که اگر بریتانیا توانسته بود این بازی را به آخر برساند نه تنها شاه ایران مات شده بود بلکه ترار روسیه هم بیگانه خود میخکوب میشد *

خود ناصرالدین شاه و سپهسالار نیز بعدها که به معایب و مضار امتیازنامه پی بردند همیشه اعطای آنرا از بزرگترین اشتباهات خویش میشمردند .

در مدتی که ناصرالدین شاه در اروپا بسر میبرد در خارج و داخل ایران حوادثی روی میداد که «شاه» و «صدر اعظم» ایران کم کم با اشتباه خود در مورد اعطای

امتیاز رویتش پی میبردند و نظرشان نسبت بآن تغییر میکند و بالاخره تصحیح ملتو امتیاز نامه میگیرند .

از جمله این حوادث یکی مخالفت شدید روسیه و دیگر مخالفت بعضی از رجال و روحانیون ایران بود .

مخالفت روسها بعد از آنکه ناصرالدین شاه در ماه صفر ۱۲۹۰ بقصد گردش اروپا

تهران را ترک میکند با تفاق سپهسالار در ۲۴ ربیع الاول ۱۲۹۰ وارد پترزبورگ میشود و

بالکساندر دوم امپراطور روس و پرنس کورچاکوف صدراعظم روسیه ملاقات مینماید .

بر خورد «شاه ایران» و امپراطور روس چندان گرم نبود و در ملاقاتها امپراطور

روسیه عدم رضایت خود را از تمایلی که دولت ایران بانگلستان ابراز داشته بود واقف اعلماتی

که برای بسط نفوذ انگلیسها مخصوصاً با اعطای امتیاز رویتش بعمل میآمد اظهار میدارد

البته روسها از همان هنگامیکه صحبت اعطای امتیاز رویتش به میان آمد مخالفت خود را با آن

آشکارا کردند زیرا آنها نمیتوانستند به بینند ایران بدست انگلیسها افتاده و نفوذ آن

دولت تابست دروازه های روسیه استقرار پیدا کرده است و سپهسالار نیز در نامه ای که

بناصرالدین شاه نوشت و قبل از آنرا نقل کردم باین موضوع اشاره کرده بود ولی ناصرالدین

شاه قبل آن نوشته است «متنعت اینکار را درست فهمیده ام سفارت روس هر چه میخواهد

دلخور باشد بشود چه حقی دارد»

معمراً حسینخان سپهسالار در نامه ای که بندها به سعیدالملک وزیر مختار ایران در

پترزبورگ در تاریخ ۲۴ جمادی الثانی ۱۲۹۱ هجری و راجع بشرایط سخت پیشنهادی ژنرال

فالکن-هاگن روسی در باره راه آهن نوشته و باو دستور مذاکره با وزیر امور خارجه

روسیه را در این موضوع تمهید جریان ملاقات و مذاکره ناصرالدین شاه و خود را

با پرنس کورچا کوف صدر اعظم روسیه راجع بامتیاز نامه رویتر اینطور شرح داده .

«... شما باید خالی از اطلاع بنشیند روزی که سرکار اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه بوزارت امور خارجه امپراطوری بافتخار پرنس مشارالیه تشریف بردند کنیاز قارچاقوف مبارزه به ترجمانی خود من از قرارنامه منعقد شده ببارون رویتر شکایت نمود و او را ماخل شان و استقلال دولت علیه شمرده سرکار اقدس همایون روحناه فداه فرمودند بهر طور بوده است حالا قرارنامه امضاء شده مادر دست مومی الیه است اگر از عهده مواعید و تعهدات خود برآید که کاری است گذشته و چاره ندارد اگر اندک غفلت و قصور از جانب او بعمل آید در آتی بهیچوجه مساعدت و موافقتی با او نخواهیم فرمود و این قرارنامه را لغو و باطل خواهیم کرد لکن شما میدانید که در عصر حاضر امورات دول بقدری ترقی نموده است که دولت ایران بدون راه آهن نمی تواند زیست نمود آنوقت لا بدیم که با کمیائی دیگر قراری بگذاریم بر شماست که در آن صورت بمعاوضت نمائید پرنس مشارالیه در جواب گفتند ماهم سعی مینمائیم که کمیائی مقبوری بجهت شما پیدا کنیم مجلس همینقدر ختم شد پس از آن مذاکره سرکار اقدس شاهنشاهی بقدری بوعده ملو کسانه خود وفا فرمودند که بارون رویتر در ایام مسافرت همایونی بلندن مورد هیچگونه نطف و مساعدت نشد سهل است انواع بی اعتنائی دیدم بالغ کزانی خرج نموده و تهیه و تدارک مجلس بائی دیده بود و ولیمهد دولت انگلیس را واسطه خود قرار داد که ولینعمت همایون اجابت استدعای او را فرموده بمجلس بال تشریف ببرند محض همان وعده که به پرنس مشارالیه داده بودند قبول فرموده و او در شهر لندن خجل و سرشکسته شد ...»

گراهام استوری راجع بمخالفت روسها مینویسد .

آن عده ار مردم انگلیس که از روسها وحشت داشتند همواره آماده بودند که هر گونه شکستی را که متوجه يك مونسه انگلیسی در راه منعیست نتیجه دسیسه روسها بدانند و شاه نیز شهرتی بهم زده بود که روسها و انگلیسها را بجان یکدیگر میاندازد و از آب گل آلود ماهی میکبرد . اما در این مورد فشار روسیه به شاه ایران مسلم بود سفیر کبیر انگلیس در روسیه گزارش داده بود که شاه از پذیرائی خود در سن پترزبورغ بخدمت سفار او بسیار خرسند و خوشنود شده بود . سعی بعدی سفارت روسیه در تهران برای تحصیل امتیاز جدیدی جهت يك شرکت روسی بطور کافی خوشنودی شاه را میرساند .

صرف نظر از این قسمت پرنس کورچا کف صدر اعظم تزار بعداً در ملاقاتی که در دهکده انترلاکن (سوئیس) با رویتر کرد اعتراف نمود که از امتیاز نامه شدیداً نزد تزار تکدیب کرده بوده و بهیچوجه محتمل بنظر نمیداد که این تکدیب بکوش شاه نرسیده باشد . بعدها در نوامبر ۱۸۷۴ وزیر مختار ایران صریحاً تزار در تتردن (۱) معاینه دائمی وزارت امور خارجه انگلیس اعتراف کرد که امر از روسیه موجب لغو امتیازنامه شده بود . برای روسها وجود هر گونه منافع انگلیس در ساحل بحر خزر یعنی دریای مسدود روسیه وحشت آور بود و نمیتوانستند تصور کنند که امتیاز رویتر تا کنون از پشتیبانی دولت انگلیس برخوردار نبوده است .

ظاهراً انگلیسها در ابتدا امتیاز نامه رویتر را وسیله ای برای نزدیک شدن با روسها قرار داده بودند و میخواستند مقدمات انعقاد قرارداد را که بعدها بنام « قرارداد کورچا کف و گرانویل » معروف شد تهیه نمایند .

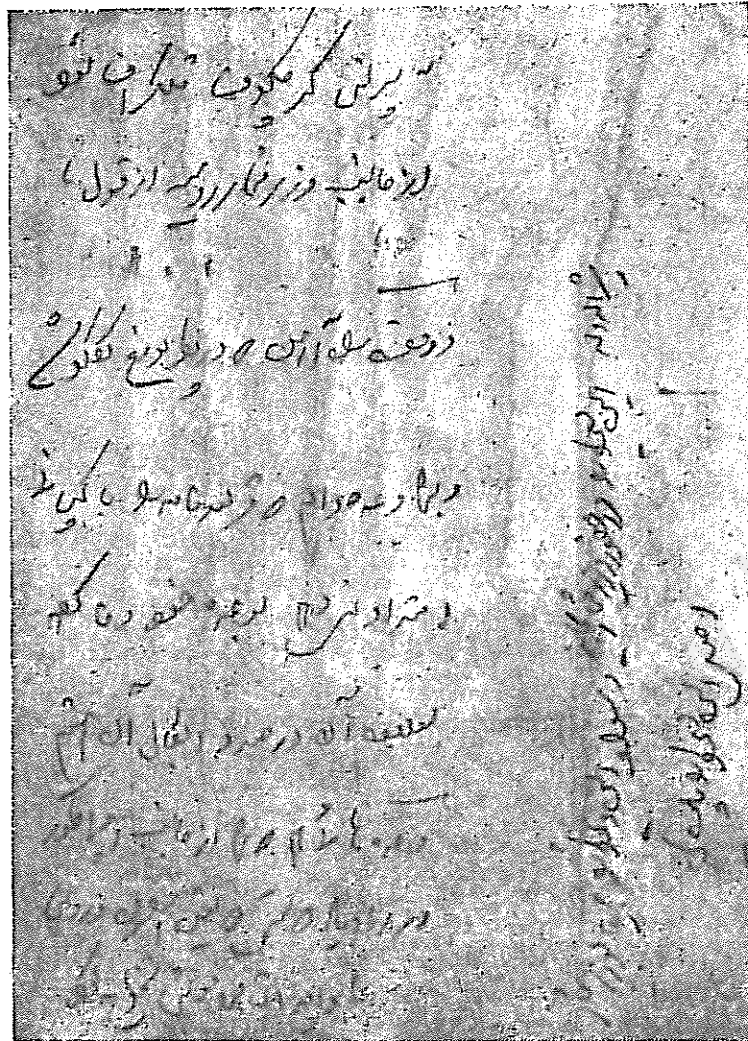
در آن وقت در مرکز اروپا اتحاد مثلثی از روسیه و اطریش و آلمان تشکیل میگردد و از طرف دیگر روسیه در نواحی ترکستان و سرحدات افغانستان به پیشروی خود ادامه میداد و امنیت هندوستان را بمخاطره انداخته بود .

انگلیسها برای جلوگیری از دست اندازی روسها در آسیا مشغول اقداماتی شدند تا از ممالک ایران و عثمانی و افغانستان جبهه متحدی برای تهدید دولت روسیه ایجاد نمایند . قرار داد کورچا کف و گرانویل شش هفت ماه بعد از امضای امتیاز نامه رویتر در

1. Lord Tenterden

فوریه سال ۱۸۷۳ بین روسیه و انگلیس منعقد گردید و بموجب آن افغانستان از منطقه نفوذ روسیه خارج شد . هر چند اعتبار این قرار داد چند ماه بیشتر طول نکشید ولی تحصیل امتیاز رویتر و بردن ناصر الدین شاه بانگلستان برای تحریک روسها و اظهار تمایل آنها در انعقاد آن وسیله مؤثری بود .

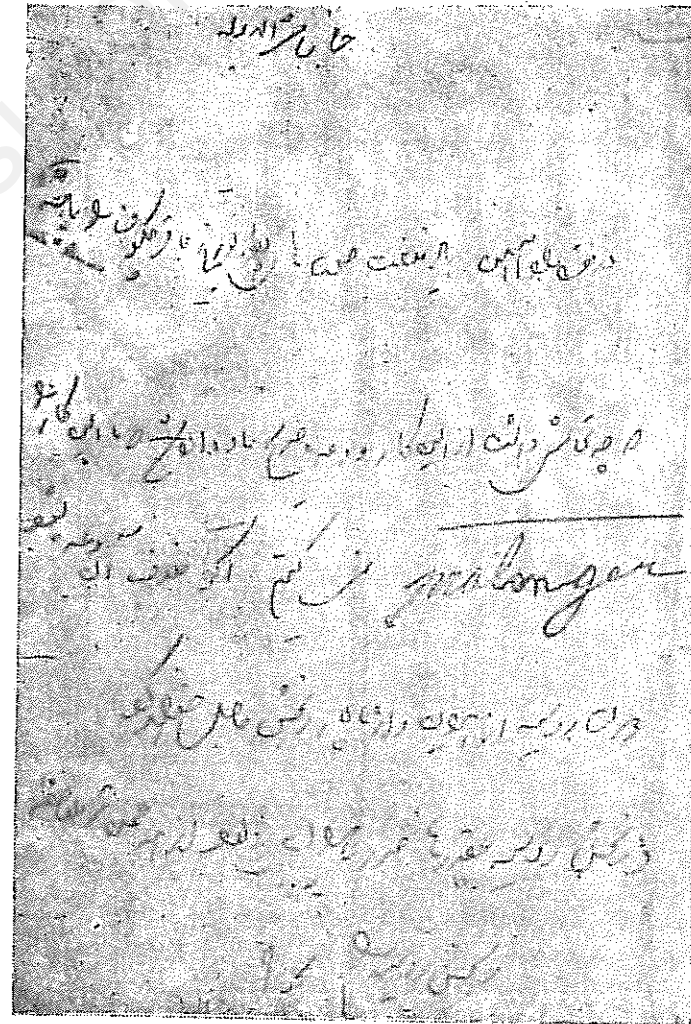
ناصر الدین شاه بعد از لغو امتیاز رویتر همیشه بروسها میکفت که این عمل فقط بواسطه قولی بود که در پترزبورغ بصدر اعظم روسیه داده و باخط خود در نامه ای به میرزا حسین خان سپهسالار اینطور نوشته است .



«مشیر الدوله - این دستخطرا در حضور وزیر مختار بخانید (کذا) وسواد این دستخطرا بدهید وزیر مختار اصل این دستخطرا پاره کنید به پرنس کرچکوف تلگراف شود از جانب وزیر مختار روسیه از قول مادر فقره راه آهن که در پترزبورغ گفتگو شد وبشما وعده دادم که قرار نامدا با کمپانی امتداد نمیدهم بوعده خود وفا کرده بعلاوه آن در سدد ابطال آن هستم .
وعده هائی هم که شما از جانب امپراطور در ازدیاد دوستی دولتین ایران و روسی بما دادید فراموش نخواهید کرد .»

عین این نامه در صفحه قبل گراورده است

و در نامه دیگر نوشته



«جناب مشیر الدوله

درفقره راه آهن باید ملنفت صحبت‌های پترزبورغ باقرچکوف را باشید که چه نحاشی داشت از اینکار بوعده سریع باو داده شد که ما اینکار را Prolonger نمیکنیم اگر خلاف آن وعده بشود دولت روسیه از ایران و از ما بسیار رنجش حاصل خواهد کرد و رنجش روسیه چقدرها ضرر بایران دارد از همه عمده تر رنجش روسیه است .»

عین این نامه در صفحه قبل گراورده است

در مدتی که ناصرالدین شاه در «فرنگستان» بود عده‌ای از رجال و علماء موقع رامتتم شمرده و امتیاز نامه رویترا «پیراهن عثمان» کردند و آنرا وسیله‌ای برای عزل میرزا حسین خان سپهسالار قرار دادند .

در شرح زندگانی سپهسالار گفتیم که وقتی او بصدارت ایران رسید چون سایر رجال را در کارها دخالت نمیداد و همچنین مانع ترقی و یاسوء استفاده دیگران بود عده زیادی در گوشه و کنار باوی دشمن شدند .

در این موقع فعالیت مخالفین بتحریر روسها زیاد میشد و نامه‌های زیادی مینویسند و مردم را مجبور بپس آنها مینمایند و خلاصه جریان را برای ناصرالدین شاه با روپا تلگراف میکنند که تمام مردم ایران علیه میرزا حسین خان سپهسالار که میخواهد در ایران راه آهن بکشد و «کفار فرنگ» را بایران بیاورد قیام کرده اند و باید این شخص از صدارت عزل شود . محرکین مردم و مخالفین عده عبارت بودند از انیس الدوله سوگلی حرم ناصرالدین شاه که بواسطه ممانعت سپهسالار از ادامه مسافرت او با روپا باوی دشمن گردیده بود و سردسته رجال مخالف فرهاد میرزا معتمد الدوله که در غیاب «شاه» نیابت سلطنت را بر عهده داشت و سلسله جناب علماء حاج ملا علی کنی (۱) را باید نام برد .

(۱) مرحوم حاج ملا علی کنی در سال ۱۲۲۰ هجری قمری در قریه کن از قرای حومه غربی طهران متولد شد و پس از تحصیلات ابتدائی در سن بیست سالگی به عتبات رفت و نزد سید ابراهیم موسوی قزوینی صاحب کتاب ضوابط الاموال و شیخ محمد حسن نجفی صاحب کتاب جواهر الکلام به تحصیل فقه و اصول پرداخت . در سال ۱۲۴۴ بر اثر بروز طاعون در عراق عرب مدتی در مهاجرت و مسافرت بود تا باار دیگر بقتبات برگشت و به تکمیل معلومات پرداخت و پس از نایل بدرجه اجتهاد بزم زیارت حضرت رضا و دیدار پدر بایران آمد و در طهران اقامت گزید .

تالیفات مرحوم حاج ملا علی کنی عبارت است از رساله در موضوع اوامر و نواهی و مفاهیم و استصحاب و کتاب تحقیق الدلائل فی شرح تلخیص المسائل و کتاب توضیح المقال در علم رجال . حاج ملا علی کنی از اواسط سلطنت ناصرالدین شاه در طهران بواسطه توجه مردم باو نفوذ فوق العاده‌ای پیدا نمود و ناصرالدین شاه از وی ملاحظاتی بسیار میکرد و رعب وهراسی فراوان داشت در کتاب المآثر و الآثار راجع بمرحوم حاج ملا علی کنی مینویسد .

«..... اهل دیوان وی را رئیس المجتهدین مینوشتند و حق تعالی آن عالم عامل و فقیه کامل را بفرط ثروت و طول عمر و نفاذ امر اختصاص بخشیده بود اکثر علماء و رؤساء طهران بتربیت و ترویج او اعتبار یافتند و بمدارج و مقامات رسیدند جمعی از معاصرین در حق وی گستاخی میکردند و بی‌باکی میورزیدند که او را مالا و حالا هر گونه قدرت مزید ترویج شریعت و خدمت ملت بوجه کامل حاصل است و مع ذلک همی جز جسم اموال و جمیع املاک ندارد» فوت حاج ملا علی کنی در روز پنجشنبه ۲۷ محرم سال ۱۳۰۶ هجری قمری اتفاق افتاد و در حضرت عبدالعظیم مدفون گشت سنش قریب ۸۶ سال بود

خود سپهسالار علل مخالفت این اشخاص را در نامه ای که بنا برالدین شاه نوشته و مثنی آنرا در صفحه ۴۳ نقل کرده ام تا اندازه ای شرح میدهد .

بهر حال قبلاً دیدیم پس از آنکه «شاه» و «صدر اعظم» از اروپا با سلطان بازمیکردند بواسطه پافشاری مخالفین و تقاضای عزل صدر اعظم - ناصرالدین شاه در ماه رجب ۱۲۹۰ سپهسالار را در انزلی از صدارت عزل و خود بهتران میآید .

تقریباً یک هفته بعد از ورود ناصرالدین شاه بخاک ایران حاج ملاعلی کنی مجتهد متنفذ تهران نامه ای مبنی بر مخالفت با امتیاز نامرئوس و ملوکم دلال و واسطه آن بنا بر - الدین شاه مینویسد که متن آن در اینجا نقل میگردد .

این نامه که تلویحاً در آن به میرزا حسین خان سپهسالار حمله شده باعث عزل او از صدارت و ماندن در رشت شد و ناصرالدین شاه که معجزات آنها بهتران مراجعت میکنند تصمیم میگیرد که امتیاز نامه را لغو نماید .

بسم الله الرحمن الرحيم

در حال ادای تشکرات و افره بر اجابت دعوات متکثره داعیان و عموم اهل ایران سلامتی ذات اقدس شاهنشاه اسلام و اسلامیان پناه از سفر فرنگستان شرف عرض اقدس همایون اعلی میرساند .

از آنجائیکه عقیده جمیع اهل اسلام این است که حضرت ختمی مرتبت پس از ریاضات کافه چهل ساله

مبعوث بجهت قاطبه عباد و انتظام بلاد و رفع هر گونه خلل و فساد شدند لهذا مصدر و مظهر مقامات علم و سلطنت و

اجراء قوانین و احکام متعلقه بدینا و آخرت بودند و از جانب خداوند متعال ابلاغ رسوم و قواعد و تهذیب و تکمیل

نفوس بر ریاضات و عبادات و نظم ابواب معاملات و معاشرت و حفظ نفوس و اعراض و اموال بحدود سیاسیات مجاهدت

فرمودند فجز الله عن جمیع الجزاء و بعد از خود همه مقامات را تفویض وصی و نائب خود فرمود الی حضرت حجة

عجل الله فرجه که دارای جمیع مقامات هستند در ازمنه غیاب آن حضرت خداوند متعال برای هر منصب و مقامی

از مقامات آن جناب نائب و مظهری مقرر فرمودند علمای اعلام را نائب و مظهر علم و تکمیل نفوس و تلهیر اموال

و انصاب مقرر فرمودند که بیان طریق آنها را از معاملات و مناسکات و غیر ذلک بفرمایند و سلاطین اسلام را در

هر عصری از اعصار مصدر و مظهر تنظیم امور و عباد و رفع ثقل متقلبین و امنیت طرق و بلاد مقرر داشتند تا ابداً اقویا از سر

ضعف کوفته فرمایند و ساکن بلاد اسلام را از و با بطریق خدعه و تدویر مخفی از انظار محفوظ دارند از بیان این

مقدمه مختصر که شرح وجوه و نکات و مویذات آن را درین ساعت نمیتوانم واضح و لایح میشود اینک بهیچ وجه

دولت و ملت را از یکدیگر جدا نمیتوان نمود چه فی الحقیقه هر دو یکی و از جانب یکی میباشد اگر چه کافل

و حامل هر مقامی متعدد باشند در معنی باریست که هر یک بقدر قوه خود کناری از آن بار را گرفته بمنزل میکشند

و می روند پس از اختصار این مقدمه مرقومه اگر باعث حصول کلال و عروض غباری بر خاطر مبارک نباشد عرض

میشود اگر علمای اعلام در مسائل دولتی اختلالی خدای نخواست مشاهده فرمایند و بخاک کبای مبارک بر حسب رضای

آقا مخدوم عرض کنند فزولی نکرده بلکه فزولی باید کسی باشد که این را فزولی بنامد بر علماء و غیر علماء

لازم است عرض کنند پسند خاطر مبارک بشود یا نشود در مقام اصلاح آن برآیند بیانایند .

بناء علی ذلک همه ما دعا گویند بلکه عموم اهل ایمان عرض میکنیم که شخص میرزا ملکم

خان را ما دشمن دین و دولت دانسته ایم و بهیچ وجه صلاحیت و کالت از دولت و سلطنت و انتظام ملک و مملکت ندارد

که بخطاب و لقب ناظم الملکی مخاطب و ملقب باشد و هر کس باعث این امر شده است خیانت کلی بدین دولت

نموده است که چنین دشمن جانی را مداخله در کارهای بزرگ دولت داده است .

مدت زمانی نگذشته که در دارالخلافه ابراز شعبده های زیاد نموده و مجلس فراموشی ترتیب داده بود

و باین تدویر و شعبده در خیال تصاحب ملک و دولت و اضمحلال مذهب و ملت بود و الزام مواسات و یک جهتی وهم

عهدی که هر یک در باری دیگری در مقام تمام مال و جان بایستد و تا یکی آوازی بر آورد همه حاضر و نظر

باشند و در وقت اجراء شروط و فرست و جمیع اسباب نهضت و حرکت همگی یکدفعه حمله ور شوند و بر غیر هر که

باشد بتازند و هر چه بخواهند بگیرند و ببرند گویا از خاطر مبارک گرفته باشد حاصل گذارشات فراموشخانه و نتیجه

محتما بلکه مطمئنه آنرا وقتی بخاک کبای مبارک معروض داشتیم حکم جهان مطاع بر دفع و اخراج ایشان

شرف صدور یافت بحمد الله این دشمن دین و دولت ازین توجهات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مسکوت و مایوس کرد

لکن برای ما این اوقات از راه محکم دیگری که خیلی محکمتر و واضحتر و شدیدتر است در همان خیالات افتاد

که احداث راه آهن بفرمایند با شروط و تمهیدات و موثیق چندی از قرار مسموع و مکتوب در عهد نامه آنکه جمیع

خلق مجبور بر تسلیم اموال و املاک خود باشند از قبیل جنگلها و معادن و قنوت بلکه سلطان با اقتدار نیز در این

اجبار داخل باشد که املاک خالصه و زر خریدی و معادن و رودخانهها را بتوانند باجبار ببرند بحدی که اگر پس از

زمانی دولت بخواهد رفع آنها را بکند جمیع نفوذ خزانه عامره و نفوذ اجناس متداوله موجوده در دست رعایا و قا

باداء تاوان و زیان آن ننماید و اگر تجارت نباشد کوشنده را میرسد که بگوید و بپرسد دولت را چه تسلط است

بر املاک و اشجار و آب و اراضی رعایا که حتماً بفرشند ، کمان ندارم در شرع خود بلکه سایر ادیان تجویز این قسم

اجبارها شده باشد . مسموع شد از آن شخص فرانسوی که در جنگ مرو اسیر شده بود و امپراطور آن دولت

با اهتمام که بقیمت تمام بلکه الوف و آلف در خریداری و استرداد او مصرف داشت او گفته بود که مقام عدل و

مهربانی دولت ما بحدی است که باین همه التفات و در حقیقت خریداری من حق این را ندارند بگویند چرا دستکش

دست چپ را بدست راست کرده ای کمپانی هند تمام هند بآن وسعت و مکتب را بخیریداری و تملک یک جریب

زمین مخصوص سکونت خود برد کمپانی معاصر ما با تصرف آن همه اراضی متعلقه براه آهن استحقاق انتفاع

جمیع معادن و رودخانهها و اراضی با حق بکار و داشتن جمیع کارکنان ارضی چگونه ایران را برد و چرا نبرد

خوب پس از آنکه رعایا بر ضایا بحکم کارکنان ایشان شدند و ازدادن منال در دیوانی معاف مانند آب یا بخزانه

عامره از کجا و کدام مالیات و کدام نسق از زراعات چیزی بیاید با بنظورها در عهد نامه نیست و با عدت و بخوانند و بدو مال کثیر

نخورده اند اگر خدای نخواست کار ما لازم اقتد دفع طغیان و تعدی همجوار با اقتداری را از سرحدات خود نمائیم

اولا با کدام مال که عرض شد کذلک با کدام رجال حکم جنگ بکدام فوجی داده شود که مواجب و جیره چند ساله ایشان

نرسیده و هر چند فوجی که هستند در بستند و اگر از همه مایوس شده در خیال اجماع و بلوا برآمده باشیم کدام عالم

محترم مسموع الکلام مانده با هجوم عموم فرنگیان در بلاد ایران از راه آهن کدام عالمی در ایران خواهد ماند و اگر

بماند جانی و نفسی داشته باشد که یکدفعه و ادینا و املتا بگوید از جناب میرزا ملکم خان پاس کار کمپانی با این همه

اموال و این همه رجال و داشتن راهی باین سهل بیلاذعظیمة ایران بخصوص پایتخت سلطنت و دولت بکدام قلب و مطمئنان

چه اطمینان داریم که در طول یک ساعت بپر نکند اطراف ما از رجال و توپ و تفنگ و غافلگیر شویم زیاده جسارت

نمیشود مجال هم نیست .

اما اعلیحضرت شاهنشاهی را به باطن همان امام عصری که محل و مظهر اقتدار و سلطنت ایشان می باشند قسم می

دهم که اهتمام بر حفظ دین و دولت و دفع هر خائن از مملکت و ملت بفرمایند بخصوص همین شخصی را که قرار راه

آهن داده و عهد نامه آنرا بر وفق صلاح دشمن دین و دولت نوشته بدون اینکه از عقلا و خیر خواهان دولت

اجازت و مشورتی نمایند .

چون فقره خیانت دیگر از این شخص بزرگ بواسطه اشغال بند کر معایب آوردن میرزا ملکم خان و او را و کالت

سلطنت دادن در باب راه آهن فراموش کرده بودم و خیال ختم عراض داشتیم حال که متذکر شدم لازم دانستم از آن خیانت

نیز اشاراتی بنحو اجمال معروض دارد و آن فقره کلمه قبیحه آزادی است که به ظاهر خیلی خوش نصبت و خوب و در

باطن سراپانص است و عیوب این مسئله برخلاف جمیع احکام رسول و اوصیاء و جمیع سلاطین عظام و حکم و الامقام

است باین جهت در نوشته دیگری نوشته بودم علی‌الاسلام والسلام و دولت را وداع نام‌ونمام باید نمود بواسطه اینکه اصل شرایع وادیان دهرزمان خودقید محکم سخت‌وشدیدی بوده و می‌باشد که ارتکاب مناهو و محرمات نمانند متعرض اموال و ناموس مردم نشوند و هکذا برخلاف مقاصد و انتظام دولت و سلطنت است که هر کس هر چه بخواهد بگوید و از طریق قلب و فساد تهب اموال نماید و بگوید آزادی است و شخص اول مملکت همه را آزاد کرده است و در معنی بحالت و وحوش بر گردانیده معلوم است نفوس بالطبع طبیعت شیطانی مایل بهوی و هوس و بر آوردن مشتهیات خودند همین مایه بی‌نظمی و زیاده تاخت و تاز شده و هیچکس نمی‌تواند چاره کند اینست که قاطبه علماء و فضلاء را بسدا در آورده حکام و داروغه را خانه نشین و عاجز نموده - زیاده جسات است جز تعلق گرفتن خاطر مبارک بر رفع فساد و اصلاح امور عباد و انتظام بلاد ، مناس و مخلصی بنظر نمی‌آید دعا میکنم که تاثیر در قلب مبارک نماید و رای جهان آراء بر آن فراریابد .

فان قلب السلطان بین یدی الرحمن فی ۲۲ شهر رجب ۱۲۹۰

بعد از ورود ناصرالدین شاه بتهران اشخاصی هم که واقفاً با اعطاء امتیاز نامه مخالف بودند کتباً و شفاهاً معایب امتیاز نامه را بناصرالدین شاه گوشزد میکنند .

یکی از نامه‌هایی را که بتفصیل معایب و مضار امتیاز نامه را شرح داده و در تاریخ سوم ماه شعبان ۱۲۹۰ (سه روز بعد از ورود بتهران) بنظر ناصرالدین شاه رسیده ذیلاً نقل میکنم .

متأسفانه نویسنده این نامه که معایب و مضار امتیاز نامه را بخوبی شرح میدهند بواسطه نبودن مهر و امضای او در ذیل آن نتوانستم دقیقاً بشناسم (۱)

دربان خدای جواهر آسای همایون شوم مقرب الخاقان منشی حضور همایون فرمایش جهان طاع اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحخافده را با تلمذهای بیجا کرجان تار ابلاغ کرده بود که سواد قرار نامه راه آهن را برای عرض حضور مراجع ظهور ملوکانه بفرستد .

چون نسخه فارسی قرار نامه را که میرزا ملکم خان بخط خودش نوشته است با نسخه خط فرانسه که از راه گیلان بتوسط مقرب الخاقان معاون الملک برای ثبت دفتر وزارت خارجه فرستاده بودند این غلام فدوی بمالیجه میرزا هارطون داده ترجمه کرد در بعضی فقرات تفاوت و اختلاف داشت و همچنین در آخر نسخه فارسی پاره منضمات و ملحقات بود که در نسخه خط فرانسه نبود لهذا چاکر دادر در نسخه را نوشتند نواب مستطاب معتمد الدوله بالطف الله بیک فرستادند البته تا بحال از عرض پیشگاه مقدس اعلیحضرت شاهنشاهی روحخافده گذشته است اگر چه جمیع نکات و دقائق امور و معایب و محسنات و منازم و مصالح کارها بموناله تعالی رای حقایق پیرای اقدس اعلی احاطه دارد .

و این معنی واضح و هویدا است که راه آهن برای آبادی مملکت و رواج تجارت و زراعت و رونق کسب و حرفت و منافع عامه اهالی ایران و صرفه و صلاح دولت و ملت خیلی خوب است و نزد دول و ملل متحابه که خیر خواه دولت و ملت ایران هستند پسندیده و مطبوع می‌باشد .

ولی در همه کارهایی که دایر بمنافع عامه مردم و صرفه و صلاح دولت و ملت و آبادی مملکت و رونق تجارت و زراعت و سایر کارهای عمده و معظم است اگر از هر طبقه دولت و ملت مجالس شور و مشورت و صلاح و مصلحت میشد جمیع معایب و محاسن اینکار غورها و دقتها و تحقیقات و همگی اطلاع و استحضار میرسایندند .

خدا فرموده است بی‌بیمین خود و شاورهم فی الامر ولو کنت فظاً غلیظاً لقلب لافضوا من حولک .
پس اگر بحرف کسی از اشخاص عظام که کرها و عنفا قرار نامه را مهر کردند گوش میدادند و مردم را بی اطلاع نمی گذاشتند چرا بعد از اطلاع از عیوب آن که راجع بدولت و ملت دیدند محض غیرت دین و دولت بجنبش می آمدند .

۱ - ممکن است نویسنده این نامه اعتماد السلطنه که با سه ساله میانه خوبی نداشته و در آنوقت رئیس «دارالطبایع» بوده باشد و میرزا هارطون در آن موقع مترجم «دارالطبایع» بوده است .

علاوه بر اینکه به همه مردم ایران معلوم شده است جمیع فقرات این قرار نامه صرفه و صلاح کمیابها نوشته شده است .

شارژدرف دولت اطاریش و مجارستان میگفت شنیدیم دولت ایران میخواهد قرار راه آهن را بدهد چه قدرها دولت ماوسایر دولت‌های خیر خواه مشغوف شدند ولی بعد از دیدن قرار نامه و اطلاع از فقرات آن که دیدند همگی صرفه و مصلحت با کمیابها و در حقیقت بادولت انگلیس است دولت ما و سایر دول بیکخواه را نهایت نافر حاصل گشت که چقدر تنزل کرده است - معایب آن که بمردم اثر کرده است و راجع بدولت و ملت میباشد از اینقرار است :

اول - در قمره ۱۵ و ۱۶ البته اعلیحضرت شاهنشاهی روحخافده غور فرموده اند که در باب املاک و آبها به طوری که نوشته‌اند برای کسی ملک و زمین و آب نخواهد ماند و مثل حکایت هندوستان خدا نکرده خواهد شد .

ثانیاً - موافق فقره ۶ عملجات کمیابی از هر نوع مالیات داخله معاف خواهند بود و موافق فقره ۲۳ که کمیابی مختار است از خارجه هر قدر عملیه بیاورد و هر قدر هم از هر جای ایران خواسته باشد می تواند بگیرد در اینصورت اولاً از فرنگی ایران را برمیکنند ثانیاً نه رعیت برای کسی میماند نه نوکر ثالثاً نه زراعت میماند نه تجارت برای اهالی ایران را بعباً برای دولت هم مالیات نمی‌ماند چرا که همگی عملیه آنها میشود و از همه چیز معاف .

ثالثاً - موافق فقره ۱۴ که اختیار جنگلها را بکمیابی داده‌اند مطلقاً قید و شرطی برای مایحتاج ملت و دولت از قبیل ذوقال وهیزم و اسباب و ادوات نجاری و سایر در قرار نامه مندرج نکرده‌اند کمیابی مختار است بهر قیمت بخواهد بخارجه بفروشد و با اهالی ایران تنگ بگیرد و همه را مستاصل نماید .

رابعاً - موافق فقره ۱۱ که اختیار جمیع معادن ممالک ایران را بکمیابی داده‌اند باز مشروط نشودند از جهت ضروریات و مایحتاج دولت و ملت از قبیل نمک که محتاج الیه عامه است و همچنین ذوقال سنگ و آهن و مس و سرب و سایر و کمیابی اختیار دارد بفرقیتم بفروشد و مردم را بریشان کند .
پابده‌خله بفروشد و بخارجه بفروشد .

خامساً - در قمره ۱۷ و ۱۸ که ضمانت صد هفت برای دولت قرار داده است صد و پنج برای منفعت سرمایه و صد و دو برای ادای سرمایه .

فرشاً اگر کمیابی صد کرور برای راه آهن خرج نماید هر ساله برای ادای سرمایه دو کرور بگیرد در مدت هفتاد سال یکصد و چهل کرور میشود چهل کرور از اصل سرمایه اضافه خواهد شد .

سادساً - موافق فقره ۱۹ که اجاره گمرکها را بکمیابی وا گذاشته‌اند ظاهراً برای دولت منفعت قرار داده‌اند ولی در معایب آن غور فرمایند چه ضررها برای دولت و ملت حاصل است چرا که اختیار جمیع ماکولات و مشروبات و امتعه و حیوانات و بقولات و سایر دست آنهاست کیف بشاء ویرید .

سابعاً - موافق فقره ۲۲ که کمپانی را مختار کرده‌اند حقوق خود را بهر طور بخواهد بکمیابی دیگر یا مشتری دیگر بدهند یا بفروشند .

کمیابی حقوق خود را بدولت انگلیس میدهد یا می‌فروشد آنوقت کار املاک و آبها و جنگلها و معادن و گمرکها و سایر از تجاری گذشته دولتی خواهد شد .

ثامناً - در قمره ۲۴ که اشاره کرده است در صورت ظهور مشکلات فیما بین طرفین مضمون فرانسه تنها سند خواهد بود .

خط فرانسه را هم با خط فارسی مطابق ننوشتند و حال آنکه خط فارسی را که میرزا ملکم خان بخط خود نوشته است باستی خط فرانسه را هم مطابق آن بنویسد دیگر چه لزوم داشت که قید و شرط نماید در صورت ظهور مشکلات فیما بین طرفین مضمون فرانسه تنهاست خواهد بود از همین شرط معلوم میشود که باید اختلاف داشته باشد اکثر اهالی ایران خط فرانسه را چه میدانند و انگهی بکسی هم اطلاع نداده‌اند آنوقتها .

ثاسماً - در نسخه خط فارسی میرزا ملکم خان در فقره ۸ نوشته‌اند در مقابل قبض حاکم رشت مشعربایسکه بقدر کفایت ساختن راه آهن از پشت آبی طهران مپله‌های آهنی وارد اتزلی شده‌است این چهل هزار لیره رهن به

کمیاتی رد خواهد شد .

در نسخه فرانسه در وقتی که اسباب میلهای راه آهن حمل بکشتی وارد بازلی شود که حکومت رشت رسیدگی اسباب را بنویسد همین وجه معین محجر بکمیاتی داده میشود که بمخارج راه آهن رسانیده باشد .
عاشرا - در آخر فهرست شرایط مهندسین که باید در اختیار نامه ثبت شود مشتمل بر دوازده فقره که در آخر قرارنامه خطفاری نوشته شده در فقره نهم خواهد دید که نوشته است تعیین قیمت اراضی از روی قیمتی خواهد بود که در وقت اجاره کردن به آن قیمت بوده است وجه اجاره که در این مدت داده است از قیمت ملک کسر خواهد کرد .

اولا قیمت ملک را کمیاتی با اختیار خود کرده که صاحب ملک تواند موافق قیمت روز حرف بزند تا نیایچه ظلمی است که وجه اجاره از قیمت ملک کسر شود .

یازدهم - در فقره ۱۲ شرایط فهرست مهندسین نوشته اند و نیز مباشرین ولایات و نواب محال عمرزاده مجبورند که برای قطع اشجار و انهدام دیوارها و بادفع هر نوع سدی که در جلوراه واقع شود هر قدر عمله که مهندسین را لازم باشد بدون مضایقه بدهند و اجرت عمله را بقانون متداوله از مهندسین راه گرفته عاید دارند .

البته در فصل بهار بر سر خاکبای همایون اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحانفداه رسیده است که از رعایای دهات برای بنائی مردم عمله می آیند بشهرها وقتی که حاصل رامیخواهند درو نمایند همگی آنها باز میروند بدهات برای درو کردن و جمع کردن خرنمیا عمله چقدرها کم میشود و اکثر بنائیها میمانند وقتی که کمیاتی همه مردم ایران را مجبور کرد که عمله بجهت راه آهن از همه جا بدهند آنوقت دیگر برای مردم رعیت و زراعت و تجارت و کسب و حرفت و نوکر میماند یا برای دولت مالیات چرا که همه مردم عمله میشوند دیگر عقب زراعت و کسب و حرفت و نوکری نمیروند چرا که معاف هستند از مالیات و سایر تعصیلات و فس علی هذا سایر فقرات قرارنامه را که در وقت نور و تا عمل و امان نظر معلوم خواهد شد که بصرفه و صلاح کمیاتیها نوشته شده .

نکته و دقایقی که برای رفع این معایب بنظر قاصر چاکران آمد است در آخر نسخه قرارنامه فارسی از عرض لحاظ انور اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداء خواهد گذشت که نوشته است .

سواد شرحی است که مسبوکوت و کیل و ماهور بارون چولی یوس در روز در طهران نوشته و داده است *

مشتمل بچهار فقره

در ضمن فقره دوم نگاه داشته است - دفتر حمل و جمع کارها و اقداماتی که بسته امتیازنامه مزبور باشد باید قبل از وقت پیش از اجری بامامور دولت مذاکره شود و تصدیق او برسد .

و همچنین در فقره ۴ بنظر مبارک خواهد رسید که نوشته است این مقررات که بجهت این فقرات مذکوره یک امضای مامور دولت بجهت اجرای آن قواعد کافی خواهد بود .

و نیز مقررات که دولت ایران هیچ تکلیف مخصوص بر عهده مامور نخواهد گذاشت که اختیار احتیاطی او را بجهت تعیین این قرارها برهم بزند - حکم این قرارنامه مثل این خواهد بود که لفظ بلفظ در امتیازنامه اصلی مندرج است .

از این شروط همچو معلوم میشود که باید دفتر حمل بنویسد و بامامور دولت که در ضمن فقره اول نوشته است ناظم - الملک خواهد بود مذاکره خواهند کرد .

و بیک امضای مامور دولت که او باشد کافی خواهد بود و شرط هم کرده اند که حکم این قرارنامه مثل این خواهد بود که لفظ بلفظ در امتیازنامه اصلی مندرج باشد ،

برای عرض خاکبای همایون اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداء این تفصیلات و نکات و دقایق را جسات کرد چنانچه رای حقایق پیریای ملوکانه که دارای جمیع حکمتها و مصلحتها و نکات و دقایق امور است قرار بگیرد و صلاح دانند حکم تفرافی بمیرزا ملکم خان شرف صدور خواهد یافت که بی اجازه و استحضار و امضای دولت و ملت دفتر حمل و این فقرات و شرایط را که مسبوکوت و مهندسین راه آهن در طهران داده اند بانمام و امضاء نرسانند .

والا بهر طوری که رای مبارک اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی عالمیان پناه روحنا و روح العالمین فداء اقتضا کند امر امر سرکار اقدس ارفع اعلی است و مطاع و مطاع ،
گفتیم معتمد الدوله فرهاد میرزا که از سران مخالفین بشمار میرفت و با سپهسالار خصوصت میوزید شب و روز بناصرالدین شاه میگفت اعطای امتیاز رویتر خیانت بمملکت بوده و عامل آن باید مجازات شود .

در اینجا یک نامه از فرهاد میرزا را که بعد از ان امتیاز رویتر بناصرالدین شاه نوشته نقل میکنم و بطوری که ملاحظه میشود در آن نامه میخواند « هر که خائن دولت پادشاه و ملت پادشاه است بغضب اعلیحضرت شاهنشاهی گرفتار شود »

« فریبان خاکبای جواهر آسای مبارک شوم در روزنامه مبارک که بتاريخ ۱۹ رمضان انتشار موقوفی راه آهن را دیدم خداوند وجود مسعود همایون روحانفداه را در آنکه جهان داری مستدام بدارد که بر اهالی ایران بشارتی مقرر شده بود انشاء الله تعالی از اقبال همایون روحنا فداء و از باطن اسلام به آن قرارنامه خطیطلان کشیده خواهد شعری که این کار را کرده باید بانجام برساند و اگر برای همایون قرار بگیرد در مناشیر و فرامین دولتی نیز حکمی صادر میشود که در منابر بخوانند بتاج و تخت همایون قسم است که از این روزنامه مردم چقدر امیدوار و دعاگو شدند .

انشاء الله تعالی بحسن تدبیر ملوکانه باید قبض یک کرور استقران که پول آورسیده است گرفته شود و حلی بیست هزار تومان پول ملکم خان هم پرداخته شود و امیدوارم که بزودی انشاء الله تعالی بشارت و اشارت این فقرات در روزنامه مبارک گوش زد خاص و عام بشود و بخط مبارک این بنده را بشارت داده سر اقرار فرمایند که خیالات خلاص بشود .

بتاج و تخت همایون قسم است که این بنده در گاه بمقل قاصر خود همه چیز را یک توجیه و دلیلی قرار میدهم ولی این یک کرور استقران که بی جهت باید تمسک داد نفع میدهم و نخواهد فهمید و این مسئله مسلم بود که در حرفه فرانکستان برای اعلیحضرت همایون روحانفداه پول ضرور بود از هر که هر قدر میخواسته میدادند دیگر قیل از وقت و ضرورت قرض کردن که حال تمسک را بزحمتی که باید پس گرفت چه معنی داشت خداوند انشاء الله تعالی هر که خائن دولت پادشاه و ملت پادشاه است بغضب اعلیحضرت شاهنشاهی گرفتار نماید

زیاده جسات است امر همایون مطاع مطاع مطاع »

در پشت نامه محل مهر « فرهاد »

شروع بکار بطوریکه دیدیم بعد از امضای امتیاز نامه چوت مطابق فصل

هشتم میبایست پس از بانزده ماه از تاریخ آن رویتر بکار شروع

نماید به هنری کولینز دستور میدهند مهندسین و کارکنان لازم را استخدام کنند و بطرف ایران حرکت نمایند .

امتیازنامه در تاریخ ۱۸ جمادی الاولی ۱۲۸۹ (۲۵ ژوئیه ۱۸۷۲) امضاء شده بود و بنا بر این در مدت ۱۵ ماه بعد از آن یعنی تا تاریخ شنبه ۲ رمضان ۱۲۹۰ (۲۵ اکتوبر ۱۸۷۳) میبایست بکار شروع کرده باشند .

کولینز در ماه فوریه ۱۸۷۳ با عده ای مهندس و کارگر از انگلستان بطرف ایران حرکت میکنند و در ماه مارس باستانبول میرسند و بعد از یک ماه توقف در آنجا در ماه مه وارد تهران میگردد .

درایتکه کار از جنوب شروع بشود یا از شمال بین رویتر و کولینز یا ناصرالدین شاه و سپهسالار مذاکراتی بعمل میآید و چون ناصرالدین شاه اصرار داشت که باید ابتدا

راه آهن تهران و بندر انزلی ایجاد شود مقدمات شروع بکار در رشت فراهم میگردد .
گراهام استوری مینویسد .

«صاحبی بکنندونجاه میر راه رشت و تهران انجام شد و نقشه بریدن هشت هزار فوت از کوه البرز تکمیل گردید و اولین محمولات ریل از انگلستان بارگیری شد .

مهذا شروع بکار و افسر راه آهن بدون موافقتنامه بین دولت ایران و بارون رویتزر در باره «کابینه دوشارز» ممکن نمود زیرا برای خرید اجناس و لوازم ، مشخصات آن نیز مورد احتیاج بود .

و سپس راجع بشروع کار نوشته .

«بالخره در پنجم ژوئیه (۱۸۷۳) رویتز اجازه تحصیل نمود که مهندسین از رشت مشغول ساختن راه بشوند در این موقع فقط سه ماه ونیم برای شروع کار وقت باقی بود .

شش هفته قبل از انقضای ضرب الاجل یعنی در اوایل سپتامبر تشریفات ایجاد راه آهن در حضور قنصل بریتانیا و اتباع خارجی مقیم محل بعمل آمد .

رویتزر در این هنگام که زمزمه مخالف ها را می شنید و مخصوصاً از تصمیم اولیای دولت ایران دایره به ان موافقت نامه با اطلاع بود به گولینز نماینده خود دستور میداد که در کار تسریع نمایند و بهانه ای بدست دولت ایران ندهند .

گولینز و سایر مهندسین با کمک قریب هزار نفر عمله در رستم آباد ۱۶ کیلومتری منجیل در حدود بیم فرسنگ درخت های جنگل را بریده و زمین را مسطح و هموار میکنند و موقعی

که ناصرالدین شاه از اروپا باز میگشت در انزلی از او تقاضا مینمایند که برای باز دید

عملیات به محل مزبور برود و از آنجا نیز سپهسالار که گفتگو از عزل او میرفت تلگرافی

برویتزر مخابره میکند و او را بواسطه شروع بکار تبریک میگوید و چند روز بعد از آن هم حسنعلی خان وزیر فواید عامه با اشاره سپهسالار که در این وقت از صدارت عزل شده بود در تاریخ

۱۹ سپتامبر ۱۸۷۳ نامه ای بشرح زیر بعنوان «گولینز سرمهندس و نماینده رویتزر» مینویسد
«آقای من»

سرکار اعلی حضرت شاهنشاهی ایران استغفار جناب سدر اعظم را قبول فرموده اند و میل خاطر آن اعلی حضرت آنست که جناب مشارالیه را مجدداً بصدارت منصوب دارند من از جانب جناب مشارالیه مامور هستم که بمقام اظهار

تشکر برآیم که فی الحقیقه در موقع شروع بکار را کرده اید و بخصوص جناب جلالتماب سدر اعظم بسیار از شما راضی است که شما را در کار کردن می بینند امیدواریم که انشاءاله بروفق معاهده قرارنامه رفتار نموده باشند ما

را مشغول و مسرور خواهند ساخت و الان از محمد آقا سرتیب بکمال خود وقتی شنیدم که از امروز ابتدای شروع کار کرده اید من از این جهت از شما راضی هستم و حاجت تکرار و زحمت دادن نیست بهر حال آقای من حاضر هستم که

جمع امورات شمارا به دولت بگذرانم و بهر نوع اعانت و تقویتی که احتیاج داشته باشند بعمل خواهد آورد امضاء حسنعلی خان»

بهر حال باتمام جدیدیتی که رویتزر و نماینده او برای اجراء شرایط امتیاز نامه بعمل آوردند نتوانستند آنطور که باید و شاید اقداماتی بنمایند که بهانه ای بدست دولت ایران داده نشود .

چنانکه گفته شد از موقع امضاء امتیاز نامه روسها اظهار ناراضاتی نمودند و هنگامی هم که ناصرالدین شاه به پترزبورغ رفت امیر اطبور

روسیه حضوراً عدم رضایت خود را از این موضوع باو گفت و بهین جهت از همان موقع دیگر

آن میل و علاقه اولی را با اجرای امتیاز نامه نه اذیت و در انگلستان نیز چندان اعتنائی به رویتزر نکرد و حتی به تقاضای مکرر او در مورد تسهیل ضرب الاجل مقرر ترتیب اثر نداد .

یک موضوع دیگری که باعث یاس و دل سردی ناصرالدین شاه و سپهسالار از انگلیس شد قرارداد گرانویل و کورچاکف بود که قبلاً ذکر کردیم بوجوب آن دولت

انگلیس و روس مناطق نفوذ خود را در آسیا معین کردند و این امر برای «شاه» و «صدر اعظم» ایران خیلی غیر منتظره بود .

ناصرالدین شاه وقتی بایران آمد مخالفت علماء و رجال را هم که دید مخصوصاً با اخباری که از گوشه و کنار کشور دایر بمخالفت مردم با امتیاز نامه باو میرسد جدا تصمیم

میگیرد که امتیاز نامه را لغو کند با آنکه بعد از ورود ناصرالدین شاه به بندر انزلی بواسطه نامه هایی که علماءی متنفذ روحانی مثل حاج ملاعلی کنی و سید صالح عرب و همچنین انیس-الدوله و فرهاد میرزا متمدن الدوله باو نوشتند سپهسالار یعنی کسی را که عامل اعطاء امتیاز نامه

میدانستند از صدارت عزل میکنند و خود بتنهائی تهران می آید مهنذا اوضاع وضع عادی نداشت و در همه جا زمزمه های مخالفت با امتیاز نامه بلند بود و ناصرالدین شاه از این موضوع

زیاد وحشت داشت در یک گزارش که در تاریخ سوم رمضان ۱۲۹۰ بنام ناصرالدین شاه داده اند نوشته شده .

«..... ملاها یعنی خیال داشتند ایام رمضان بمسجد بروند یعنی خیال داشتند بعد از چهار پنج روز در مسجد بنشینند و عریضه کنند میرزا عیسی از جانب سنی الجواب با آنها الطمینان داد علی الحساب آسوده هستند نرفتن به

مسجد و عریضه نوشتن گفتگوی خودشان با معاصر خودشان بود»

گراهام استوری مینویسد .

«..... غدیری که برای وزیر مختار انگلیس در تهران آوردند این بود که از ملاها وحشت داشتند دولت شاه چنین اظهار میداشت که «ایشان (ملاها) مشغول تشویق باک بحران سیاسی مینباشند» و نبات تاج و تخت در خطر بود و تنها راه جلوگیری از آن فدا کردن امتیاز نامه بنظر میرسید ...»

خلاصه ناصرالدینشاه از همان بدو ورود بتهران باتمام مخالفین و موافقین بشاوره پرداخت تا شاید راهی برای حل این مسئله غامض پیدا کند اما کسی را بهتر از خود میرزا حسین خان سپهسالار برای انجام این منظور نمیدید .

سپهسالار نیز که وحشت ناصرالدینشاه را مشاهده میکرد باوقول میداد که بهتر ترتیبی باشد این مسئله را بخوبی حل خواهد نمود .

با آنکه آمدن سپهسالار بتهران با وجود آنکه مخالفت ها از کارهای خطرناک بود و همه مخالفین او را منشاء و موجد این گرفتار بهامیدانستند بطوری که در شرح حال او دیدیم (صفحه ۴۶)

ناصرالدین شاه با زحمت بسیار او را برای حل این موضوع بتهران احضار می کند و با سمت وزیر امور خارجه مامور فسخ و لغو امتیاز نامه رویتزر مینماید .

سپهسالار نیز فوراً مشغول اقدام میشود و در نامه هایی که بنام ناصرالدینشاه مینویسد اشکال کار و غامض بودن این مسئله را گوشزد میسازد ولی وعده میدهد هر چند هر

سپهسالار بتهران

احضار و مامور لغو

امتیاز نامه میشود

احضار می کند و با سمت وزیر امور خارجه مامور فسخ و لغو امتیاز نامه رویتزر مینماید .

سپهسالار نیز فوراً مشغول اقدام میشود و در نامه هایی که بنام ناصرالدینشاه مینویسد اشکال کار و غامض بودن این مسئله را گوشزد میسازد ولی وعده میدهد هر چند هر

Handwritten notes at the top of page 144, including names and dates.

Main handwritten text on page 144, starting with 'فردا در روز پنجشنبه'.

Handwritten notes in the middle of page 144, including 'در وقت' and 'در وقت'.

Handwritten notes at the bottom of page 144, including 'نظایر' and 'نظایر'.

که نمی دانم در ماه رمضان میتوان اعلام رسمی کرد یا نه بعلت اینکه موقع رمضان بهتراست مردم در منابر و مساجد می شنوند و دیگر اینکه بعد از رمضان میخواهم جاجرود بروم انشاءاله - این اعلام رسمی نشده اولی می توان به آسودگی بشکار رفت ثانیاً موقع احکام لازمه میکندرد گیرمن در همین اعلام رسمی ابطال راه آهن است در پشت همین دستخط جواب بده

سپهسالار در پشت نامه اینطور نوشته

«قربان خاکبای مبارکت شوم انشاءاله روزیازدهم این ماه بشفربزبارت خاکبای مبارک همایونی روحنا فداه مشرف شده و اعلان رسمی ابطال راه آهن را در همان تمیین خواهم نمود و انشاءاله قلب مبارک به آسودگی به شکارگاه تشریف خواهد برد و احکام مبارک اجری خواهد نمود خداوند جان و مال خانه زاد را به تصدق وجود مبارک نماید آمین تم آمین»

عن شکرورد

Handwritten note: «شکرورد مبارک»

Handwritten note: «شکرورد مبارک»

Handwritten note: «شکرورد مبارک»

Handwritten note: «شکرورد مبارک»

Handwritten note: «شکرورد مبارک»

Handwritten note: «شکرورد مبارک»

Handwritten note: «شکرورد مبارک»

Handwritten note: «شکرورد مبارک»

Handwritten note: «شکرورد مبارک»

Handwritten note: «شکرورد مبارک»

Handwritten note: «شکرورد مبارک»

Handwritten note: «شکرورد مبارک»

Handwritten note: «شکرورد مبارک»

Handwritten note: «شکرورد مبارک»

تعمیل ناصرالدین شاه بواسطه اقدامات مخالفین بود که تاخیر در لغو امتیاز نامه را جایز نمیدانستند و میخواستند هرچه زودتر اعلان بطلان آن منتشر گردد .

عدم اجراء امتیاز نامه در موعد مقرر گفتیم با آنکه رویتر و نماینده او میل داشتند قبل از انقضای موعد مقرر (شنبه ۲ رمضان ۱۲۹۰-۱۲۵ اکتوبر ۱۸۷۳) و اقامت بکارهای اساسی شروع کنند تا بهانه ای بدست دولت ایران برای لغو امتیاز نامه ندهند با همه جدیدی که بکار بردند نتوانستند و تطبیح و هموار کردن مقداری از جنگل نزدیک رستم آباد رشت نیز برای انجام منظور کافی نبود .

بهلاوه در این مدت میبایست برطبق فصل بیست و سوم بکارهای دیگر مثل استخراج معادن و غیره نیز اقدام کرده باشند و حال آنکه برای این امور هیچ اقدامی بعمل نیامده بود .

بالاخره بعد از خاتمه تاریخ مزبور سپهسالار شفاها بمستر کولینز نماینده رویتر عدم اجراء شرایط امتیاز نامه و بالتبع بطلان آنرا اعلام میکنند ولی مثل آنکه مستر کولینز

موضوع را تصدیقه انگاشته و در تاریخ چهارم نوامبر ۱۸۷۳ (۱۲ رمضان ۱۲۹۰) در مورد کابیه دوشارز (۱) که قبلا نیز به آن اشاره ای شد این نامه را بعنوان «جناب سپهسالار اعظم» مینویسد .

«از یازده روزی دربارت نموده ام بموجب آن که اومیکوید غیبت جناب ملک خان از لندن خفیه تا اسباب منع اجرای امتیازنامه است جناب ملک خان از جانب دولت متبوعه خود مامور است که درباب کابیه دوشارز با یازده روزی قرار بدهد .

بارون روتز به من دستور العمل داده است که از جناب عالی استفسار نمایم که در این موقع تکلیف چه بوده و اطلاع حاصل نمایم که جناب ملک خان چه وقت بلندن مراجعت مینمایند .»

سپهسالار روز بعد در جواب کولینز اینطور مینویسد

«تاریخ پنجم نوامبر ۱۸۷۳ مطابق سیزدهم رمضان ۱۲۹۰

سیو .

در جواب مراسمه دیروز شما بانسب با معان نظر شما برسانم که کمپانی که شما مأمور آن هستید چون در ایفای شرط و عهد خویش چنین که در فصل هشتم قرارنامه مشروط است با اعتقاد ما تصور کرده دولت ایران نیز بحکم همین واقعه خود را ازعهد و مشروط خویش نسبت به بارون رویتز آزاد میگذارد و در اینصورت نمیتواند نیامور لندن خود احکاماتی که شما خواهش میکنید برای ققره دفتر محاسبات همین قرارنامه که در لفظ و معنای مویب کشته صادر نماید پس قبل از اینکه طرفین دوباره متفق الاری باشند تنها هر حکمی که سابقا مدور یافته به نسخ آن هم اشاره خواهد کردید بلکه خود قرارنامه در نظر ما ملغاً و کان لم یکن خواهد بود در این موقع سیویان احترامات مرا بپذیرند حسین .»

بعد از این نامه مستر کولینز شروع با اعتراض میکند و با نوشتن نامه های دلالی برای اینکه بکار شروع کرده و امتیاز نامه باعتبار خود باقی است اقامه مینماید از جمله دلالی که بان استناد میکرد تلگراف تبریک میرزا حسینخان به را پتر و همچنین نامه حسنتلی خان وزیر فواید عامه بعنوان کولینز بود که در آن صریحاً شروع کار را تبریک گفته بود و نماینده رویتز میگفت اگر بکار شروع نکرده چگونه صدر اعظم و وزیر فواید عامه به رویتز و او تبریک گفته اند ؟

از طرف سپهسالار به تمام نامه های کولینز و دلائل او جوابهای لازم داده میشد .

ملاقات سپهسالار
طامسن وزیر مختار انگلیس را بمنزل خود دعوت میکند و موضوع **وزیر مختار انگلیس** فسخ امتیاز نامه رویتز را با او در میان میگذازد جریان این مذاکرات را خود سپهسالار بناصرالدین شاه چنین گزارش میدهد .

«فرمان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارک شوم . روز شنبه ۱۶ شهر حال بر حسب امر قدر قدر همایون شاهنشاهی روحنا فداه مستر طامسن وزیر مختار انگلیس را نزد خود احضار نمودم دو ساعت بغروب مانده آمد بمشار الیه گفتم سرکار اقدس همایون ملو کانه روحنا فداه از آنجائیکه دولت انگلیس را حقیقه دوست سمیمی را آنی خودشان میدانند و شخص شمارا خیرخواه و صدیق میشمارند به من فرمودند که شمارا نزد خود خواسته فرمایشات آیه را بشما بگویم و جواب تحصیل نموده بعرض آستان مبارک برسانم .

میفرمایند هیچکس بقدر خود من فطرتا طالب انتظام و اصلاح در امور و ترقی دولت نیست و باز هیچکس بقدر من نمیداند که وسیله ترقی بیروی بهمان قواعدی است که در ممالک فرنگستان از روی علم و بصیرت و حکمت

1. cahier des charges

مجری نموده اند که اعظم آنها راه آهن و تلفراف و تسهیل تجارت و مرادوات و اجزای عدل و انصاف و تأمین مال و جان است قبل از آنکه سفر فرنگستان بروم و اینهمه اعمار و ثروت و انتظام را برای لعین مشاهده نمایم همیشه طالب و راغب این امور بودم چنانچه قرار نامه راه آهن قبل از عزیمت فرنگستان انعقاد یافت حالاکه خود همه آنها را مشاهده نمودم و بدقت حکمت همرا مطالعه کردم و مراتب میل و شوق من در اجرای قواعد حسنه باله منافع شده است و باچه خیالات عالیه معاودت می کردم که بعد از ورود بمقر سلطنت فوراً در صد اجرای آنها برآیم بفته در اول ورود بخاک ایران این مقدمه روی داد و ما را مجبور کرد که چندی خیالات خود را تاخیر انداخته باندبیر در اصلاح امور داخله برآئیم از جمله مقدمه راه آهن را بقدری درازهان علما و عموم ملت مضر و مغرب دین و دولت و تمامی ملت به قلم داده اند که هر قدر بخواهیم این فقرات را از ذهن آنها بیرون بیاوریم و محسنات و منافع اینکار را تعداد دهیم عجله امکان نخواهد داشت تنها به اختلال افکار علمای دار الخلافه اکتفا نکرده اند بجمیع علمای ولایات و شرعات نوشته اند و بر آنها یقین نموده اند که این عمل مغرب جمیع قواعد دینی و قدیمه دولت است و هرروزه از حکام ولایات راپورت های موحشه میرسد از برای رفع و دفع این خیالات و تصحیح افکار عامه عجله چاره بجز الفا و ابطال قرار نامه چیزی بنظر مبارکشان نمیرسد در صورتیکه شرایط خود قرارنامه این حق را بطور تصریح بدولت می دهد و صاحبان امتیاز به آنچه وعده نمودند وفا نکردند و باز فرمودند که بشماطمینان بدهم که در محسنات راه آهن بهیچوجه تغییر اعتقاد نفرموده اند و میدانند که قوه و قدرت آتیه دولت منوط بر راه آهن است پس از آنکه این قرارنامه حاضر که موجب اینهمه گفتگو شده است لغو و باطل شد و از همان آرام گرفت آنوقت بقاصله دو یا سه ماه با همین بارون رایتز با کمپانی دیگر مذاقعه ندارند سهل است اصرار خواهند فرمود که قرار مجددی از روی اساس تازه در ایجاد راه آهن بدهند حالا رای و سلیقه شماد از آنچه از اول تا آخر گفتم چه چیز است بیان کنید تا عرضه دارم گفت از روزی که گفتگو و مذاکره راه آهن با بارون رایتز بمیان آمده است دولت انگلیس کلیه بیطرف مانده است یعنی که تا امروز يك كلمه با دولت ایران مذاکره در اینفقره نکرده است نه اعانت و تشویق و نه اعانت و معانعت کرده است و رسماً من هم باید بدولت خود ناسی نموده بیطرف و ساکت بماتم گفتم البته در نظر دارید که دولت شما در مجلس پارلمنت حمایت خود را از این امتیازنامه به بارون رایتز درین داشت و امروز در این مسئله بارون رایتز در تحت حمایت انگلیس نیست گفت از جمیع مذاکرات دربار لغت و جوابی که به رایتز داد اند اطلاع دارم بمدر شرح مفصلي از وخامت نتیجه این حرکت که بوقوع رسیده است و سوء فائز او در جمیع فرنگستان خاصه در انگلیس بیان کرد و گفت حقیقه امر را محرمانه بتو میگویم اعلیحضرت شاهنشاهی آن قبول عامه که در لندن تحصیل فرموده بودند غیب کردند و دولت انگلیس امروز از دولت ایران مایوس است و چه قدر بایست خوب حاضر شده بود که تقویت ها و معاومت های کلیه از دولت ایران نماید در جواب او گفتم بهترین و بزرگترین صفات ملت انگلیس در دنیا انصاف و حقایقت است اما در این موقع چه بحثی بر شخص همایونی میتوانید وارد آورد که قبول عامه در لندن را غیب فرموده باشند امر ناگواری برخلاف میل و رضای مبارک ایشان بوقوع رسید و هر قدر تصور نمائید متغیر شدند و راه خبر را به اردوی متوقفین دار الخلافه مسدود نمودند و هر چه نوشتند انحصار بخودشان داشت و کار راپقدری بزرگ قلم دادند که باز میتوان گفت سر کار اقدس همایونی کمال قوت قلب را بعمل آوردند گفت يك فقره بشما میگویم یقین بدانید که در مسائل داخله ایران و استعمال تدابیر لازمه بجهت تحصیل مقصود هیچکس را بقدر ذات اقدس ملو کانه روحنا فداه مهارت نماند و خدا میدانند خیلی خوب و باندبیر و عقل کامل حرکت میفرمایند و آنچه شام منظور دارند که استقلال کلیه اوامر سلطنتی باشد بعمل آمده و عنقریب تکمیل خواهد شد

بعد فصولی راجع بشخص فدوی خانزاد و خیالات و پوزتیک عاقلانه خانزاد بقول او بیان و اظهار ناسف و ملالت زیاد از پاره حالتها بیان کرد که عرض آنها از طرف خانه زاد بهیچوجه مناسب نیست خوبست

بوسایل دیگر بعرض خدام آستان مبارک برسد همینقدر فدوی در جواب گفتیم که من کمال تشکر و خاکساری را از آنچه تا بحال در باره من فرموده‌اند دارم و خود برای اطمین مشاهده مینمایم که جمیع اوقات مبارکشان مصروف تقویت و اصلاح کار من است که از آنجمله همین فقره راه آهن و اسراری که میفرمایند باز جزء اعظم اواز برای خود من است حالا اگر واقعا شما بطوری که میگوئید وجود ناپودمرا از برای پیشرفت خدمات و اواص همایونی لابد مندمیدانید پس تقویت و معاونت نمایند تا اینقدره راه آهن لغو و باطل شود و امور آن برفیق مرام صورت گیرد گفت در آخر فصل هشتم من یکقدری اشتباه دارم به این معنی که اگر در راس و عده پانزده ماه شروع بکار نکنند شما حق ضبط آن چهل هزاره لیره انگلیسی را دارید لکن بعدا اگر اوباز میل های آهنی از پشت الی طهران را آورد آتوقت بازمی تواند مشغول کار شود فدوی خانه زاد قرارنامه را آورد و فصل هشتم را مجددا مطالعه نمود رفع اشتباه از او کردم بعد خود او بقدوی گفت فصل ۲۳ قرارنامه هم مقوی خیال و رای شما می تواند شد او را هم مراجعت کردم دیدم واقعا اسلحه خوبی است گفت حالا که میل همایونی بر این است و شما هم میگوئید الغاء ابطال این فقره موجب تقویت شماست شخصاً آنچه در قوه داشته باشم معاونت روحانی در تقویت خیال شما خواهم نمود گفتیم عجله بزرگ ترین تقویت ها عدم حمایت از صاحب امتیاز است گفت آنقدره را در پارلمنت جواب داده‌اند تا امروز هم من به هیچ وجه مداخله و اظهار حمایتی از کمپانی مزبور نکرده‌ام بعد گفت آیاسر کار اعلیحضرت شاهنشاهی تجویز می فرمایند که در میان فرنگستان امروز خیوهر مقدم تر و باثربیت تر از ایران تصور نمایند گفتیم چنین امری به تصور احدی نیامده و نخواهد آمد گفت در خیوه از برکت قشون روس اساس اسارت و نده فروشی را موقوف کردند دولت ایران از این فقره بهتر و بیشتر از همه نفع برد و اسرای چندین ساله او از خیوه آزاد شدند و آمدند و بلکه چند سال است که در خصوص منع اسارت سیاه ها سعی و اهتمام دارد و با جمیع دول و امارت ها عهدنامه منع کرده است مثل دولت عثمانی و خود بمصر و امیر زنگبار و امام مسقط و غیره و غیره لکن دولت ایران هنوز داخل عهدنامه نشده است این اوقات سواد عهدنامه بسیار مختصر از دولت بمن رسیده است که ترجمه نموده نزد شما میفرستم که به ملاحظه همایونی برسانید گفتیم مطلبی که هنوز اظهار ننموده‌اید و نمیدانید میشود با قبول هیچ حق نداشتید و ندارید که اسباب کله و شکایت خود قرار بدهید یا خیوهر را بجهت تربیت مستعد تراز ایران بگوئید همینقدر بشما میگویم نه خودتان تغییر اعتقاد در باره ایران بالخاصه در باره ذات مقدس همایونی روحنا فداء بدهید و نه بگذارید از برای دولت و ملت خودتان تغییر اعتقادی بشود زیرا که عظمت و قدرت و درست قولی و حسن وفای دولت انگلیس بخوبی بالا تر از آنچه شما میل داشته باشید مشهود خاطر مبارک گشته و اطمینان تمام بشما دارند و با سایرین معاشا میفرمایند چنانکه خود شما هم معاشا می کنید خلاصه صحبت خیلی زیاد تر از این شد که بعرض خاکسای مبارک روحنا فداء رسانیدم در حضور انور مشهور است که از برکت تربیت همایونی در صحبت و مذاکره امکان ندارد که اهالی خارجه بتوانند برفدوی نفوق حاصل کنند . الامر الاشراف الاقدس الاعلی مطاع غلام خانه زاد حسین .

اعلان بطلان امتیاز نامه

بعد از این ملاقات و اقدامات دیگر و خواستن نظر مأمورین ایران مقیم کشورهای بیگانه مخصوصاً ملکم وزیر مختار ایران در لندن چون ناصر الدین شاه میل داشت که برای آراهش مردم و آسایش فکر خود هر چه زود تر موضوع لغو امتیاز نامه اعلان و در مجامع عمومی برای مردم خوانده شود مجلسی باصوابدید سپهسالار مر کب از کامران میرزا نایب السلطنه - میرزا یوسف خان مستوفی الممالک - حسام السلطنه مراد میرزا - اعتضاد السلطنه و خود سپهسالار تشکیل میشود و موضوع را مطالعه و سپس گزارشی بشرح ذیل برای ناصر الدین شاه تهیه مینمایند .

« تاریخ شب چهارشنبه بیستم شهر رمضان المبارک (۱۲۹۰) حسب الامر الاقدس الاعلی در مجلس خاص

در بار اعظم دستخط همایون در باب اعلان بطلان و فسخ امر راه آهن زیارت شد. صورت منظورات ملوکانه در این مساله بیان شد بالضروره تفصیل اقدامات باین امر هم که موافق امر ملوکانه جناب جلالت آب مشیرالدوله متصدی بوده اند برای مزید اطلاع اعضای مجلس شرح داده هیئت امروزه اینکار را که در چه نقطه است توضیح نمودند .

معلوم شد که عجله در ملاقات سفیر انگلیس و سؤال و جوابها که با میرزا ملکم خان و کلنس وکیل رایتز شده است تنها دلایل نسخ و ابطال قوتی یافته است نه اینکه هنوز از ختم و قطع کار اطمینان حاصل شده باشد و اگر در این حالت با اعلان و انتشار امر اقدام شود شاید باز زحمتی حادث شود و وسیله حرف و ادعائی بدست رایتز و وکلای او بیفتد صلاح در این است که اولاً چند روز تا عمل شود تا جواب تلگرافها که بلندن گفته شده است برسد و یکبار از اسکاوت و لای رایتز مطمئن شویم .

ثانیاً بعد از اختتام امر و اطمینان از گذشتن کار اعلان و بطلان راه آهن را لازم نیست فرمان بنویسند و در مجمع عوام بالای منبر خوانده شود همین قدر با شرح مقدمات مساله بطوریکه تصور و کوتاهی را منحصر بر رایتز و وکلای او بگذارند شرحی در روزنامه دولتی چاپ شود و بیعضی ولایات هم مختصراً با تلگراف اخبار کنند بشر این ضرورت ندارد .

رای مجلس این است که معروض افتاد تا مقتضیات رای آسمان آسای اعلیحضرت همایون ارواحنا فداء چه باشد نایب السلطنه امیر کبیر - یوغبین محمد حسن - حسام السلطنه اعتضاد السلطنه - غلام خانه زاد حسین . و برای اطلاع مردم در روزنامه رسمی ایران مورخ ۱۹ رمضان ۱۲۹۰ این اعلان منتشر میگردد

« مطالعه کنندگان روزنامه ایران البته دانسته‌اند که سابقاً فیما بین اولیای دولت ایران و بارون ژولیس رایتز در امتداد راه آهن از رشت بیوشهر شده قرارنامه منعقد شده بود و چون تا این تاریخ که قریب یکماه از موعد شروع حقیقی بنصب و امتداد راه آهن منتهی شده و علامات قصور و عدم تمکن بارون مزبور بوفای عهد و حفظ اصول قرارنامه خود شایع و معلوم شد .

آنچه بر ما محقق و معلوم شد دولت ایران قرار نامه مزبور را کان لم یکن فرض کرده و رأی خود را بواسطه تلگراف بخود بارون رایتز و بموجب تحریرات رسمیه بوکیل مشار الیه در دارالخلافه اعلام نمودند که دیگر قرارنامه مزبور لغو و باطل و از درجه اعتبار ساقط است .

و چند روز بعد از آن از طرف حسنعلی خان وزیر فواید عامه بطلان امتیاز نامه رسماً به کولیتز نماینده رویتر و از طرف وزارت امور خارجه به سفارت انگلیس اطلاع داده میشود و نیز اعلان رسمی بشرح زیر صادر میشود :

هو

اعلان رسمی

چون بارون ژولیس رایتز در ماده قرارنامه راه آهن که با دولت علیه ایران منعقد کرده بود وفای بوعدهای سرریحه مندرجه در قرارداد خود ننموده و شروع بعمل در مدت معینه نکرد لذا دولت علیه ایران بموجب حقیقه بمذلول فصول قرارنامه بجهت خود باقی گذارده بود قرار نامه مزبور را الغاء و ابطال نموده و در حکم کان لم یکن گذارد و این رأی ثابت خود را بموجب تحریرات رسمیه بوکیل مشار الیه در دارالخلافه معلوم ساخت و از تاریخ امروز قرار نامه راه آهن منعقد بابارون مشارالیه و امتیازاتیکه با داده شده بود باطل و باطل و از درجه اعتبار ساقط است .

و همچنین در تاریخ پنجم دسامبر ۱۸۷۳ (جمعه ۱۴ شوال ۱۲۹۰ هجری) تلگرافی بشرح

ذیل سفارتخانه های ایران در لندن و پاریس و بطرز بورغ و استانبول مخا بره میکنند.

چون بارون روتیر از عهده تمهیدات خود بریامد و مخصوصاً شرایطی که در فصل هشتم ویست و سه مقررات پیش از اقبضای مدت مجری نشد در اینصورت که امتیازی باقی نماند و مثل این است که کانالم یکن است برای آگاهی خودتان اطلاع داده شد.

در تلگراف به سفارت لندن این مطلب هم اضافه شده است.

و چیزی که برسم ضمانت در بانک گذاشته شده باید ضبط نمائید به چوجه اجازه ندارید در باب قرارنامه مخصوص راه آهن گفتگو نمائید. طهران پنجم دسامبر ۱۸۷۳

ملاقات سپهسالار با وزیر مختار روس

ناصرالدین شاه و مخصوصاً میرزا حسین خان سپهسالار که بعد از بازگشت از سفر اروپا بلطی و از جمله نارضائی دولت روسیه از کار برکنار شده بود پس از آنکه دوباره روی کار آمد و امتیازنامه روتیر را لغو کرد و روسها میگفتند امتیازنامه روتیر را بخاطر دولت روس باطل کردند و این امر را وسیله ای برای نزدیکی دولتین ایران و روس قرار داده بودند.

میرزا حسین خان سپهسالار بعد از لغو امتیازنامه مزبور در این باب با «مسیو بکر وزیر مختار وایلچی مخصوص» روسیه ملاقاتی مینماید و جریان آنرا در گزارشی که بتاريخ ۱۲ شوال ۱۲۹۰ هجری در جاجرود بنظر ناصرالدین شاه میرساند اینطور شرح میدهد.

«قربان خاکبای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم. بر حسب امر و اراده ملوکانه روحنا فداء روز شنبه ۸ شهر حال در سفارت خانه دولت بهیه روسیه با وزیر مختار دولت مشارالیها ملاقات نموده بعد از تعارفات رسمیہ بسر مطلب رقیب وزیر مختار شرحی از مضراتی که این راه آهن بجهة دولت روس داشت بیان نمود فدوی خانه زاد کتیم از دقیقه که یرس قارجاقوف اظهار مطلب در خاکبای همایون نمود و اعلیحضرت اقدس همایون شاهشاهی روحنا فداء دریافت فرمودند که اعلیحضرت امیراطور و اولیای دولت روس مایل بعمل راه آهن نیستند بر خود مخمر فرمودند نه اینکه تنها در این عمل مساعدت لازمه را بعمل نیاورند بلکه بطور حتم قرار نامه حاضر را لغو و باطل فرمایند و از همان روز تا این دقیقه فرمایشات و دستورات الملوکانه بمن در این امر بوده است و متصل تا کیدات همایونی بوقوع میرسد تا اینکه دیدند والان بمشاهده شما میرسانم که ابطال و لغای قرارنامه را بموجب تلغراف بخود بارون روتیر و بموجب نوشتجات رسمیہ بویکل او دردار الخلافه اعلان نمودیم و مصنف روزنامه ایران هم این اعلان را بجمع اهالی داخله و خارجه اخبار نمود و همه روزه هم من مشغول مبادله نوشتجات با وکیل رایتس هستم و هر کاغذ را از کاغذ اول سختی و بائیات می نویسم و خیال دارم در این روزها برشت تلغراف تمام اگر چند نفر عمل در راه کار مینمایند مانع شده و نگذارند. از این بیانات ظاهر او باطناً مسرور شد و گفت اگر دولت روس رضای و مایل به این راه آهن نبود از برای دولت ایران هم نافع نبود فدوی گفت این مسئله است طولیل الذیل عجاله مجال دخول در این مبحث نداریم لکن بطور یقین اعلیحضرت ملوکانه روحنا فداء محض عدم میل امیراطور این قرارنامه را برهم زدن نه خیال و تصور دیگر - بعد کتیم شبهه شمار کجا بوده است بگوئید تا من بقدری که فهمیدم در رسد رفع او توانم برآمد. گفت در فصل هشتم مینویسد اگر تا پانزده ماه از تاریخ امضای قرار نامه شروع بکار نشود یکصد هزار تومان مرهونه ضبط خواهد شد بارون رایتس بهمین کاری که کرده است خواهد گفت من شروع کرده ام فدوی کتیم در آخر فصل میگردد که اگر تاخیر در شروع از بابت جنگ در ممالک خارجه و غرق و تاخیر در حمل و نقل بهم نرسیده باشد اگر مقصود از شروع همین تسطیح یک ربع فرسنگ زمین بود که حالا کرده اند از برای همینقدر کار بهیچوجه محتاج بفریگستان نبودند که از آنجا چیزی حمل و نقل نمایند که غرق و تاخیر حمل و نقل آنها را معاف تواند داشت وزیر مختار مشارالیه بهیچوجه ملتفت این فقره نشده بود از استماع و دریافت این دلیل خیلی مشغوف شد و گفت

خوب عذرو بهانه بدست آورده اید کتیم همینقدر نیست از بارون رایتس نوشته دارم که در ایام مسافرت همایونی در فرنگستان با کمال اصرار ششماه دیگر از من تمديد مدت میخواست اعلیحضرت اقدس شاهشاهی روحنا فداء بنا بر قیامی که به یرس قارجاقوف فرموده بودند راضی نشدند و مدت مرحمت نفرمودند اگر مقصود از شروع همین است و بود که بعمل آورده اید خواستن مهلت ششماه دیگر از برای چه بود آشکار است که مقصود از شروع گذاردن میل های آهنی است که نمی توانست در مدت معینه در قرارنامه برساند و ششماه دیگر مدت میخواست علاوه بر این دو دلیل فصل بیست و سیم صراحة میگردد که کمیانی مجبور و تمهید است که شروع به راه آهن و معادن و میادین جنگل را در وقت واحد نماید و به اقرار و اعتراف خودش به آن سه فقره اخیر بهیچوجه شروع نکرده است همینکه در یکی از چهار امر شروع نکرده باشد مثل اینست که در هیچیک شروع نموده است و مقصود ما حاصل است علاوه بر آنچه شفاها بشما کتیم نوشتجاتی که در این ماده قیامی من و وکیل رایتس مبادله شده است و اوله را و اوضاع و مشروحا در آنجا نوشته ام همراه خود آورده ام که اگر بخواید ملاحظه نمائید از این فقره زیادتی منون شد و از من خواهش کرد که نوشتجات را نزد او بگذارم امشب بدقت درست ملاحظه نموده گفت خودم برداشته بیآورم و بشما تسلیم مینمایم و گفت در روز شرفیائی قرار شد که بعد از ملاقات باشا اعلیحضرت همایون شاهانه دستخطی مرقوم فرمایند که از روی او من تلغراف روز به یرس قارجاقوف بفرستم کتیم از این فقره من اطلاعی ندارم فرمایشی بمن نشده است خواهش کرد که در غرض و تقدیم راپورت عاجزانه بخاکبای اقدس عالی این فقره را نیز عرض نموده و جواب بمشارالیه بدهم بهرچه امر قید قدر همایونی شرف صدور را بداطاعت خواهد شد.

در همان روز بر حسب امر همایونی روحنا فداء از وزیر مختار انگلیس و عثمانی و امریش و فرانسهم بازدید نمود چون امر فرموده بودید که صورت مجلس ملاقات با وزیر مختار روس را بواسطه عرضه عرضه دارم جسات نمودم. الامر اقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه زاد حسین

بعدها نیز هر وقت اقدامی در این موضوع بعمل میآید بمنظور فوق الذکر کم و بیش جریان آنرا بروسها اطلاع میدادند چنانکه ساعدالملک وزیر مختار ایران در بطرز بورغ در گزارشی که بتاريخ ۲۹ ذی الحججه ۱۲۹۱ بتهران فرستاده مینویسد:

«خدایگانا سؤال رجوایی که فیما بین حضرت اجل روزیر مختار دولت انگلیس در باب امر بارون روتیر رد بدل شده بود سوادی از آنها را از برای استحضار این بنده ایفا فرموده بودند در نهایت بوقت و بموقع رسید زیرا که همان روزها روزنامه های خارج و روسیه دایر باین فقره تفصیلات زیاد چاپ و منتشر می کردند این بنده بدون فوت فرصت و موقع کار هر دو مراسله را با کمال دقت ترجمه کرده خود پرده بوزارت خارجه داد و خواهش کرد که همان روز بملاحظه یرس شافلیه برسانند آنچه که لازم میدانست شفاها هم در این باب بیان نمود و خواست بهر راهی که بتواند همان ترجمه را بنظر اعلیحضرت امیراطور هم برساند از توجه بندگان مستطاب اجل نوعی اسباب فراهم آورد که همان روز در جزو راپورت های وزارت خارجه بنظر امیراطور هم رسید اعلیحضرت امیراطور زیاد تحسین کرده بودند بالجمله همان مراسله جناب عالی خیلی موثر آمد در قطر میگفت يك فقره این کاغذ را که این امر داخله است و سفارت حقی ندارد داخله نماید جناب حسین خان (منظور سپهسالار است) خوب ملتفت شده اند کتیم جناب دیر قطر این مراسله بندگان حضرت اجل که در جواب وزیر مختار انگلیس نگاشته شده با اعتقاد من متضمن زیاد عبارات سخت است میتوانستند بلباس دیگر هم جواب بنویسند لیکن من محض از برای اینکه بوزارت خارجه اینچادرست مشخص شود که جناب اشرف مانع احداث راه آهن نیست و نمی خواهد که این فقره بارون رایتس دوباره بمیان آید این کاغذها را ترجمه کرده بوزارت نشان دارم تا شما در ملتفت شوید باینکه حال دولت انگلیس راه - سؤال و جواب تازه باز کرده است باز کمال ایستادگی از طرف جناب مستطاب اجل مرعی است و مانع این خیالات نیستند و من بعد بشما درست معلوم خواهد شد کسی که در ایران طالب راه آهن است و محسنات او را بهتر از سایرین ملتفت میباشد جناب مشیرالدوله است و بس و چون استحضار بندگان حضرت اشرف امجدام اجلاله العالی از این تفصیل لازم بود جسات بر من مراب نمود زیاده چه جسات نماید ۲۹ شهر ذی الحججه الحرام سنه ۱۲۹۱ (محل مهر ساعدالملک) در حاشیه نامه خود ساعدالملک باخط خود نوشته صدقت

شوم اعلیحضرت امیراطورشاهها بخود این بنده فرمودند که جواب وزیر مختارانگلیس را در باب امر بارون رو طر که بوزارت خارجه داده بودی دیدم اولیای دولت ایران خیلی خوب جواب داده اند هر گاه تا آخر بهمین سلك بروند خوب است بنده عرض کردم همیشه همان جواب را خواهیم داد

بهد از اقدامات رویتر
نفو امتیاز نامه

بعد از آنکه بطلان امتیاز نامه از طرف دولت ایران اعلان میگردد با وجود مکاتبات و مذاکرات مستر کولینز چون نتیجه ای نمیگیرند رویتر و نمایندگان او در کشورهای مختلف اروپا با وسائلی که در اختیار داشتند سر و صدای زیادی در -

روزنامه های اروپا راه انداختند و دولت ایران را به بدقولی و بی اعتباری متهم کردند . در تهرات نماینده رویتر بدولت ایران اخطار میکرد که امتیاز نامه بقوت خود باقیست و هر خسارتی که بواسطه انتشار خبر نفو امتیاز نامه متوجه آنها گردد بعهده دولت ایران است .

پس از نفو امتیاز نامه مهمترین اقدام بارون جولیس رویتر مسافرت بروسیه بود . ظاهراً منظور رویتر از این سفر آن بود که قسمتی از امتیاز نامه را به عهده ای از سرمایه داران روسی بفروشد و آنها را در انکار شرکت دهد تا ضمن تهیه سرمایه ای شاید بدین وسیله بتواند موافقت دولت روسیه را هم برای اجراء امتیاز نامه در ایران جلب نماید

میرزا عبدالرحیم خان ساعدالملک قائم مقام ، وزیر مختار ایران در روسیه بتاريخ ۴ ذی القعدة ۱۲۹۰ از بطرزبورغ گزارشی راجع باین موضوع بشرح زیر بتهرات فرستاده است .

«سفارت ایران در بطرزبورغ .

خدایگانا اگرچه تفصیل حالت بارون روترا بتوسط تفراف عرض کرده بودم حالاهم مجددا عرض می نماید این مرد در ماه شوال به بطرزبورغ باعیال خود آمد دوسه هفته به آمدورفت از خود مشارالیه غیر از اینکه خود ستائی نماید و جلال و جبروت تحویل بدهد این بنده چیزی نفهید لیکن در باطن امر مراقب حالت او بوده که اصل بیت و منظور او را از آمدن روسیه بداند از قراریکه این بنده فهمید در همه ممالک اروپا در جمیع پایتخت های سایر دول این مرد قدم زده است بلکه بتواند کمپانی و پولی پیدا نماید مقدر شده در هر جا عذری شنیده بالاخره اینجا

آمده عهده مقصودش این بوده است که هر گاه بتواند بدولت روس حق خودش را بفروشد درحالی که این فقره سر نکرفت بالاشخاص صاحب مکتب بنای شراکت گذارده و حتی چند نفر را در قلوب (کلوب) انگلیس که هر شب آنها میرفت قدری هم ترم کرده بود همینکه کار گذاران اینجا این مسئله را فهمیدند در باطن بهمان اشخاص رسانیدند که از او دوری نمایند و در روزنامه بطرزبورغ هم مجعلا همینقدر اعلام کردند بارون روترا که راه آهن ایران را برداشته است بسازد و ابدا این فقره سر نخواهد گرفت به بطرزبورغ آمده است این انتشار هم نکث کلی بحالت اورساینداز آن

طرف هم که از جانب بندگان جناب مستطاب عالی تفراف اختیار رسید که روترا شروط قرار داد نامه را در مدت معینه نتوانست بجای آورد باطل شد این بنده اخبار داد دیگر در اینجا بنده شده گویا بلندن رفت از قراری که این بنده شنیده در روزنامه های مشهور آنجا پروتست کرده است که هر گاه دولت ایران بخواهد قرارنامه مرا باطل نماید مسئولیت آن بیای دولت ایران خواهد آمد اگرچه وقت رفتن گفته است بعد از در ماه بازمراجعت بروسیه خواهد کرد گویا بی اصل باشد دیگر نخواهد آمد چرا که فهمید فایده مترتب نخواهد شد زیاد تجارت کرده معروضه ۴ ذی قعدة ۱۲۹۰ محل مهر ساعد الملک

ساعدالملک در تاریخ دهم ماه ربیع الاول ۱۲۹۱ در گزارش دیگری راجع برویش

اینطور میشود .

«رپورط - از بارون روترا وزیر مختارانگلیس در اینجا خبری مذکور نیست حتی در روزنامه های خارجه هم که هر روز سفارت می آید دایر باین فقره چیزی دیده نمیشود لیکن بالقطع بارون روترا در باطن مشغول کار است می خواهد بادستیاری بعضی اشخاص که در اینجا گویا امورات مسائل شرعی و عرفی درست می کنند لباس باینکار بپوشاند بدجمله این بیاید چنانکه مسوکوت در کاغذ خود که بدین قطر ژورنال بطرزبورغ نوشته بود در آنجا سراجتاز کر کرده است از آلودگانهای مشهور انگلیس تحقیق مسئله را کرده ایم حق را بطرف بارون روترا میدهند فقط دولت ایران در صورتیکه دلایل او موافق قانون دولت انگلیس باشد مستحق همان چهل هزار لیره گروی خواهد بود نه اینکه می تواند قرارنامه شومن دفر را ببالکلیه بهم بزند لیکن جای هزار افسوس است که این عمل شومن دفر از اول اینگونه ابتدا شد . ناقص ماند این مرد بدون اینکه امورات خود را اول محکم نماید و کمپانی از برای خود پیدا نکند خواست کار باین معظمی را بنه او خود از عهده بر آید هر ذی شعوری این مسئله را بعد از جزئی غورملفتت میشد که از قوه بفعل نخواهد آمد کاری که نتوانست صورت بدهد سهل است سر مشق بدی هم بسایرین داد مگر بعضی اشخاص نزد این بنده می آیند میروند تحقیق بعضی فقرات را می نمایند عهده منظورشان این است که هر گاه در ایران بخواهند راه آهن بنام نمایند همه امتیازات بارون روترا را باید به آنها نیز بدهند این بنده غیر از اینکه جواب شافی بدهد که اینکار دخل سفارت ندارد در طهران باید با اولیای دولت علیه مذاکره بشود خود را دخیل کاری نمیکند و تاحالا هیچکس را هم دعوت نکرده است که بطهران برود سریع میگردد هر گاه مثل سیاح کسی برود مختار است در آن ضمن میتواند خیالات خود را هم در خدمت اولیای دولت علیه اظهار و بیان نماید این بنده تاحالا مستحض نشده که بندگان حضرت اجل بجناب وزیر مختار اسلامبول در باب همان شخصی که جنرال اغناطیف (سفیر روس در استانبول) مدعی بر این بود که راه آهن در ایران بنا خواهد کرد حکمی مرقوم فرمودند و جواب یافتند از آنجا بعرض بندگان حضرت اجل رسیده یاخبر زیاده از این چه تجارت نماید .

معروضه دهم شهر ربیع الاول سنه ۱۲۹۱ محل مهر ساعدالملک .

اختلاف بارون جولیس رویتر و دولت ایران قریب هفده سال بطول انجامید و در این مدت رویتر باثبیت بدولت انگلستان اقدامات زیادی برای اثبات دعاوی بی اساس خود بعمل آورد و با مکر و حیل و نقشه هائی طرح کرد و پیشنهادهائی به دولت ایران داد .

کراهام استوری اقدامات و نقشه های رویتر را بعد از نفو امتیاز نامه در کتاب «رویتر در یک قرن» اینطور شرح میدهد .

«از آنجا که استعناها و اعتراضاتی که در مورد نفو امتیاز بعمل می آمد متساویا بلااثر بود در بهار سال ۱۸۷۴ کارگران مرخص و متخصصین نیز باز خواننده شدند . به جز دولت ایران در مطالبه مبلغ چهل هزار لیره وجه سپرده از بارون روترا نیز موضع دولت ایران را محکمتر نمی کرد . سر ویلیام هارکورت (۱) که در این موقع مدعی المصوم بود اظهار عقیده کرد که نفو امتیاز نامه قانونا بهیچوجه قابل توجیه نبود .

نتیجه انتخابات فوریه ۱۸۷۴ برای رویتر امیدبخش بود محافظه کاران با اکثریت معتنی بهی فائق شدند و سیاست خارجی دیر ایشلی بسیار بیش از سیاست خارجی گلاستون با ایران سروکار داشت . اما اعضاء دائمی وزارت امور خارجه انگلیس بجای خود مستقر بودند و لرد ننتردن (معاون دائمی وزارت خارجه) که از رویتر ظنن بود در این موقع نزد وزیر خارجه رویتر را متهم می کرد که «برای دولت دام میگسترد و می دارد دست و پای دولت را در آن گیراندازد» و وزیر خارجه جدید لرد دربی (۲) مانند سلف خود از پنجه در پنجه شدن انگلیس و روسیه وحشت داشت .

1— Sir William Harcourt

2— Lord Derby

هنگامی که رویتز تقاضا کرد که وزیر مختار انگلیس در تهران نفوذ خود را بکار برد تا این بستی را که بوجود آمده بود مرتفع کند. به او جواب دادند که وی می تواند توقع داشته باشد که همان مساعدتی را که در باره هر فرد انگلیسی دیگر در این مورد بعمل می آید در باره او هم میتوان مرعی داشت.

مع الوصف سر نوشت امتیاز نامه از این پس در تهران و در کاخ ایس انگلستان پکسان تعیین میشد مبارزه برای تحصیل حقوق آینده صنعتی ایران شدت پیدا کرده بود این مبارزه دیگر بین یک بازرگان هوشیار و مشاورین یک شاه حیل کار بعمل نمی آمد آنش مبارزه پداهن دولت ها کشیده بود.

در سال آخر دولت گلادستون، رویتز دوباره سعی خود را بعمل آورده بود که دولت انگلیس را بنقشه خود علاقمند کند. در بهار آن سال رویتز طعمه جدیدی به قلاب دام خود آویخت - بجای خط آهن از شمال بجنوب وزارت هند پیشنهاد کرد که از شرق بغرب ایران راه آهن بکشد در این باره به لرد گرانویل نوشت که در قبال تضمین احتمالی دولت جهت نصف منافع بر اساس یک قرضه ده میلیون لیره از قرضه های شش که مورد ضمانت ترکیه باشد رویتز حاضر است یک راه آهن دیگر از استانبول بسرحه ایران بکشد سپس راه آهن ترکیه را بر راه آهن ایران منضم میساخت و بدین ترتیب یک راه آهن سراسری از کانه بایران از طریق استانبول ایجاد می کرد که همواره ممکن بود بطرف مشرق امتداد یابد در این مورد وزارت هند دچار اضطراب شد چنانکه در یک یادداشت محرمانه مذکور است نفع و ضرر از هر دو طرف زیاد بود - رویتز تقاضا داشت که سالی ۳۰۰۰۰۰ لیره تضمین بشود و این مبلغ بسیار خطیر بود اما رد این این تقاضا ممکن بود ایران را بکلی از چنگ انگلیسها بیرون بکشد و در چنگال روسها بیاندازد (وزارت هند در این مورد زیاد واقع بین شده بود) از این بدتر ممکن بود رویتز بکلی مایوس شود و از تاهیت انگلیس دست بکشد و خود را تحت حمایت روسیه قرار دهد بقییده تپیه کننده یادداشت نتیجه نامطلوب بود.

در همان هفته کلیه مسئله مرابطات بوسیله راه آهن در مجلس عوام مطرح شد از گلادستون خواسته شد که در سیاست منفی سابق خود تجدید نظر کند.

اگر انگلستان با ترکیه همکاری و خط ترانزیتتری به هندستان ایجاد نمی کرد فردیناند دولسپس (۱) که اکنون از کارهای کانال سوئز رهائی یافته بود آماده این کار بود.

وی پیشنهاد ایجاد راهی از روسیه کرده بود. اما در این موقع دولسپس دیگر دولت انگلیس را تهدید نمی کرد زیرا گلادستون از پرداخت پول خزانه بیشتر میترسید.

در هر حال گلادستون اکنون عقیده بکمتخصصی را در دست داشت که هر گونه امیدی به پیشرفت در ایران «خواب و خیال» بود گلادستون هیچ قصد تجدید نظر در سیاست خود را نداشت. مجلس اعیان نیز که با مخالفت نخست وزیر مجبور بطور خلاصه بوسیله لرد گرانویل برویتز جواب داد که «این امر برای دولت علیا حضرت ملکه خلاف سنت جاریه است که منافع مخارج کاری را که در یک کشور خارجی تمهید شده است تضمین نماید» دولت بطور خونسرد بی اختتاماند.

پیشنهاد دائر بر جنبه بین الملل دادن بامتیاز نامه نیز بی جواب ماند. در این مورد رویتز حتی توانست بالرد گرانویل مصاحبه کند. رویتز در این هنگام تازه از ملاقات بیسمارک وزیر امور خارجه اطریش و پرنس کورچا کف (۱) باز میگشت آلمان و اطریش واز همه مهمتر روسیه حاضر بودند از امتیاز نامه برای احداث خط آهنی که از ترکیه بایران بگذرد و جنبه بین الملل داشته باشد پشتیبانی کنند این پیشنهاد زیاد مآل اندیشه بود و چنان لرد گرانویل راحتت تاثیر قرارداد که مشارالیه گزارشی بملکه و گلادستون داد. اما قیله و قاله او معاملات و کشمکشهایی که راجع بشرکت بین الملل کانال سوئز دست داده بود درس عبرت عظیمی بشمار میرفت دولت علیا حضرت ملکه آشکارا میدید که کابوز از او پیش می آید و یک بار دیگر از دادن هر گونه کمک دولتی به رویتز استنکاف شد.

نقشه های مثبت بمنظور عقید واقع شدن امتیاز نامه برای منافع انگلستان مورد بی اعتنائی واقع شده بود نخستین اثری که از ورود یک دولت رقیب بصحنه مشهود شد وزارت خارجه را بکار انداخت. در ماه اوت سال ۱۸۷۴ چند ماه پس از لغو امتیاز نامه رویتز، ناگهان خبری تلگرافی به لرد دربی رسید که شخصی بنام ژنرال فالکن هاگن (۱) که یک افسر مهندس بازنشسته روسی بود موفق بتحصیل امتیاز راه آهن در ایران شده و بر اثر فشار شدید سفارت روسیه این امتیاز بامضاء وزیر فواید عامه نیز رسیده بود شاه بیشتر از آن با وزیر مختار روسیه زدوبند داشت که از امضاء آن خودداری کند. این وضع که بکلی از نظر عامه مخفی بود وخیم شده بود. هیچ دولتی در انگلستان نمی توانست اجازه دهد که ایران بصورت یک ایالت روسیه در آید. راه علاج ظاهر آن همان امتیاز رویتز بود. وزارت امور خارجه نیازی به تغییر سیاست خود و پشتیبانی از رویتز نداشت.

لرد دربی می توانست مانند همیشه خود را دور نگاهدارد. اما امتیاز نامه رویتز صلاح مفیدی بود که بوسیله آن می توانست با سایر امتیاز خواهان در ایران مقابله کرد. اعطاء حقوق راه آهن بیک صاحب امتیاز دیگر باشکایت حق رویتز مواجه می گشت و چنین شکایتی البته از طرف دولت علیا حضرت ملکه پشتیبانی میشد این ترتیب مورد آرزوی وزارت خارجه بود اما از یک لحاظ این روش برای رویتز از بی اعتنائی سابق وزارت امور خارجه نیز بدتر بود.

رویتز بالفعل لرد دربی را از پیشنهادهایی که شرکت روسی قبلا با او کرده بود مطلع ساخته بود. روسها حاضر بودند در ازاء امتیاز نامه رویتز کلیه مخارج او با تضمین بیست در صد از منافع خود را در مدت هفتاد سال از راه آهن و جنگلها و معادن و کمرکات چهار ولایت شمالی ایران بوی بپردازند رویتز این پیشنهاد را رد کرده بود زیرا آنطور که به لرد دربی می گفت هنوز امیدوار بود که امتیاز نامه را برای حفظ منافع انگلستان عملی کند، بحران فالکن هاگن هر نوع شك و تردید را از ذهن لرد دربی دور ساخت و مشارالیه برای اولین بار دست با اقدام شدید زد. دربی اعتراض رسمی رویتز را بدولت ایران در باره اعطاء امتیاز جدید در حالی که حقوق خود او محفوظ بود تقویت کرد و وزیر مختار انگلیس در تهران دستور داد که کلیه نفوذ خود را بکاربرد شاه را و او را در مقابل فشار روسیه مقاومت کند این خشونت جدید تاثیر خود را بخشید. علیرغم کایه وعده های ایران در ماه بعد ژنرال فالکن هاگن بالاخره پیشنهاد خود را مسترد داشت و هر گونه خطر بر خورد روسیه و انگلیس منتفی گردید.

در این هنگام رویتز در صدد تصفیه دعاوی خود بنحو مساعد برآمد. در صورت لزوم حاضر بود امتیاز خود را بدولت ایران واگذار نماید و غرامت مخارج خود را بگیرد. اما بازم امیدوار بود که نقشه عظیم تراو جامه عمل نباشد. در تابستان سال ۱۸۷۵ رویتز با مساجت تمام منافع عظیمی را که یک راه آهن بین بغداد و ایران برای انگلستان و هم برای هندوستان داشت به لرد دربی عرضه می کرد. وی به وزیر امور خارجه گفت که می تواند تمهید کند که ترکیه کاملا همکاری خواهد کرد دربی میدید که این نقشه نیز بیش از آنچه که دولت مایل بود دولت را دست اندر کار می کرد پیشنهادها یکی متعاقب دیگری میرسید و مسترد میشد و تلگرافها و نامه های واصل از تهران بلندن انباشته شده بود بالاخره یک نقشه تعدیل شده بین رویتز و شاه ایران مورد موافقت قرار گرفت - نقشه این بود که بین سرحه ایران و ترکیه تا اسقفان پایتخت سابق ایران راه آهن کشیده شود. از بعضی جنگلها و معادن بهره برداری شود و یک بانک در ایران تاسیس گردد. وزیر مختار انگلیس در تهران موکداً از این قرار پشتیبانی کرد و عملیات آبیاری و تجدید ساختمان یک سد قدیمی را نیز به آن علاوه نمود. رویتز از نوکولینز را بتهران فرستاد لرد دربی بطور غیر رسمی نقشه جدید را مورد تأیید قرارداد ظاهرا بالاخره چیز محسوسی از امتیاز نامه حاصل می شد در همین موقع چنگ بین روسیه و ترکیه آغاز شد شاه از مذاکره وحشت داشت خصوصا

1- Ferdinand De Lesseps

1- Prince Gortschakoff

که جنگ در سرحد غربی ایران بود و پس از فتوحات روسیه شاه بیشتر ترسید. تارویود شکست کامل شده بود کولیتز در تابستان سال ۱۸۷۸ یعنی شش سال پس از نخستین بار که ایران آمده از تهران باز خواننده شد در همان سال آتش امید رویتز مجدداً زبانه کشید. در ماه مارس لرد دربی از سمت وزارت امور خارجه استعفاء کرد زیرا که سیاست مهاجمه آمیز دیراثیلی نسبت بر روسیه او را ناراحت کرده بود. جانشین دربی که لرد سالیزبوری بود و تقریباً همان نظریات امپریالیستی دیراثیلی را داشت فوراً با امتیاز رویتز علاقه نشان داد. اعتقاد رویتز و کولیتز داکتر اینتکه کشیدن راه آهن در ایران بِنفع انگلستان خواهد بود با اطلاع وی رسید.

در ماه نوامبر دولت ایران اظهار علاقه کرد که حاضر است با بارون رویتز راجع ساختن راه آهن از خلیج فارس به تهران مذاکره کند واضح بود که سالیزبوری فعالیت می کرد. نامه های خصوصی دیراثیلی به ملکه نیز در آن موقع نشان می دهد که چگونه مشارالیه بطور کلی امید وار بود ایران را تقویت کنند در ماه اکتبر سال ۱۸۷۹ (مربوط به تصرف احتمالی افغانستان وسیله انگلستان) دیراثیلی به ملکه نوشت ممکن است ترتیبی با ایران بدهیم که موجب بازگشت سلطه آن کشور در آسیا شود و ایران را زنده مان حریص روسیه نجات دهد.

اعتیاز رویتز چیزی بود که دیراثیلی می پسندید. مع الوصف از لحاظ سیاست این امر مربوط به وزارت هندوستان بود و آن اداره هنوز نسبت به تغییر در وضع موجود درجاده هندوستان ظنن بود بنابراین رویتز در باب مساعدت برای متقاضی بر اساس سرمایه لازم همان جواب مجلس اعیان داده شد. وزارت هندوستان حاضر مساعدت نبود. آخرین امید امتیاز راه آهن رویتز در ایران ازمیان رفت...

همانطور که گراهام استوری نوشته با وجود توسل و مکاتبات سفارت انگلیس، تشبث بارون جولیس رویتز، دولت انگلیس بتقاضاهای مکرر وزارت امور خارجه او مبنی بر پشتیبانی و تقویت برای اجراء امتیاز نامه ترتیب اثر نداد.

ولی وقتی که اتباع سایر دول برای تحصیل امتیازی در ایران اقداماتی بعمل می آورند دولت انگلیس بمنظور خنثی کردن این اقدامات دعاوی و اعتراضات رویتز را وسیله فشار بایران قرار میداد و رسماً بدولت ایران اعتراض میکرد. اولین مرتبه ای که سفارت انگلیس در تهران از رویتز پشتیبانی و رسماً بدولت ایران اعتراض میکند هنگامی است که ژنرال فالکن هاگن روسی برای تحصیل راه آهنی بین جلفاء و تبریز و بین رشت و تهران بایران می آید - راجع به فالکن هاگن و پیشنهاد او بعداً در جای خود بحث خواهد شد و در اینجا یاد داشت اعتراضیه سفارت انگلیس و جواب آن نقل میگردد.

جناب مستطاب اشرف امجدار رفع راز حمت می دهد چون عالی جاه مجدت و بجدت همراه مستر کالینس وکیل بارون رویتز در این مملکت در مقابل قرار دادی که بیگ کمپانی روسیه داده شده برای ساختن راه آهن مابین تبریز و جلفاء بیروست رسمی نموده است. دوستدار از جانب اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مامور است که بیروست مذکور را بموجب اظهار رسمی بدولت ایران رسماً تقویت نماید آنجناب مستطاب اشرف ارفع قبل از وقت مطلع بودند که اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان عمداً تا بحال خود را نگاهداری نموده اند از این که بدوستدار بیش از این دستورالعملی بدهند که من غیر رسماً اقدامات مستحسنة بعمل بیارند که با دعای بارون رویتز استماع متفقانه حاصل نماید چرا که اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل بودند که از هر چیزی که شبیه به مداخله در امور داخلی ایران بود اجتناب نمایند آنجناب مستطاب اشرف ارفع نیز در خاطر خواهند داشت که در چند

ما قبل دوستدار بر حسب دستورالعمل از اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به آن جناب مستطاب اشرف ارفع حالی نمود که اگر چه اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نمی توانستند از قرارداد بارون رویتز در حالتی که داشت تقویت نمایند لکن خوشوقت میشدند اگر گذارده شود. بارون رویتز از هر جزو قرارداد مذکور که دولت ایران آنرا فارغ از ایراد بدانند بهره ور شود. اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان قلیامعتقد هستند که بارون رویتز حق صحیحانه در شکایت نمودن دارد اگر چنانچه دولت ایران بخواهد راه آهن به تبریز ساخته شود و با اجازه ساختن آن بکسی دیگر داده شود لهذا دوستدار مامور است که با اولیای دولت علیه ایران اصرار نماید مصلحت موقوف داشتن هر نوع اقدامی را در خصوص اجازه نامه بکمپانی روسیه مادامی که ادعای بارون رویتز درست سنجیده نشده و با ایشان ختم عمل نشود زیاد زحمتی ندارد فی ۳ شهر شوال ۱۲۹۱ مطابق ۱۴ نوامبر ۱۸۷۴ محل مهر وزیر مختار انگلیس طیلورطامسن.

در پاسخ نامه سفارت انگلیس اینطور نوشته اند.

مورخه ۱۷ شهر شوال ۱۲۹۱ (نمره ۱۸)

وسول مرسله ۲ شهر شوال ۱۲۹۱ و ۱۴ نوامبر ۱۸۷۴ آنجناب جلالتماب را با کمال شرف و احترام متینام و متاسفم که اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به آن جناب ماموریت داده اند در تقویت امری که در نظر اولیای دولت ایران کمال اهمیت و در حکم معدوم است زیرا که دوستدار با اعتقاد خود بدولت علیه ایران آنچه لازمه مساعدت و موافقت بود تا بدرجه که در قوه داشت درباره بارون رویتز بعمل آورد که شاید مومی الیه بتواند شرایط امتیازی که باو داده شده بود بعمل آورد پس از آنکه بارون مومی الیه ظاهراً و علناً از عهد تعهدات خود توانست بیرون بیاید و از تحقیقات خارجی که در کمال دقت کار گزاران دولت ایران درباره بارون مومی الیه بعمل آوردند و معلوم شد که او قوه و مکتب انجام تعهدات خود را داشته باشد و یقین کردند که منظور و مقصود مومی الیه گذر کردن و بی تمام رسانیدن امورات متعلقه بمنافع عامه چنانچه در قراردادنامه قید و درج است نبود بلکه می خواهد در فرنگستان این امتیاز را وسیله یک معامله (۴) بجهت خود قرار بدهد آنوقت بدلالی که در مکاتبات فیما بین دوستدار و علیچاه مستر کالینس (کولیتز مندرج است در موقع خود سواد جمیع آنها سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان داده شده است امتیاز مزبور را بنابه قصورائی که از بارون رویتز بوقوع رسیده بود لغو و باطل نمودند و اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان این حرکت اولیای دولت ایران را عاقلانه معدوم نموده رفتار ما را تصدیق و تحسین نمودند و اگر دولت ایران ذره حق از برای بارون رویتز تصور میکرد هرگز هیچ امتیازی بکمپانی دیگر نمی داد و در این موقع بخاطر محترم آن جناب جلالتماب می آورم اظهاراتی که در باره بارون رویتز وزیر مالیه و وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان در پارلمنت مانی انگلیس نموده اند با کمال احترام معدوم از اظهار این که دوستدار هیچ راهی بجهت مداخله رسماً سفارت سیرده به آنجناب فیما بین دولت ایران و بارون رویتز نمی آید صورت جوابی که به بیروست مستر کالینس از جانب دوستدار نوشته شده است لذا بجهت استحضار آن جناب جلالتماب فرستادم

همواره دوستدار را نسبت بخودتان در احترام فائقه بر قرار دانند.

همچنین هنگامی که چند سال بعد یک نفر فرانسوی بنام فایوس بو اتال امتیازاتی در ایران تحصیل می نماید مجدداً سفارت انگلیس اعتراض بارون جولیس رویتز را ضمن نامه ای بوزارت امور خارجه می فرستد - راجع به فایوس بو اتال بعد از جای خود شرح داده خواهد شد و در اینجا فقط نامه سفارت انگلیس و جواب آن آورده می شود.

نامه سفارت انگلیس بوزارت امور خارجه

تاریخ ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۰۰

دوستدار استماع نموده که علیچاه موسیو بانال در این تاریخ با اعلیحضرت اقدس همایون شاهی و اولیای دولت علیه ایران عرض و اظهار نموده که با بارون رویتز قرار داده که از روی آن بارون مزبور نمی تواند ایرانی

وارد آمد بکنسیون که اولیای دولت ایران در این اواخر بجهت کشیدن خطراه آهن از رشت بطهران داده‌اند لهذا دوستدار لازم میدانند که به آن جناب جلالتماب اظهار نماید که این مطلب درواز صحت است چرا که بارون رایتز متصل درباب دعوی خود نزد اولیای دولت انگلیس اصرار مینماید و بازم در این روزها تجدید اظهار نموده و ایرادات او دراینکه کنسیون باتال نقض حقوق است باعث شده که از جناب جلالتماب وزیر امور خارجه انگلستان تلگرافا دستورالعمل بدستدار داده شده که به پروتست او در این موارد تقویت نماید و بدولت علیه ایران تکلیف کند که قبل از دادن اینگونه کنسیون بکسان دیگر اول قرار امر بارون رایتز را بدهند
زیاده زحمت ندارد محل مهر (راندل پامسن)

فهرست عرض وزارت جلیله راجع بقره فوق دستخط همایونی -

درقره رایتز جواب آخری همان است که چندروز قبل اعلیحضرت اقدس همایونی روحنا فداء در باغ امین حضور فرمایند فرموده‌اند داده شد و دیگر هیچ مذاکره در این خصوص نشده است این رقمه را که لفا از عرض خاکپای همایونی می گذرد بقدرت وزیر مختار انگلیس فرستاده است چیزی شنیده است ولی بشریف اصل مطلب را بدست نیاورده و این رقمه را نوشته خواسته است وسیله و بهانه در اظهار مطلب قرار داده باشد یکی هم میخواهد اینطرف را بحرف بیاورد بالجمله چون استحضار خاطر مهرمظاهر ملوکانه از مضمون رقمه اول لازم بود بحضور مرحمت ظهور همایونی روحنا فداء تقدیم نمود امر اقدس مطاع

ناصرالدین شاه در حاشیه آن نوشته

« شما از همان ترتیب و همان ادله که در دست دارید خارج نشده تغییر بخمال و عقیده خود ندهید هرچماز سفارت انگلیس در این باب اظهار شود همان جواب هارا تکرار نمائید »

وچندی بعد این نامه راهم در تعقیب آن می نویسند .

نامه سفارت انگلیس بوزارت خارجه

بتاریخ ۲۲ شعبان ۱۳۰۰

نظر بمراسله دوستدار بتاریخ بیستم شهرجمادی الشایه راجع به پروتست بارون رایتز و اینکه موسیویاتال باعلیحضرت اقدس شاهنشاه و اولیای دولت علیه ایران عرض و اظهار نمود که ببارون رایتز قرار داده که از روی آن بارون مزبور نمی تواند ایرادی وارد آورد بکنسیون که اولیای دولت ایران در این اواخر جهت کشیدن خط راه آهن از رشت بطهران داده‌اند زحمت افزا می شود که از قرار تلگرافی که از جناب بارون رایتز بتاریخ پرروز رسیده است این اظهار مزبور موسیویاتال که باوقاری داده بکلی بی اصل است چنین قراری بهیچوجه داد نشده است زیاده چه زحمت افزاید . محل مهر راندل پامسن

وزارت امور خارجه در جواب نامه های سفارت انگلیس این یادداشت را مینویسد .

دوره ۲۷۱ - مورخ ۳ رمضان ۱۳۰۰

پس از ملاحظه رقمه محترمه آن جناب جلالتماب مورخه ۲۲ شهر شعبان ۱۳۰۰ مشعر بوصول تلگراف از بارون رایتز مبنی بر تکذیب مسیو بو اتال در اقدام بقراری ببارون رایتز مشارالیه که ذکر می هم از مراسله خود مورخه ۲۰ شهر جمادی الاخره ۱۳۰۰ دایر به پروتست بارون رایتز فرموده بودند لازم شد با غایه التصوای احترام جوابا باحضر دو مسئله بخاطر آن جناب جلالتماب بپردازند تا بالکلیه در خاطر عاظم سفیرانه آن جناب جلالتماب جای تصور شبه و حاجت قبول زحمت مجدد در این مسئله باقی نماند یکی آنکه هر کجا بو اتال ببارون رایتز قرار داده باشد بانداه باشد در هر گونه اقدام تکلیف خود مختار خواهد بود و صدق و کذب قرار مشاوره با یکدیگر از لوازم اطلاعات تکلیفیه اولیای دولت علیه ایران نمیشد دیگر آنکه اولیای دولت علیه نظر بمراسله وزارت خارجه مورخ ۱۰ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۹ که حاوی دلایل قاطعه صحیحه مشروعه و در دفاتر آن سفارت فخریمه ضبط است پروتست بارون رایتز را بلا محل و باطل دانسته بالکلیه خود را از این مذاکرات فارغ میدانند »

باوجود مکاتبات زیادی که بین سفارت انگلیس و وزارت امور خارجه در باره دعوی

رویتز بعمل میآید نتیجه ای حاصل نمی گردید .

در یک نامه که تقریباً پانزده سال بعد از تاریخ امتیاز نامه ، سفارت انگلیس بوزارت خارجه نوشته از دولت ایران می خواهند که ترتیبی برای حل این موضوع بدهند و « بدینوسیله از زحمت کثیره صداع افزا تبری چوبند »

نامه مزبور باین شرح است .

« جناب مستطاب اشرف امجد ارفع وزیر امور خارجه دولت علیه ایران .

چند روز قبل شازردفر اعلیحضرت پادشاه انگلستان را مستحضر فرمودند از اینکه اعلیحضرت اقدس شهبازی مایل می باشند صحت و عدم صحت ادعای بارون رایتز را معترض مذاکره فرمایند یقین است که شازردفر انگلیس همیشه حاضر خواهد بود که بروفق میل مبارک اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی حرکت نماید اما لازم است اظهار شود که این مسئله پانزده سال الی الان مابین دولتین علیتین ایران و انگلیس مطرح گفتگو است مقصد اصلی آن است که رفع این گفتگو بشود چنین گمان میشود که اسلم و بهترین چیزها این است که مسئله اینک حق با کدام طرف است بجای خود گذاشته سعی بعمل آید که قرار مصالحه حقه درستی که بکلی ادعای بارون رایتز را تمام نماید داده شود و این قسمی است که مصالح طرفین منظور شده است و امیدوار است که اعلیحضرت اقدس شهبازی جناب مستطاب اشرف امجد ارفع وزیر امور خارجه را مختار سازند که با شازردفر انگلیس در اصول مصالحه ممکنه در این باب گفتگو نمایند و بدینوسیله از زحمت کثیره صداع افزا تبری چوبند لازم نمی داند تکرار نماید که مقصود کلی این است که دولت علیه ایران را از این ادعای سخت پرمشقت مستخلص نماید فی ۱۲ شهر ربیع الثانی ۱۳۰۴ « محل مهر (آرتریکلن)

در روی پاکتی که محتوی یادداشت سفارت انگلیس بوده و روی آن چنین نوشته شده « یادداشت سفارت انگلیس بشرفرض حضور باهرالنور اقدس اعلی روحنا فداء خواهد رسید » ناصرالدین شاه باخط خود نوشته است .

« عمل رایتز مثل سایر قراردادهای راه آهن که در میان دولتین ایران و سایر دول اروپا برقرار شده و بالاخره بواسطه عمل نکردن بشروط از طرف مقابل باطل و عاقل شد اینهم باطل و لغو شد بدلیل موجه حالا چیزی که مانده این است که رایتز تنخواهی را که باسم دولت ایران در بانک انگلیس رهن گذاشته است دولت ایران باو مجانی می بخشد و مطالبه نمی کند غیر از این هیچ راه دیگری برای انجام حرف رایتز بنظر اولیای دولت ایران نمی آید که اقدام نماید از همین قرار جواب سریع بدهید لایغر »

منظور از تنخواه چهل هزار لیره وثیقه اجرای امتیاز نامه بود که در ابتدا بیانک انگلیس سپرده شده بود و دولت ایران حاضر بود این مبلغ را در صورتی برویتز مسترد دارد که رویتز اصل امتیاز نامه را بدولت ایران بدهد و چون این عمل تصدیق ضمنی بر بطلان امتیاز نامه بود رویتز حاضر باسترداد امتیاز نامه نشد و این مبلغ تا خاتمه اختلاف همان طور در بانک مانده چنانکه گفته شد اختلاف بین دولت ایران و بارون رویتز قریب هفده سال طول کشید

و سر انجام بعد از آنکه انگلیس ها اجازه کشتی رانی در رود کارون را بدست می آورند و روابط ایران و انگلیس وارد مرحله تازه ای می شود مسئله دعوی رویتز نیز حل می گردد و در ماه جمادی الاولی سال ۱۳۰۶ هجری قمری (ژانویه ۱۸۸۹ میلادی) امتیازی برای ایجاد « بانک شاهنشاهی » و همچنین استخراج و بهره برداری معادن ایران برویتز داده می شود و اصل امتیاز نامه سال ۱۸۷۲ را مسترد می دارند چنانکه شرح آن بیاید و باین ترتیب یک پرده از این صحنه ملال انگیز پایان می پذیرد .

گراهام استوزی در پایان فصل مربوط بامتیاز رویتز در کتاب خود می نویسد .
« اگر بگویم این نتیجه فشه وسیع رویتز در ایران شکست محسوب نمی شود بیهوده است . اینکه برای سیاست انگلستان نیز این نتیجه شکست محسوب می شود بانه موضوع قابل بحثی است . اگر دولت انگلیسی

قویاً از روی پشیمانی میکرد نفوذ آن دولت در ایران بلامعارض میشد اما آن طوری که بود امتیاز رویترا توانست با توفیق کامل سایر دول را از ایران دور نگاهدارد.

دکتر طلوزان
امتیازنامه رویترا
خیانت میداند

دکتر طلوزان فرانسوی پزشک مخصوص ناصرالدین شاه که سالهای متمادی در ایران اقامت داشت و باغلب اسرار زندگی خصوصی ناصرالدین شاه واقف و در دربار مورد اعتماد و اطمینان خاص بود نامه ای در معایب امتیازی که انگلیسها برای کشتی رانی رود کارون و سد اهواز میخواستند بنام ناصرالدین شاه نوشته و ضمن آن بمفاسد امتیاز رویترا اشاره کرده است. بدینست که در خاتمه این قسمت ترجمه فارسی نامه دکتر طلوزان را نقل نمایم

«اعلیحضرت ابلاغ امر همایون را در باب گرفتن فدوی باهواز بواسطه کمال مرحمت و اطمینان قلبی که اعلیحضرت شهنشاهی بخدمات طبی فدوی دارند صنیع الدوله (میرزا محمد حسنخان که بعدها اعتماد السلطنه لقب یافت) نمود نهایت تشکر را دارم که در این بیست سال چاکری لیاقت و صداقت من در آستان اعلی ظاهر شد. بانسکر زباید قبول فرمایش همایونی را نموده فسخ عزیمت نموده در کباب مبارک خواهم بود و همانطور که مکرر عرض کردم امیدوارم تا جان دارم از خدمت مثل آن اعلیحضرت پادشاه قدر دانی توافقی نوزم مقبره خود را دولاب دانسته و میدانم اما در این ضمن خیالی بر این آمده استعدا دارم که اجازه فرمایند بدون پرده باصداقت کاملی که دارم خیال خود را محرمانه بر عرض برسانم امیدوارم این عرض فدوی را که بخط خود بفرانسه عرض کرده ام و منسب الدوله یخیز خودش بفراسی ترجمه کرده است جز وجود مبارک احدی ملتفت نشود و مقصودم از این عرض دو چیز است اولاً اینکه بتدکان اعلیحضرت همایون چون فدوی را در نظر این بیست سال تجربه کرده اند که دولت خواه و محرم هستم بالصراحه بدون اطلاع احدی بفرمائید که از سرافت عمل اهوازاگر افتاده اند و میل باجری این کار ندارند فرمایش فرمایند این فدوی فلان کومیانی یا فلان شارلانان بیستم که قصدی جز میل باطنی و مخصوص پادشاه داشته باشم بر این عرض سکوت فدوی بود باوجود چندین مرتبه تا تأکیدات پادشاهی از بعد از سفر مازندران که بدو فقره اهواز گفتگو شد تا در بادن باد و هنگام توقف پاریس و نامراجت از سفر نانی فرنگستان که بدون عرض فدوی خود پادشاه بالصراحه طبع همایون در این مسئله جدا اصرار کردند و باکمال میل قلبی باوجود هزار قسم موانع اقدام باین عمل فرمودند حالا هم اگر تردیدی پیدا نشده بالصراحه فرمایش بشود خود فدوی باوجود تقریباً هشتصد تومان مخارج که تا بحال نموده است اقامه بر سر ادله نموده در عدم اجرای آن قرار نامه که بحسب ظاهر قضی برای امضای پادشاهی و اعتبارشان قوی شوکت دولت وارد نیاید و آن قرارداد و نوشته را باطل دانسته امضاء و صح همایون را بحضور مبارک بیاورم که بدست مبارک محو فرمائید.

تالیاً همین قدر خوش بخت مسئله که جمعی اصرار در کتمان و اخفای آن در خاکهای همایون داشته و دارند بریندگان پادشاهی مسلم گردد و این فقره عمل (روترا) است که کراراً عرض کرده اند ما این ماجرا را خوابانیده ایم و این عمل را تمام کرده ایم اگر چنین بود پس چرا در یاد داشت که مسیو طومسون شازدافر انگلیس تقریباً بیست روز قبل بوزارت امور خارجه دولت علیه ایران فرستاده است بالصراحه در یکی از فصول آن نوشته تصریح بلکه تشریح کرده است که عمل (روترا) را نه تنها فوراً اوفیس (وزارت خارجه انگلیس) بلکه خود شخص حلقه باطل ندانسته برقرار میداند و هنوز رقبه دولت ایران را مرهون (روترا) تصور میکنند سواد آن نوشته نزد فدوی حاضر است اگر ملاحظه فرموده اند هر وقت مقرر بشود بنمایم.

بتدکان پادشاهی در نیاوران بلفظ مبارک فرمودند فواید این سه زیاد است من جمله سدی است برای خیالات آتیه انگلیس مشغولم که این قرار نامه اهواز عیال این قدر فایده بخشید که این مسئله مکتوم (روترا) در آستان مبارک ظاهر شد درست ملتفت شوید اگر هم عرض کنند دولت انگلیس درخفا بطالان قرارنامه (روترا) را بجا وعده کرده است کذب محض است از خاکهای همایون سؤال میکنم حالت انگلیسها مگر نمیدانند که هرگز چنین قرارنامه معتبر که همه اش سراپا خیانت بود که فی الواقع تمام ایران را به آنها داده بودند درخفا باطل نکرده سهل است ظاهر او باطل ساختن نمیکنند. حال بسته بمیل مبارک است فدوی حاضر هر نوع احکام و فرمایش است. دکتر طلوزان؟

۳

فرمان آزادی کشتی رانی در رود کارون

اهمیت رود کارون
برای انگلیسها
وسایه آن

یکی از فرامین که در حقیقت اعطای امتیازی بانگلیسها بود فرمان اجازه آزادی کشتی رانی در رود کارون است که توسط ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۶ هجری قمری صادر شد.

این اجازه که انگلیسها مدت نیم قرن برای بدست آوردن آن میکوشیدند متضمن مفاسد و لطمات شدیدی برای استقلال ایران بود زیرا گذشته از توسعه نفوذ انگلیسها در سر تا سر جنوب ایران توازنی را که از لحاظ بیطرفی ایران تا آنوقت تقریباً بین دو رقیب نیرومند برقرار بود بهم زد و باعث شد که برای جبران آن امتیازاتی که حق حاکمیت و استقلال ایران را از بین می برد بروسها و دیگران داده شود بنا بر این تاریخچه اقداماتی که در این باب شده شایان دقت و توجه مخصوصی است.

از نظر دفاع سرحدات هندوستان در دست داشتن و نفوذ در سواحل خلیج فارس و جنوب ایران برای انگلیسها اهمیت حیاتی را داشت.

تسلط بر رود کارون گذشته از توسعه نفوذ سیاسی و نظارت بر نواحی جنوبی ایران از جهت منافع تجارتنی و استفاده از این راه طبیعی برای حمل و نقل مال التجاره انگلیسی و هندی بشهرهای مرکزی ایران دارای اهمیت فوق العاده ای بود.

لرد کرزن در سال ۱۸۹۱ در کتاب خود راجع برود کارون و اقدامات انگلیسها برای آزادی کشتی رانی در آن مینویسد.

«تقریباً پنجاه سال قبل اهمیت فوق العاده این وسیله تجارت یعنی رود کارون که مال التجاره مارا بشهرهای داخله ایران برساند و با ما آزر کندم خیز مربوط کند و تجارت انگلستان و هندوستان را رونق دهد بتوسط سر هنری لایارد ولیونتان سلبی شناخته شده سر هنری لایارد بواسطه دوستی که با رئیس این بختیاری آقامحمد تقی خان ایجاد نموده بود وهم چنین رابطه و آشنائی که بانجارج عمده شوشتر داشت توانست اهدت تجارت با ایران را نشان بدهد و در همان اوقات گزارش جامعی برای دولت انگلستان فرستاد و یک مراسله نیز باطابق تجارت بمبئی ارسال داشت و به آنها تأکید نمود نگذارند که چنین فرصت از دست برود و از موقع استفاده نکنند.

اما مناسبات سیاسی آروز انجام این عمل را بتأخیر انداخت دیسگر در این باب اقدامی بعمل نیامد تا اینکه بعد از گذشتن سی سال مجدداً موضوع استفاده از رود کارون و بکار انداختن این مجرای تجارت مطرح گردید و بار دیگر باب مکاتبات سیاسی راجع برود کارون بین دربار لندن و دربار تهران مفتوح شد.

در سال ۱۸۷۸ (۱۲۹۵ هجری قمری) حسین قلیخان بختیاری که یکی از خوانین بانفوذ این طایفه محسوب میشود باب مذاکره راجع بتجارت رود کارون را با مستر مکزی نماینده کمپانی گری و پول که در بوشهر اقامت داشت باز و مشغول مذاکره شد.

موضوع مذاکرات درست همان بود که در سابق بین محمد تقیخان ولایارد مطرح شده بود و با همان صمیمیت چندی جریان داشت و کمپانی مزبور حاضر شد چند کشتی تجاری در آن رودخانه بکار اندازد این مذاکرات و این عملیات باعث شد که حکومت مرکزی در طهران باین پیش آمد شرایط نشان نداد و حسادت و رزید و از اجرای آن جلوگیری کرد دوست لایارد در طهران در حبس مرد و دوست مکنزی در اصفهان بحکم ظل السلطان قتل رسید .

باز لازم بود هفده سال دیگر از این موضوع بگذرد تا عمل سیاسی در نتیجه پست هم اندازه های خود که با انواع دسایس و تملل شرقی مصادف میشد بمقصد برسند .

در ضمن مذاکرات گاهی فرانسویها داخل میشدند و کار را چندی بتأخیر میانداختند و با امتیاز آنرا برای کشتی رانی فرانسه میگرفتند و بالاخره وسایل دیگری پیش می آمد که امتیاز فرانسویها لغو میشد . سرانجام سر درومند ولف در صحنه سیاست ایران وارد گردید و در اکتبر سال ۱۸۸۸ موفق شد که فرمان آنرا از شاه بگیرد و با انگلیسها اجازه داده شد که تا اهواز در رود کارون کشتی رانی کنند . نویسنده دیگر انگلیسی سروالتین چیروول (۱) در کتاب خود بنام (موضوع خاورمیانه یا بعضی مسائل سیاسی دفاع هند) مینویسد

«از اواسط قرن نوزدهم پیدا نمودن يك راه تجاری بزرگ بین خلیج فارس از راه رود کارون باصفهان مورد توجه سیاح جوان آن تاریخ بوده که بعدها این سیاح باجزم بازم سرهنری لایارد معروف شد بموجب توصیه او این مسئله نیز یکی از مسائل مهم سیاست شرق بزرگ بشمار رفت و در حقیقت در آن تاریخ ازین رفتن محمدتقی خان بختیاری این موضوع را مسکوت گذاشت زیرا که لایارد يك دوستی بسیار نزدیکی با محمدتقی خان بختیاری ایجاد نموده بود همینکه او ازین رفتن این فکر نیز در آن زمان دیگر دنباله پیدا نکرد در صورتیکه محمدتقی خان برای ایجاد این راه و عملی نمودن آن نهایت میل را نشان میداد .

هنگامیکه قشون دولت انگلیس در سال ۱۸۵۷ (۱۲۷۳ هجری قمری) محمره و تواجی اطراف آنرا اشغال کرده بود بار دیگر فرصت مناسبی بدست آمد و ممکن بود این فکر عملی شود اما فرصت فوت شد بیست سال بعد سر جورج مکنزی که یکی از شرکاء فعال شرکت گبری و پولو نماینده چند کمپانی دیگر بود از بوشهر به تهران رفت و در این باب پیشنهادهای تازه ای نمود .

این بار نیز با وجود مساعدت رئیس دیگر ایل بختیاری از مذاکرت تهران نتیجه ای گرفته نشد و موضوع مسکوت ماند تا اینکه در این اواخر یعنی در سال ۱۸۸۸ درومند ولف وزیر مختار انگلیس نوانست موفقیت حاصل نموده فرمانی از ناصر الدین شاه بدست بیاورد که راه رود کارون برای تجارت انگلستان مفتوح گردد .

این شرح مختصری از اقدامات انگلیسها است برای **هرات بجای رود کارون** افتتاح رود کارون که این دو نفر نوشته اند .

در اینجا راجع بفرصتی که در موقع اشغال محمره در سال ۱۸۵۷ پیش آمده بود و چیروول بآن اشاره کرده باید اضافه شود که آن در هنگامی است که هرات از طرف ارتش ایران محاصره شده بود و انگلیسها برای تهدید دولت ایران بسواحل خلیج فارس نیرو پیاده میکنند و بالاخره ناصر الدین شاه را مجبور میسازند که دست از هرات برداشته و معاهده پاریس را منعقد نماید .

ضمن مذاکراتی که در این باب بعمل میآمد از طرف ایران پیشنهاد میشود که هرات بایران واگذار گردد و در مقابل ورود کشتی های انگلیس برود کارون آزاد باشد و این موضوع را ناصر الدین شاه بخط خود نوشته است که عین آنرا ذیلا نقل

مینمایم و بنابراین با آنکه ارزش اجازه کشتی رانی در رود کارون در نظر ناصر الدین شاه ارزش تصرف هرات را داشت چند سال بعد آنرا برای یکبار و با مقاسد بیشتری در اختیار انگلیسها میگذازد

« بعد از جنگ ایران و انگلیس در مسئله هرات اولین یادداشتی را که سفارت انگلیس راجع برود کارون بوزارت امور خارجه میدهد میرزا سعید خان وزیر خارجه آنرا در پاکتی گذارده روی آن مینویسد .

« یادداشت سفارت انگلیس در باب رود کارون و روزنامه مذاکرات با وزیر مختار »
« در این فقره از عرض خاکپای مبارک اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداء »
« خواهد گذشت .

ناصر الدین شاه پس از ملاحظه یادداشت سفارت انگلیس در پشت پاکت باخط خود چنین مینویسد
« جناب وزیر

اولا فقره رود کارون ساختن راههای عراده از بوشهر به طهران در وقتی طرح شده بود که مسئله هرات در میان بود که دولت ایران درازای تصرف هرات این کار را قبول کند و واضح است این دو کار چقدر عمده بوده است که در مقابل تصرف هرات جزء قرار نامه و عهدنامه کرده بودند بعد از آنکه آن قرارنامه صورت تکرفت و ممضی نشد این دو شرط هم با آن قرارنامه امضاء نشده موقوف شد حال چه شده است که بدون هیچ شرط عمده که در مقابل این قبول ایران از طرف دولت انگلیس باشد باید دولت ایران مجاناً و بلا عوض این کار عمده را قبول نماید و حال آنکه يك فقره آنرا که ساختن راه عراده از بوشهر به طهران باشد شروع کرده و مشغول است البته چایاران انگلیس ملاحظه کرده اند که راه از طهران الی کنار کرد رسیده است و در اصفهان هم و شیراز هم ظل السلطان با تاجار مشغول حرف و قرار داد است که تجاراً شریک این کار نمایند و خود هم شریک باشند و دولت هم امداد کند و راه تمام شود .

ثانیا چون فقره رود کارون جزء عمل و کارهای داخله و ملتی است من بشنایی نمیتوانم در این فقره کاری کنم و رای بدهم مگر به اطلاع و آرای مردم و رجال دولت اگر راجع به کار داخله بود البته میتوانستم خود برای خود تنها قبول یابد نمایم چون کار عمده راجع بداخله مملکت است من قدرت ندارم که خود به شخصه رای بدهم والا در دوستی با دولت انگلیس از هیچ چیز خدا شاهد است مضایقه ندارم اگر مورد بحث مردم نمی شدم باید رای عامه را در این کار ملاحظه کرد ۸۹ »

بهر حال هنگامی انگلیسها جدا در صدد بدست آوردن فرمان اجازه کشتی رانی رود کارون میافتند که میرزا حسین خان سپهسالار بر کرسی صدارت ایران جلوس میکند .

از این تاریخ (۱۲۸۸ قمری) تا سال (۱۳۰۶ هجری قمری) که فرمان مزبور صادر میگردد انگلیسها هر وقت فرصتی بدست میآوردند این موضوع را بمیان میکشیدند و هر چند یکبار یادداشت تهدید آمیزی بدولت ایران میدادند و لزوم این عمل را بتناصر الدین شاه گوشزد میکردند .

برای اطلاع از تهدیدات و مطالبی که انگلیسها راجع **نامه های سفارت انگلیس** باین موضوع اظهار میکردند متن بعضی از یادداشت های سفارت انگلیس را که در سالهای متبادی برای دولت ایران فرستاده اند

عیناً بترتیب در ذیل نقل میکنیم .
یادداشت سفارت انگلیس بعنوان میرزا حسین خان سپهسالار وزیر امور خارجه .

محرمانه

«جناب مستطاب اشرف امجد ارفع را زحمت میدهد .
 «بدوستدار تعلیم شده است که مسئله رود کارون را باز بنظر اولیاء دولت ایران»
 «بیاورد و بملاحظه اینکه معلوم سازد چه قدر متناسب بل لازم است که دولت ایران»
 «دفع الوقت را جایز ندارد و در اجری داشتن اقداماتی برای وسعت تجارت و بهبودی»
 «حال اهالی مملکت خود در جنوب ایران که بدانوسیله قادر خواهد شد در برابر»
 «کردن باحالت ترقی که حال در مملکت عثمانی همجوار پیشنهاد شده است دوستدار»
 «ترجیه مطلب بعضی از کاغذی که در این تازگی در انگلستان بطبع رسانیده اند»
 «بجهت تفکر همه آنجناب مستطاب اشرف امجد ارفع محرمانه تقدیم مینمایم مربوط»
 «بتفاوتی که در امر زراعت و عدم اطمینان در ولایات های ایران و عثمانی واقع در کنار»
 «شط العرب حاصل است و نیز ترجمه برخی از مرسله عالیجاه مجتد و نجات همراه»
 «ماژور اسمیت را انفاذ میدارد که چندی قبل با نصفحات رفته بود حاوی بر باز شدن»
 «تجارت در بصره و شط بغداد در این اوان باعتبار اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه»
 «انگلستان خیلی مصلحت دولت ایران است که در تشویق تجارت در اطراف جنوب»
 «غربی ایران اقدامی شود و بجهت حصول این منظور بنظر اولیای دولت معزالیها»
 «واجب و لازم است باز کردن رود کارون برای کشتی های بخار و این یکی از اقدامات»
 «مؤثره میباشد که میتوان برقرار نمود . در آوردن مسئله رود کارون را بنظر اولیای»
 «دولت ایران بدوستدار نیز تعلیم شده است که کلیه فقره برقرار داشتن اقدامات برای»
 «تحصیل مکننت ولایت و ترغیب تجارت خارجه را به میان بیاورد دوستدار خواهشمند است»
 «که آنجناب مستطاب اشرف ارفع مهربانی فرموده این مرسله محرمانه را تقدیم»
 «حضور اعلیحضرت اقدس شهر یاری سازند و در ضمن این خواهش مخصوصاً خاطر»
 «نشان میسازد حالت ترقی شط بغداد را نسبت بحالت حالیه غفلت آمیز رود کارون»
 «که فقط رودی میباشد در ایران که میتوان در آن کشتی راند در باز کردن رود کارون»
 «برای کشتی ها و منافعی که از آن حاصل میشود فقط اعتقاد واحدی باید داشت»
 «و باطمینان آنکه حال وقت آن رسیده است و دیگر تاخیری در اجری داشتن این»
 «اقدام نباید روا داشت دوستدار امیدوار است که آنجناب مستطاب اشرف ارفع»
 «قویا اقدام نماید و تکلیف کنند که بدون معطلی بموقع اجری گذارده شود این اقدام»
 «بلا حرف و بدون تاخیر نه تنها بر مالیات خواهد افزود بلکه وجوه کثیره را وارد»
 «ولایت خواهد نمود که مایه متمول شدن و رضا مندی و بهبودی حال رعیت خواهد»
 «بود و بدین جهت سبب نظم و استحکام بنیان دولت .»
 «برهرنیکخواه دولت ایران باید واضح باشد که هر روزی بگذارد از میان»
 «برود بدون اینکه این اقدام اجری بدارند روزی ست زایل گشته و بفلت گذشته»
 «دوستدار ممنون خواهد شد اگر آنجناب مستطاب اشرف ارفع مهربانی فرموده»
 «بهرزودیکه ممکن باشد از قراریکه اعلیحضرت اقدس شهر یاری در این باب بدهند»

«دوستدار را مستحضر سازند تا بدون تاخیر آنرا باطلاع اولیای دولت متبوعه خود»
 «برسانند چرا که ایشان بطوریکه آنجناب مستطاب اشرف ارفع البته درک فرموده اند»
 «این مسئله را با کمال رغبت ملاحظه نموده نهایت اهمیت را بان میگذارند .»
 «زیاده زحمتی ندارد فی ۲۲ شهر رمضان سنه ۱۲۹۰ محل مهر را تلذط امن»
 یاد داشت دیگر

« مدت وقتی است که دوستدار در خصوص انداختن کشتی بخار برود کارون با اولیای »
 « دولت ایران مشغول اظهارات و گفتگو است اولیای دولت علیه مرا مستحضر ساخته »
 « اند که تا آن درجه که باصل مسئله رجوع شده است قبول این فقره را نموده اند »
 « و این اراده را دوستدار با اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اطلاع داده »
 « است و نوشتجاتی که دوستدار تازه از وزارتخانه های امور خارجه و هند و جناب »
 « مستطاب جانشین هندوستان وصول کرده است لزوم و مناسبت قطعی راهم برای »
 « فواید تجارت انگلیس و هم برای فواید تجارتهی و مالیاتی دولت اعلیحضرت اقدس »
 « شهر یاری را در اجری داشتن اراده مذکور بدون معطلی در کمال تاکید و اصرار »
 « اظهار شده است تعجب و افسوس خود را نیز بیان ساخته اند از اینکه اولیای دولت »
 « علیه انجام امری را که تاخیر آن بخیریت و صلاح ایران و فواید دول متحابه که »
 « رابطه تجارتهی بادولت ایران دارند خلل عمده وارد است اینقدر بتعمیق انداخته »
 « باشند لهذا از جانب اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تعلیم شده است »
 « که بلا تاخیر این مسئله را در تحت تفکر اهمه اعلیحضرت اقدس شهر یاری و اولیای »
 « دولت اعلیحضرت ایشان بیاورد .

« هیچ خیر خواه حقیقی ایران نمی تواند مسجل بدارد امکان آنرا که در اقدام باین »
 « امر برای دولت مذکور ضرری متصور است بلکه برخلاف آن بهر شخص باهوش »
 « و فراستی باید ظاهر و هویدا باشد که بخود ولایت و اهالی و حکومت آن مشر و »
 « فواید عمده معنوی میباشد کانسونی یا اجازه نیست که بیک کمپانی داده شود و یا »
 « یک دولت فردی آنرا تصاحب نماید فقط باز نمودن جاده ایست بتجارت عالم که »
 « قبل از وقت طبیعی بوده و حاوی فایده دادن بتوسط کشتی بخار بدون مخارج بدولت »
 « علیه فقط رود کشتی رو ایران را چون حالت امر اینطور است تردیدی که اولیای »
 « دولت ایران تا بحال ظاهر نموده اند در تحصیل این منافع مخصوصاً با اولیای دولت »
 « اعلیحضرت پادشاه انگلستان که در هر چیزی که مایه ترغیب و وسعت تجارت باشد »
 « کمال مواظبت را دارند باید بکلی غیر مفهوم باشد تراید کمی تقود در ایران »
 « مشهور است و اشکالاتی که از این نایابی الی مدتی معین بمیان خواهد آمد اگر رفع »
 « آن نشود میتوان قبل از وقت دریافت نمود لهذا چیزی که حال مقتضی این مملکت »
 « است متوالیا مدخول وجوهات میباشد و دولت ایران میتواند آنرا بدون احتمال »
 « ضرر و مخارج حاصل نماید بتوسط صادر نمودن فرمانی یا حکم دولت مبنی بر اذن »
 « اینکه کشتی بخار برای تجارت در رود کارون کار نماید باین واسطه مقدار زیادی »

« از محضول ولایات اطراف علاوه بر مصارف اهالی آنجاهاست و از اینجهت در محل
 « بقیمت نازل است میتوان عوض نمود و متصل بخارج حمل کرد در ازای وجوه تقدینه
 « این مطلب خود معلوم است که تأخیر در اجری داشتن چنین اقدامی بعبارت آخری
 « باز داشتن دولت زیادی است از مملکت و مالیات علاوه از دیوان .
 « بر حسب اعتقادی که اولیای دولت انگلیس در اینقره اظهار داشته اند اظهارات
 « فوق بطور یاد داشت بزبان انگلیسی قلمی شده و باتفاق ترجمه ایرانی بتوسط
 « جناب مستطاب اشرف ارفع وزیر امور خارجه بدولت ایران تقدیم میشود با خواهش
 « آنکه آنجناب مستطاب اشرف ارفع مهربانی فرموده آنرا بنظر ملاطفت اثر
 « اعلیحضرت اقدس شهرباری برسانند تا اراده و حکم همايون در این مسئله برای
 « اظهار باولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بسفارت اعلام شود فی ۲۳ شهر
 « شوال المکرم سنه ۱۲۹۳ »
 بعد از ارسال این یاد داشت چون کتبا جوابی از طرف ایران بآن داده نمیشود
 یکسال بعد مجدداً رونوشت آنرا ضمن یادداشت دیگری برای دولت ایران میفرستند و
 مطالبه جواب میکنند
 دولت ایران نیز در جواب چنین مینویسد.
 « مرسله آنجناب جلالتماب مورخه ۱۶ شهر شوال ۱۲۹۴ که دایره آوردن
 « کشتی بخار تجارتي برود کارون اظهار داشته و سواد فارسی از یاد داشت خود
 « مورخ ۲۳ شوال ۱۲۹۳ ارسال فرموده بودند واصل ایادی توقیر گردیده با کمال
 « احترام جواباز حمت افزای شود که اولیای دولت علیه ایران همواره از خیر خواهی
 « و دوستی حقیقی دولت انگلیس قرین امتنان و زاید الوصف مایلند که حتی المقدور
 « اظهارات آنسفارت را به احترام و اجری مقرون دارند لیکن در باب رود کارون
 « و راه انداختن کشتی بخار در آنجا بملاحظه موانع بولتیکي که بالفعل موجود است و ذکر
 « آنها لازم نیست عجالتاً بالکلیه معذور و از عدم امکان اجرای این کار در این اوقات قرین
 « افسوس میباشد. همواره احترامات فائقه دوستداران نسبت بخود برقرار دانند
 « زیاده زحمت افزا شد ۲۰ شهر رجب ۱۲۹۴ »

فرانسویها و امتیاز کشتی رانی رود کارون
 موضوع کشتی رانی در رود کارون بواسطه اصرار و ابرامی
 که انگلیسها در تحصیل آن بعمل میآوردند و تهدیداتی که گاه و
 بیگاه در این باب بدولت ایران میشد مسئله بزنجی را برای
 ناصرالدین شاه بوجود آورده بود «موانع بلیتیکي» یا اشکالات
 سیاسی که دریاد داشت مزبور ذکر گردیده همان بهم خوردن توازن و بی طرفی ایران و
 مخالفت روسها میباشد. اگر اجازه کشتی رانی رود کارون بانگلیسها داده شود روسها همان
 اجازه و امتیاز را در شمال ایران با شرایط سنگین تری تقاضا خواهند کرد و اگر از انجام این
 امر سر باز زنند انگلیسها را چگونه راضی نمایند؟
 چون دولت ایران همیشه مانع عمده اینکار را مخالفت روسها ذکر میکرد انگلیسها

میگفتند رود کارون برای کلیه ملل جهان مفتوح شود و اختصاصی بیک ملت نداشته باشد
 بدیهی است در آن صورت نیز فقط انگلیس ها بواسطه نفوذ و داشتن وسائل حمل و نقل
 دریائی عملاً میتوانند از رود کارون استفاده نمایند .
 بهر حال از جمله نقشه هائی که برای حل این مسئله طرح میکنند اعطای این امتیاز
 بفرانسویهاست ولی از این اقدام هم نتیجه ای نگرفتند .
 لرذ کرزن راجع باین موضوع مینویسد .

امتیاز کشتی رانی رود کارون از سال ۱۸۷۶ تا ۱۸۷۸ دومرتبه داده شد و لغو گردید این امتیاز که توسط
 دکتر ملولوزان یرشک فرانسوی ناصرالدین شاه با نفوذ روسها برای فرانسویها گرفته شد در آن قید شده بود
 سد اهواز را نیز باید ببندند و دولت فرانسه فقط انحصار کشتی رانی رود را داشته باشد و اراضی مجاور را بکار اندازد
 و از معادن و جنگلهای آنها استفاده کند یکنفر مهندس فرانسوی بمحل اعزام شد که در باب تنده های آب در
 اهواز مطالعه کرده گزارش دهد و برای همین مقصود یکدسته کشتی از ماری تا بصره معین شد رفت و آمد کنند
 و یکنفر نماینده فرانسه هم در محرمه مقیم باشد »

طرح اعطای امتیاز کشتی رانی رود کارون به فرانسویها توسط دکتر ملولوزان
 و هنگامی تهیه شد که ناصرالدین شاه در سفر دوم اروپا در شهر بادن باد (در آلمان)
 مشغول استحمام در آبهای معدنی بود.

علت لغو امتیاز فرانسویها مخالفت انگلیسها بود که این عمل دولت ایران را غیر
 دوستانه تلقی کرده و آنرا برخلاف نظر اولیای دولت انگلستان میشمردند.
 یاد داشتی را که سفارت انگلیس در این باب در تاریخ ۱۰ ژانویه ۱۸۷۸ (۱۵ محرم
 ۱۲۹۶) به میرزا حسین خان سپهسالار صدر اعظم ایران نوشته باین شرح است.

« جناب مستطاب اشرف امجد ارفع را زحمت میدهد »
 « دیروز شرف ملاقات آنجناب مستطاب اشرف ارفع را درک نمودیم بنظر آنکه
 « تحصیل جواب کند با اظهارات مجددی که در دوسفر ملاقات قبل از بابت باز نمودن
 « رود کارون را بکشتی بخار بر حسب دستور العمل تازه اولیای دولت اعلیحضرت
 « پادشاه انگلستان مصر کرده بود و این مسئله میباشد که لازم نیست یاد آور خاطر
 « آنجناب مستطاب اشرف ارفع سازد که در این مدت سه سال گذشته از قرار تعلیمات
 « اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بکرات و مراتب باولیای دولت ایران
 « موکداً اصرار شده و خود آنجناب مستطاب اشرف ارفع مستحضرند که مغزی الیهم
 « کاملاً متوجه و عازم هستند که اجازه اولیای دولت اعلیحضرت اقدس شهرباری
 « را بامری حاصل نمایند که بالسویه بدولت ایران و تجارت دولت انگلیس مفید
 « فایده است .
 « جواب آنجناب مستطاب اشرف ارفع این بود که اراده اقدس همايون بر این است
 « که شخصاً بطرف شوستر و رود کارون در یک زمانی سفر فرمایند و هیچ قرار
 « داد یا اذنی که دولت انگلیس مطالبه دارد تا بعد از وقوع سفر مذکور داده
 « نخواهد شد .

« دوستدار نمیتواند از آنجناب مستطاب اشرف پوشیده بدارد مراتب تأمل و یاس »
 « خود را از وصول چنان جواب غیر مرضیه از طرف اولیای دولت ایران که فی الحقیقه »
 « واقعا مبنی است بر انکار قبول نمودن خواهش منصفانه و موکده دولت دوستی. »
 « پس از مراجعت موکب همایون از اروپا دوستدار در هنگامیکه شرف اظهار عقاید »
 « اولیای دولت متبوعه خود را در اینخصوص حضوراً خدمت اعلیحضرت اقدس شهریاری »
 « میکرد فرمایش همایون چنین شد که قراردادی در میان است که باز نمودن رود »
 « کارون را بکشتی های بخار نیز متضمن آن خواهد بود بنا بر این بیک نفر رعیت فرانسه »
 « قرار نامه عطا شد که در معنی تجارت رود کارون منحصرأ با و اگذار گردید و »
 « این بکلی بر عکس نتیجه می بخشد و ضد منظور اتی میشد که اعلیحضرت اقدس شهریاری »
 « در نظر آورده و وعده فرموده بودند و بلاوه جای اظهار این نکته راهم دارد که »
 « دولت ایران از یکطرف خواهش دولت انگلیس را که متضمن انحصار تجارت »
 « نبود و فقط خواهش باز کردن رود کارون را بکشتی های بخار برای عامه بودرد »
 « مینماید و از طرف دیگر به بکنفران ملت خارجه دیگری امتیازاتی می بخشد بیشتر »
 « از آنها که دوستدار طی اظهارات خود خواهش نمود با وجود اینکه این سبب اختلال »
 « خواهش اولیای دولت انگلیس میشد دوستدار وضع عمل را بقسمی دید که نتیجه »
 « دیگری را منتظر بود و در حین تقدیم این اعتقاد با اولیای دولت انگلیس ساعی بود »
 « که مراتب همراهی و دوستی دولت ایران را خاطر نشان ایشان سازد لکن قرار حالیه »
 « را اولیای دولت انگلیس بلا حرف بهیچ قسم ملاحظه نخواهند کرد مگر بطور رفتار »
 « غیر مودتی نسبت بدولت انگلیس علی الخصوص چون دولت ایران برای انجام دادن این »
 « رفتار غیر دوستانه نسبت بخود ضرر واردمی آورد . »
 « دولت ایران در وقتی که اسباب تسهیل تجارت با دولت روس را از قبیل ساختن »
 « راه شوسه و اقدامات دیگر در طرف شمال مملکت خود فراهم میآورد از طرف »
 « جنوب برای تسهیل تجارت با دولت انگلیس و ترقی دادن راه عبور و مرور ابدأ »
 « اقدامی نکرد - نه فقط اقدامی ننمود بلکه حال را مایل است که يك راه طبیعی »
 « تجارتی که فقط از يك رودخانه ایران میسر است مسدود بسازد و بدین سبب تجار »
 « انگلیس را لابد نماید که مال التجاره خود را از راه ممتد مخوف سخت با مخارج »
 « گزاف حمل نمایند بغرض اینکه خود را از شاه راه طبیعی که نزدیک تر و امن و کم »
 « خرج و آسان تر است بهره ورسازند . »
 « دولت ایران برای انکار غیر مفهوم خود بامری که ازوما مفید فایده کلی برای »
 « آن دولت است بدون اینکه بهیچوجه خسارتی مخارجی برایشان وارد شود تا بحال »
 « هیچ دلیلی اقامه نکرده است در صورتی که خود را در این عقیده مصمم بدارند »
 « از آنجناب مستطاب اشرف ارفع ممنون میشود دوستدار را از دلایلی که این انکار از روی »
 « آن احداث شده مستحضر فرمایند که بحتمل اثر نامطبوعی را که از رفتار غیر مودت »
 « آمیز مبهمه اولیای دولت ایران در خاطر اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان »

« پیدا خواهد شد تخفیف دهد . زیاده زحمتی ندارد »
 « فی ۱۵ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۹۶ - محل مهر (شازرد فر اعلیحضرت پادشاه »
 « انگلستان در دربار دولت ایران زانند طامسن »
 سفارت انگلیس چون از دولت ایران جواب قانع کننده ای نه کتبا و نه شفاهاً
 ریافت نمیکند دوید داشت ذیل را در دنباله نامه فوق بعنوان میرزا حسین خان سپهسالار
 سال میدارد .
 « مورخ ۱۷ ژانویه ۱۸۷۹ »
 « جناب مستطاب اشرف امجد ارفع را زحمت میدهد »
 « نظر بصحبتی که پریروز در خصوص تردد کشتی در رود کارون با آنجناب مستطاب »
 « اشرف ارفع داشت و بغواش دوستدار تمهید فرمودند که صحبت مذکور را خدمت »
 « اعلیحضرت اقدس شهریاری راپرت نمایند حال زحمت اظهار میدارد که چون در تدارک »
 « فرستادن چایار انگلستان میباشد و سواد مراسله که در همین مسئله بتاريخ ۱۵ »
 « شهر حال شرف ارسال با آنجناب مستطاب اشرف ارفع داشت برای استحضار خاطر »
 « جناب جلالتمآب مارکیس آف سازبری وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه »
 « انگلستان روانه میدارد از آنجناب مستطاب اشرف ارفع ممنون میشود اگر عقیده »
 « اخیره اولیای دولت ایران را در خصوص باز کردن رود کارون را بکشتی های بخار »
 « چه موافق باشد چه مخالف بدوستدار اعلام فرمایند تا اولیای دولت انگلیس کاملاً »
 « بتوانند قدر حالت و رفتار دولت ایران را در این مسئله درک نمایند »
 « زیاده زحمتی ندارد فی ۲۳ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۹۶ »
 « محل مهر (شازرد فر اعلیحضرت پادشاه انگلستان در دربار دولت ایران »
 « رانند طامسن) »
 نامه دیگر
 « جناب مستطاب اشرف امجد ارفع را زحمت میدهد »
 « چون موکب همایون تشریف فرمای شهر گردیده است یقین تاکنون بر حسب »
 « وعده مهربانی فرموده تحصیل جواب اخیره رود کارون را نموده اید هر گاه تا حال »
 « تأخیر افتاده باشد از آنجناب مستطاب اشرف امجد ارفع خواهشمند است که »
 « امروز جواب اعلیحضرت اقدس شهریاری را در اینخصوص تحصیل نمایند که بچاپار »
 « سفارت برسد و نیز مایل است که امروز عصر بجهت این عمل و کار دیگر شرف ملاقات »
 « مسرت دریاب آنجناب مستطاب اشرف امجد ارفع را درک نماید خواهشمند است »
 « اگر فراقت حاصل است دوستدار را مستحضر فرمایند که یکساعت بغروب مانده تا غروب »
 « وقتی را از فیض ملاقات بهجت علامات مستفیض گردد زیاده زحمتی ندارد »
 « فی شنبه دوم شهر صفر المظفر سنه ۱۲۹۶ محل (مهر رانند طامسن) »
 چنانکه قبلاً گفته شد بالاخره ناصرالدین شاه مجبوراً امتیاز نامه فرانسوی ها را

باطل میسازد ولی بانجام درخواست انگلیس ها دائر بدادن اجازه کشتی را بآنها نیز تن در نمیدهد.

روش مناسبی را که اولیای دولت ایران در برابر فشار دولت انگلستان پیش گرفته بودند گذراندن وقت و امروز و فردا کردن بود و اغلب مواقع نامه های سفارت انگلیس را در این باب بدون جواب میگذاردند چنانکه سفارت انگلیس در نامه ای که در تاریخ ۱۶ اوت ۱۸۸۱ بشرح ذیل به میرزا سعید خان وزیر امور خارجه نوشته مطالبه جواب یادداشت های خود را مینماید.

« جناب جلالت و نبالت نضا با فخرت و مناعت انتسابا دوستان استظهار امشقا »
« مکرما مهر بانا .

« در ۲۱ شهرشوال دوستدار شرف آنرا داشت که یادداشتی بانجناب جلالتمآب »
« بنگاردهاوی بر فرایده عمده که بدولت ایران وهمچنین بدولت انگلیس حاصل خواهد »
« شد چنانچه رود کارون برای عبور و مرور کشتی تجارتهی بازو آزاد بشود و در پنجم »
« شهر حال نیز شرف آنرا داشت که مراسله بانجناب جلالتمآب بنویسد که در آن مصلحت »
« انعقاد عهدنامه فیما بین دولتین ایران وانگلیس برای دفع معامله عبید را تکلیف »
« کرده بود تا بحال جواب نوشتجات مذکور را وصول نکرده است و چون اولیای »
« دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هر دو فقره را با نهایت اهمیت ملاحظه می »
« نمایند و توجه مخصوص دارند دوستدار ممنون خواهد شد اگر آنجناب جلالتمآب »
« مهربانی فرموده جواب را کتباً رقم میفرمودند تا از منظور و اراده اولیای دولت ایران »
« در این دو ماده واقف و آگاه باشد و بتواند همانرا تقدیم اولیای دولت اعلیحضرت »
« پادشاه انگلستان بسازد وهمچنین در صورت لزوم قادر بر آن باشد که بعضی »
« توضیحات و اظهارات دیگر را مجدداً مذکور بدارد زیرا زحمتی ندارد فی ۲۲ شهر »
« ذی قعدة الحرام سنه ۱۲۹۸

« محل مهر (وزیر مختار و ایلچی مخصوص اعلیحضرت پادشاه انگلستان رانلد طامسن) »

با این حال انگلیسها دست بردار نبودند و مرتب این موضوع را تعقیب میکردند. در ملاقاتهایی که وزیر مختار انگلیس در این باب با اولیای دولت ایران بعمل می آورد جرعه های « سرخرمن » نمی توانست جواب صریحی دریافت کند. میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه در گزارشی که راجع بملاقات خود و وزیر مختار انگلیس در باب رود کارون برای ناصرالدین تهیه کرده می نویسد.

« وزیر مختار انگلیس را ملاقات نموده واشکالات را کفتم قبول نکرد و گفت این کار برای ایران منافع زیاد دارد و بمالوه نباید يك دولت دوست را رنجاند و اینکه یکی از اشکالات از مرداب انزلی میدانند صحیح نیست زیرا این اجازه یعنی استفاده از مرداب انزلی توسط روسها مدتها قبل داده شده و کشتی های کوچک می توانند به آنچه رفت و آمد کنند بهر حال وزیر مختار انگلیس تهدید می کند که صریح بگوئید که نمی خواهید خواهش دولت دوست یعنی انگلیس را بپذیرند »

با این اصرار و تهدیدات مهمل میرزا سعیدخان این موضوع را قابل مطالعه بیشتری

دانسته وانجام آنرا بوقت دیگری موکول می سازد.

ناصرالدین شاه رانلد طامسن وزیر مختار سمج انگلیس در تساریخ دوم ماه
عصبانی است جمادی الاولی سال ۱۲۹۹ قمری هنگامی که ظل السلطان در

تهران است یادداشت ذیل را بمیرزا سعیدخان وزیر امور خارجه می نویسد.

« جناب جلالت و نبالت نضا با فخرت و مناعت انتسابا دوستان استظهار امشقا »
« مکرما مهر بانا .

« در خصوص باز و آزاد کردن رود کارون بجهت عبور و مرور کشتی های تجار داخله »
« و خارجه آنجناب جلالتمآب خوب مستحضرنده که دولت انگلیس بجهت صرفه تجارت باین »
« کار بسیار اهمیت داده اند و چقدر ملاحظه و اصرار در اتمام وانجام این امر دارند و »
« چون اعلیحضرت اقدس شهر یاری انجام این امر را موقوف و منوط بشریف آوردن حضرت »
« مستطاب اشرف ارفع امجد و الا ظل السلطان دامت شوکته فرموده اند که بعضی تحقیقات »
« لازمه با حضور حضرت مستطاب معظم الیه بشود و احتمال میرود که نواب مستطاب معظم الیه »
« چند روز دیگر بمقر حکمرانی خود مراجعت فرمایند لهذا محترماً خواهش می نماید که »
« حسب الامر اعلیحضرت اقدس همایونی با حضور حضرت مستطاب معظم الیه اقدامات لازمه »
« را بموقع اجری گذارند که زیاده از این امر بطول نینجامد که مزید امتنان دوستدار »
« خواهد بود . فی ۲ شهر جمادی الاولی سنه ۱۲۹۹ محل مهر (رانلد طامسن) »

ناصرالدین شاه که از دیدن این نامه عصبانی می شود با خط خود بمیرزا سعید خان وزیر امور خارجه چنین مینویسد.

« جناب وزیر امور خارجه »

رقعه ایلچی انگلیس را در فقره رود کارون دیدم خیلی عجیب است که آب و ملک مال دولت ایران و این نوع امور مهمه در نظر ما باید اهمیت نداشته باشد و در نظر دولت انگلیس اهمیت دارد و باید فوراً تا ظل السلطان اینجاست قرار این کار را بدهد .

صریح می نویسم که دولت ایران نمی تواند اذن بکشتی های خارجه بدهد که در رودخانه کارون تردد نمایند. اگر برای تسهیل تجارت است دولت ایران خود اسباب حمل و نقل مال التجاره را از کشتی و غیره باید فراهم بیاورد رقعته وزیر مختار انگلیسی و این جواب مارا فردا در مجلس وزراء قرائت کرده باطلاع ظل السلطان همینطور جواب صریح آخری بدهد ۹۹»

ساعتی بعد در دنباله آن این نامه را هم می نویسد .

« جناب وزیر امور خارجه »

امشب ملکم خان را بیاور منزل خودت در فقره خواهش انگلیس ها در فقره کشتی رانی در رود کارون از او سؤالات چندی بکن آنچه در این مدت از انگلیسها فهمیده باشد که اصل منظور و مقصود از این خواهش چه چیز است و نفع و ضرر این کار را بتفصیل از ملکم خان سؤال کن و فردا صبح بر سران لیکن جواب ما همان است که ساعتی قبل در جواب رقعته وزیر انگلیس نوشته ام حقیقتاً اینجا همان مثل قدیم خیلی مناسب است که بی گذار نمی توان بآب زد و غور و تدقیق نکرده چیزی را قبول کرد و بالمال خدا می داند که چه ضررها را در پی داشته باشد همیدن عقیده ملکم خان نیز لازم است ۹۹»

دو نامه فوق که ناصرالدین شاه بخط خود نوشته عیناً در صفحات ۱۶۲ و ۱۶۳ گراور شده است

راجعه بکارهای میرزا ملکم خان (ناظم الدوله) وزیر مختار ایران در لندن در بخش اول کتاب کم و بیش اشاراتی شد و گفتیم این شخص در غالب موارد برای حفظ منافع انگلستان در ایران با اصطلاح «دایه دلسوزتر از مادر» بود و مثل آنکه ناصرالدینشاه هم او را خوب می شناخت که برای دانستن مقصود انگلیس ها می نوشت «فهمیدن عقیده ملکم خان نیز لازم است».

در سال ۱۳۰۱ هجری قمری میرزا ملکم خان تلگراف رمزی از لندن بوزارت امور خارجه مغایره می کند و ضمن آن در مورد نظر انگلیس ها در باره رود کارون می نویسد «وزرای انگلیس محققا از روی دلسوزی و محض مصلحت ایران نوشته اند»

متن این تلگراف بشرح زیر است .

«استخراج تلگرام رمزجناب ناظم الدوله

حالا که کتابچه مفصل بنده باید رسیده باشد یعنی جزء ثانی سند اتلکریطه خوب معلوم خواهد شد این جزء ثانی راوزرای انگلیس محققا از روی دلسوزی و محض مصلحت ایران نوشته اند شرح مضمومات و معانی آنرا بعد عرض خواهم کرد مضامین آن جزء ثانی سند مزبور لفظا بلفظ از این قرار است .

۲ و لکن دولت انگلیس نمی تواند این معنی را ازدولت ایران مخفی بدارد که مقدار تقویت و اعانت دولت بریتانیای عظیم نسبت بدولت ایران بیشتر بسته به آن مقدار دوستی و میل باطنی است که ملت انگلیس نسبت بدولت ایران باید داشته باشد از برای ازدیاد این دوستی و میل باطنی ملت انگلیس بی شک یکسدی در میان است و آن اینست که امروز میانه انگلیس و ایران مرادفات تجاری بغایت کم است و مثل اینست که هیچ نباشد و سد مزبور بخصوص در آن موافقی است که برای تجارت جنوب ایران برقرار کرده اند و اگر این موانع رفع میشد تجارت انگلیس و هند در آن صفحات بسهولت و وسعت می یافت احتمالات متواتره وزیر مختار انگلیس در طهران بجهت افتتاح رود کارون برای کشتی های تجاری تا بحال بجائی نرسیده و نیز عدم راههای مناسب و امن از داخله ایران بخلیج فارس بجهت اقدامات تجاری مانع کلی شده است اگر اعلیحضرت پادشاهی پلانا عمل واز روی جد تدابیر موثر میفرمودند که راه تجاری انگلیس و سایر ممالک خارجه در سمت خلیج فارس بکلی باز شود مصالح و بستگی بریتانیای عظیم و سایر ممالک فرنگستان در ایران خیلی زیاد و زود وسعت می یافت و از اجرای این نوع تدابیر علاوه بر آبادی ایران و کثرت کلی مالیات پادشاهی برای رفاه و سعادت ملت ایران منتها درجه حسن نتیجه را می بخشید (نمره ۷۷) ملکم ۱۳- پتامبر (۱۸۸۴) ۲۲ ذی قعدة (۱۳۰۱)

تهدیدات

بعضی از نامه های سفارت انگلیس که در اینجا آورده شد نمونه هایی است از زیاده داشت های بسیار که بدولت ایران سر درو موندولف
نوشته شده و متاسفانه تمام آنها در دسترس نگارنده نیست.

وزیر مختار انگلیس قبلا گفتم با همه این تهدیدات و فشارها ناصرالدین شاه

در مقابل انگلیسها مقاومت کرد و این موضوع را با امروز و فردا گذراند .
در سال ۱۳۰۵ هجری قمری سره نری درو موندولف با سمت مامور فوق العاده بوزیر

مختاری در دربار تهران منصوب میگردد .

راجعه باین مرد زیرک و منظور دولت انگلستان از اعزام او بایران در قسمت های مختلف این کتاب گاهی توضیحاتی داده شده و فقط لازم است در اینجا گفته شود مسئله ای که مدت ناه سال انگلیس ها را بواسطه مقاومت و پایداری دولت ایران بخود مشغول کرده بود

بالاخره بدست سره نری درو موندولف حل میشود و انگلیسها بمقصد خود میرسند .
صدر اعظم ایران در این وقت میرزا علی اصغر خان امین السلطان بود که در آن موقع روابط صمیمانه ای با سفارت انگلیس داشت و بطوریکه معروف بود امین السلطان هیچ کاری را بدون مشورت با ولف انجام نمیداد از جمله مسائل عمده ای را که ولف مامور حل آنها گردیده بود یکی موضوع اختلاف بین دولت ایران و بارون جولوس رویتز و دیگر اجازه کشتی رانی در رود کارون بود .

ولف این دو موضوع را با کمال زبردستی بکمک میرزا علی اصغر خان امین السلطان صدر اعظم ایران بطور دلخواه دولت انگلستان یا انجام میرساند .

در ملاقاتها و مذاکراتی که بین صدر اعظم ایران و وزیر مختار انگلیس بعمل می آمد امین السلطان قول میدهد که ناصرالدین شاه را وادار خواهد کرد که فرمان اجازه کشتی رانی رود کارون را مطابق میل ولف صادر کند .

در دنباله مذاکرات امین السلطان و ولف سفارت انگلیس یاد داشتی بشرح زیر بعنوان قوام الدوله وزیر امور خارجه میفرستند .

«قلبهك مورخه ۱۱ محرم الحرام سنه ۱۳۰۶ (۱۸ سپتامبر ۱۸۸۸)

«جناب مستطاب اجل اکرم اشرف عالی را تصدیع افزاست .

« بنا بدستور العمل وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان باید بنظر اولیای « دولت اعلی حضرت شاهنشاهی ایران برسانم که اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی از « سابق همیشه اطمینان و وعده مشعر بر اینکه کشتی رانی رود کارون بتجارت تمام « عالم مفتوح خواهد شد و اینکه اقدامات از برای تکمیل و سهولت مرادوه مابین عمان « و ممالک شمالی آندولت بعمل خواهد آمد مکرر بدولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان « بتوسط نمایندگان آندولت مرحمت فرمودند . علاوه بر این بنا بدستور العلم باید « بنمایم که هیچ اقدامی در اجرای آن وعده ها بعمل نامده و باید سؤال کنم که اولیای « دولت علیه ایران وعده های خودشان را کی خیال دارند بموقع اجرای بگذارند .

« راههای منظوره از برای آزاده تکمیل تجارت ممالک خارجه با ایران خیلی « واجب است و فعلا آن تجارت بنا بموانع طبیعی عقب مانده فقط راههای دیگر « بیابخت شما بتوسط ممالک دول دیگر است و تجارتمی که بواسطه آن ممالک عبور « میکند مادام عبور از آن ممالک خارج از تحت قوانین ایران است اما در اشاره وسائل « از برای سهولت تجارت بسمت شمال مقصود دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان این « نیست که فائده ببرد بنفی دیگران و امتیازیکه منحصر بخود دولت انگلستان یا ملت « انگلیس باشد نیطلبند بواسطه اینکه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان دوست « و متمهد با ایران و بواسطه اینکه عهدنامه مشعر بصلح و مودت بادولت ایران امضاء « کرده و بواسطه اینکه بادولت روسیه اطمینان در حفظ و آزادی ایران داده اند دولت « اعلیحضرت پادشاه انگلستان تصور میکند که حق دارد در این باب نصایح خودشان را « بدولت اعلیحضرت هما یونی تقدیم نماید . یحتمل اجرای فوری اقدامات عظیم در تکمیل

«مرادوات این مملکت از قبیل اقدامی در راههای آهنی و آبی مشکل است ولی در»
 «صدوریک اعلان مبنی بر اعلام اینکه کشتی رانی در رود کارون حالا و تاابد از برای»
 «تجارت تمام ملل آزاد است و اینکه دولت ایران قلیل مبالغی از برای راه انداختن»
 «کارهای لازمه رودخانه و ساختن راههای لازمه سمت شمال مصروف خواهد نمود نباید»
 «اشکالی داشته باشد لهذا دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از آنجائیکه دوست»
 «و متحد با ایران است بدو ستاد دستور العمل دادند که سؤال کنم که کی باید منتظر»
 «اجرای اطمینان و وعده های سابقه ملوکانه شاهنشاهی بشوند و امیدوارند که جواب»
 «رسمی که وصول خواهند نمود کاملاً مطابق آن اظهارات مودت و دوستی بین دو اتین»
 «که تکمیل و بقاء آن مقصود دولت انگلیس است خواهد بود دو ستاد این موقع را»
 «مغتنم شمرده احترامات خود را نسبت بآن جناب تجدید مینماید محل مهر (وزیر مختار»
 «وایلچی مخصوص اعلیحضرت پادشاه انگلستان هنری درامندولف»

فرمان آزادی
کشتی رانی رود کارون
صادر میشود

این ایام مقارن با سالی است که ناصرالدین شاه بفرسوم اروپا میرود ولی قبل از رفتن سفر فرنگستان باید درخواستهای وزیر مختار انگلیس و مقدم بر همه موضوع افتتاح رود کارون برای ورود و خروج کشتی های خارجی انجام پذیرد با وجود این ناصرالدین شاه از عواقب این عمل سخت بیمناک بود و از انجام آن امتناع داشت اما بالاخره بواسطه فشار و تهدیدات وزیر مختار انگلیس و نظر موافق و میل باطنی امین السلطان تسلیم میشود و دستور میدهد مجلسی از رجال و اعیان دولت تشکیل و ترتیب اینکار را بدهند و سرانجام بعد از مذاکراتی که بعمل میآید تصمیم میگیرند کشتی رانی در رود کارون برای عموم دول بدون استثناء آزاد باشد و این تصمیم را در تاریخ سه شنبه ۲۴ صفر ۱۳۰۶ (۳۰ اکتوبر ۱۸۸۸) به تمام نمایندگان سیاسی مقیم تهران بموجب یادداشتی بشرح ذیل اطلاع میدهند.

بفرای دول متحابه

دولت علیه ایران نظر بوسعت تجارت و آبادی مملکت خود و ترقی فلاح و خورستان و اهواز قرار داده است که کشتی های بخاری تجارتی عموم دول بدون استثناء علاوه بر کشتی های بادبانی که سابقاً در رود کارون عبور و مرور می کردند در رود کارون از محمره الی سد اهواز بحمل و نقل مال التجاره مشغول باشند ولی مشروط است بر اینکه از سد اهواز بیلا تجاوز نکنند زیرا که از سد بیلا مخصوص کشتی های بادبانی و تجارتی خود دولت ایران و تبعه دولت ایران است و حق العبوری هم که دولت ایران قرار داده است در محمره ادا کنند و حامل اشیائی که قذفن دولت ایران است نباشند و بیشتر از اندازه که برای گرفتن و گذاشتن بارهای تجارتی لازم است توقف نکنند بجهت استحضار خاطر آنجناب زحمت داد مورخه ۲۴ شهر صفر ۱۳۰۶

در موندولف وزیر مختار انگلیس که انجام این کار را برای خود موقیبت بزرگی میدانست روز بعد وصول یادداشت مزبور را اینطور بوزارت امور خارجه اطلاع میدهد.

«(۳۱ اکتوبر ۱۸۸۸)»

«جناب جلالت و نبالت نصاباً با فضا و مناعت و تساباً دوستان استظهاراً مشفقاً مکرماً»

«مهرباناً دو ستاد بدون هیچ تعویق جناب جلالتمآب وزیر امور خارجه اعلیحضرت»
 «پادشاه انگلستان را از وصول مراسله آنجناب جلالتمآب مورخه بیست و چهارم شهر»
 «حال مشعر بر اعلام افتتاح رود کارون الی اهواز بکشتی های بخاری و بادی عموم ملل»
 «متحابه با ایران مطلع ساخت»
 «بنا بدستور العمل جناب جلالتمآب مار کیوس آف سالیسبوری باید قدر شناسی»
 «صمیمی اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس را از این صلاح دید لامحرك منور»
 «اعلیحضرت اقدس شهرباری باولیای دولت علیه ایران اظهار نماید. زیاده مصدع»
 «نمیگردد فی ۲۵ صفر سنه ۱۳۰۶»
 «محل مهر (وزیر مختار وایلچی مخصوص اعلیحضرت پادشاه انگلستان»
 «هنری درامندولف»

بعد از چندی شرایط و مقررات کشتی رانی رود کارون را تهیه و بصورت اعلان چاپ و بشرح زیر منتشر می سازند.

(اعلان دولتی)

- دولت علیه ایران برای تسهیل تجارت و مزید ثروت و انتفاع مملکت رود کارون را در تحت شرایط مشروحه ذیل مفتوح و آمد و شد کشتی های تجارتی عموم ملل را از محمره الی اهواز مجاز و مازون داشته است کشتی ها در رود مزبور سیر و مرور کرده مقررات دولت را لازم الاجراء خواهند شمرد و این قرار داد در ظرف ده سال بلا تخلف مجرا و پس از این مدت باقتضای وقت تغییرات لازمه خواهد یافت.
- ۱- کشتی های دول متحابه زیاده بر ضرورت بارگیری و باراندازی و حمل آذوقه مسافرت در اسکله رودخانه توقف نمایند.
 - ۲- در کشتی ها اشخاصی که وجود آنها مضرت نظم و باعث گفتگو و زحمت نباشد نباید باشند هر کس می آید باید تذکره از دولت متبوعه خود داشته باشد زیرا که اگر تذکره نداشته باشد فهمیده نمی شود که کارش چه چیز است.
 - ۳- هیچ کشتی حق هیچگونه حمایت بهیچ اسم و رسم از رعایای دولت ایران نخواهد داشت.
 - ۴- حمل اسلحه مطلقاً قذفن است و اگر بخلاف قذفن دولت در کشتی ها اسلحه حمل شده باشد ضبط خواهد شد.
 - ۵- اشیاء محترقه و ترکنده بهیچوجه در کشتی ها حمل نخواهد شد.
 - ۶- صاحبان کشتی و جهان الوجوه ایجاد هیچگونه ابنیه از قبیل انبار ذغال و مال التجاره و دکان و کاروانسرا و کارخانه و غیره هادر اطراف رود کارون نخواهند کرد.
 - ۷- از برای وضع مال التجاره و ذغال کشتی ها از طرف دولت یا تجار ایران انبار و مکان اسکله بقدر کفایت ساخته خواهد شد.
 - ۸- از برای انبارهای مال التجاره و ذغال يك مبلغ معتدل معمولی اجاره معین خواهد شد که صاحبان کشتی ادا خواهند کرد.
 - ۹- تحویلدار انبار ذغال از رعایای ایران خواهند بود.
 - ۱۰- کشتی ها از بند اهواز تجاوز بیلا نخواهند نمود.
 - ۱۱- از برای انبار مال التجاره يك امین از ایران منتخب خواهد شد و یک نفر هم از جانب کل صاحب کشتی ها و کالنا مشخص خواهد شد که متفقاً مراقب باشند.

- ۱۲- مستحفظین انبارها از قبیل قرابول وغیره کلا از جانب ایران خواهند بود .
- ۱۳- اهل هیجیک از کشتی ها حق ندارند وجهی من الوجوه از احدی از رعایای ایران هیچگونه ملك بیع و شراء و رهن وغیره نمایند .
- ۱۴- از کشتی هایی که در رود کارون الی نقطه اهواز عبور و مرور میکنند ذهابا وایا با اگر کشتی بخار است بهترن یکقران و اگر بادبانی باشد ده ماهی باج و حق العبور گرفته میشود اگر بی بار باشد نصف باج از آنها گرفته خواهد شد و کشتی های بادبانی رعایای داخله ایران که از سی تن کمتر باشد از رسوم مزبور معاف خواهند بود .
- ۱۵- حمالها برای حمل مال التجاره از اسکله بکشتی و از کشتی با اسکله باعلامت و نیت مخصوص از جانب دولت معین خواهند شد .
- ۱۶- در صورتی که در کشتی ها با اجازه دولت ایران عملیات ایرانی استخدام شوند از زمانیکه تحت محاکمات بیابند یا متهم شوند محاکمه و مجازات آنها مستقیماً بدون مداخله احدی با مأمورین ایران خواهد بود .
- ۱۷- در باب بیرق کشتی ها تحت قانون کلیه بحریه خواهند بود .
- ۱۸- اهل کشتی ها بعموم رعایای ایران باستثنای عمل داد و ستد تجارت . زیاد از در تومان قرش نخواهند داد والا حق مطالبه نخواهند داشت .
- ۱۹- هیجیک از دول متحابه حق ندارند مداخله در عمق و طرح و مجرای رودخانه وجهی من الوجوه نمایند .
- ۲۰- عدد و اسم و رسم اشخاص که باذن و اجازه دولت داخل خدمت کشتی های دول متحابه می شوند باید در دفتر حکومت مفید باشد و تذکره از ایران داشته باشند والا نمی توانند مستخدم شوند .
- ۲۱- چون این اجازه عبور و مرور کشتی های تجاری دول متحابه در رود کارون منحصرأ و مخصوصاً محض ترویج و تسهیل تجارت است و لا غیر باستناد این عمل بهیچوجه من الوجوه مذاکره پلتیکی و غیره قبول نخواهد شد .
- ۲۲- در وقتی که یک کشتی غرق بشود همان معامله که در عموم سواحل دریاها معمول است حق خلاص مال و نفوس را باهل ساحل رودخانه ادا خواهند نمود .
- ۲۳- اهالی کشتیها اشیاء مضره از قبیل اسلحه وغیره بهیجیک از رعایای ایران و ایالات و عشایر نخواهند فروخت والا اسلحه ضبط و قیمت مسترد خواهد شد .
- ۲۴- هرگاه هر یک از کشتی های یکی از دول متحابه برخلاف این شروط و قرارداد رفتار نماید اگر کشتی بخار است شصت تومان و اگر بادی است سیصد تومان جریمه گرفته خواهد شد و آن کشتی تا دو سال ممنوع از آمدن خواهد بود .

مخالفت روسها
قبلا گفتیم که علت عمده امتناع دولت ایران در دادن اجازه کشتی رانی در رود کارون مخالفت روسها بود زیرا این امر هم از لحاظ سیاسی و از هم جهت اقتصادی لطمه شدیدی بمنافع آنها در ایران میزد .



بعضی از یاد داشت های سفارت انگلیس و اعلان آزادی کشتی رانی در رود کارون که رویهم از آنها عکس گرفته شده است